www.kitabmart.in

ثانی ۲

مرگ باعزت بہتر است
از زندگانی باذلت
"امام حسین علیہ السلام"

سرور شہیدان

حسین بن علی
علیہ السلام

علی نقی النقوی

www.kitabmart.in

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ

(سورۂ آل عمران آیت ۱۶۹)

کسانی را که در راہ خدا کشته شدند مردہ خیال مکن

www.kitabmart.in

پیش نهاد

سرداد ندادد دست در دست یزید حقا که بنای لا اله است حسین

سرداد ن حضرت سرور شهیدان علیه الصلوٰة والسلام در راه حق حقیقتی است درخشان و تابنده که غبار شک و شبهات نمی تواند آن حقیقت کبریٰ را از نگاه خلائق پنهان نماید - ولی متاسفانه گاه گاه صداهای شنیده می شود که دلالت می کند بر خفای این حقیقت بر بعض از یاران و اگر این اشتباه منحصر شخصی باشد چندان اهمیت ندارد ، ولی هر گاه بواسطهٔ تبلیغات شخصی شود در تعدیهٔ این اشتباه ، آنوقت لازم می شود بر پرستاران حقیقت که در پرده پرداشتن از آن حقیقت ثابته هر چه بتوانند سعی بخرج دهند -

همین است که برای صیانت مقام مقدس " سرور شهیدان " از هر گونه لبس و تلبیس قلم برداشته شده است

والاتمام من الله

---

۱ - چنانکه کتاب " شهید جاوید " در ایران در عرض دو سال دو دفعه چاپ شده چاپ اول آبان ۱۳۴۹

چاپ دوم ، اردیبهشت ۱۳۵۱

www.kitabmart.in

ربطی بمراجع تقلید ندارد ٭

هر کسی می داند که تقلید در مسائل فرعیه عملیه می شود و موضوع احکام تقلیدیه افعال مکلفین اند - ولی مکلفینی که این احکام بذمه آنها تعلق دارد یعنی فعل یک شخصی موضوع حکم دیگری نمی شود. پس حرکت امام علیه السلام موضوع حکم خود امام می شود که باید خود امام آنرا بسنجد - نه اینکه مراجع تقلید امروزه موضوع حکم امام را در دروس فقهیه خودشان

٭ نویسنده شهید جاوید، بعنوان «پیشنهاد لازم الاجرا» می نویسد «مسئله قیام امام حسین علیه السلام یکی از پیچیده ترین مسائل تاریخی اسلامی است و علت این پیچیدگی، اختلافات و تناقضاتی است که در مطالعه و برخورد با این مسئله وجود دارد و همین جهت در تشخیص حقیقت این قیام نظریه های متضادی اظهار شده و از طرفی چون عمل امام حجت است باید واقعیت نهضت آن حضرت شناخته شود تا مردم بتوانند از آن پیروی کنند. بنابراین حرکت امام موضوع یک مسئله مهم فقهی و عملی است تا موضوع حکمی تشخیص نشود عمل به آن حکم غیر ممکن است. از شهروز پیشنهاد می شود مسئله «قیام سبط پیغمبر» در حوزه های علمیه بعنوان سمینار در سطح عالی اجتهادی (خارج) از طرف علمای طراز اول مورد تحقیق قرار گیرد و محصول اجتهاد آنان نشر شود. تا بدینوسیله هم باین اشتغال که در نوشته های نویسندگان و گفته های گویندگان وجود دارد خاتمه داده شود و هم مردم از سرگردانی نجات یابند و هم پیروی از بهره برداری از قیام عظیم امام میسر گردد.

www.kitabmart.in

طرح کنند و آن وقت نتوانند بر امام اجراء کنند تا امام
در عمل خود تقیید آنها نماید.
حالانکه این دوره دوره تخصص است، هیچ متخصص
فنی حق تدخل در فن دیگر ندارد. پس قیام امام حسین
علیه السلام را اگر کسی می داند که "یکی از پیچیده ترین
مسائل تاریخی اسلامی است" چرا علمای فقه و اصول
را دلوا از طراز اول باشند، صدا می دهد که این را
نه در درسهای عالی اجتهادی (خارج) مورد تحقیق قرار دهند
بلکه باید کسانیکه در رشته تاریخ زحمت کشیده اند و عمری
در این مجال بسر برده اند، محصول مطالعات خودشان را منتشر
نمایند تا دیگران هم حسب درجه خود در بررسی با سباب تاریخی
آنها را بسنجند تا شاید بیک نتیجه برسند که برای همه لااقل قبول
باشد و کسانیکه در این باره "سرگردان" اند از سرگردانی
نجات یابند.

www.kitabmart.in

موضوع یا مبنی؟

کسی که می گوید این حرکت امام موضوع یک مسئله تمام فقهی و عملی است" کاری ندارد بگوید "این حرکت امام مبنای یک مسئله تمام فقهی و عملی است" چون حضرت می فرماید "عمل من در این قیام سرمشق شماست" دلیل این اختصاص یا این قیام حرکت امام ندارد.

بحکم آیهٔ کریمه: لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة (احزاب ۲۱)

و فرمان خداوندی: قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی (آل عمران ۳۱)

هر عمل از اعمال پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیرهٔ او در زندگانیش سرمشق عامهٔ افراد اهل اسلام است.

و حکم اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم و آیهٔ کریمه: یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین (برائة ۱۱۹) و حدیث شریف نبوی علی

بحکم آیه: و لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق مردم است (سنهٔ جدید)

www.kitabmart.in

قائله و آله افضل الصلوٰة والسلام : مان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ، و هم حدیث دیگر : مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجا ، پرکی از انمار بر پرکی از بداة بصورت علیهم الصلوٰة والسلام سر مشق پرکی از فوضیست و معلوم است که عمل بیخبر باشد یا انام پرکی حجت است پس واقعیت پرکی از انها باید شناخته شود تا مردم بتوانند از ان پیروی کنند .

www.kitabmart.in

مسائل پیچیدہ از تاریخ حیات معصومینؑ

اگر راست باشد کہ مسئلہ قیام امام حسین علیہ السلام با انگیزہ
و اطراف آن در چہارده قرن "حالا ہم" از پیچیده ترین
مسائل تاریخی است"
آیا در سیرت جمیع معصومینؑ، ہمین یک مسئلہ چنین پیچیدگی
را دارا است؟

آیا در سیرت حضرت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
(۱) موقع ہجرت تشریف بردن حضرت از مکہ معظمہ برای
حیافت نفس، و گذاشتن حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام
در حلقہ تیغہای کشیدہ و نیزہ ہای لرزندہ چنان پیچیدگی ندارد
(۲) موافق نظر نویسندہ خاص لازم است
خود را در آن زمان و قبل از وقوع حادثہ فرض کنیم ــــ ولازم
است خود را از اینفکر کنار زنانی پس از وقوع حادثہ ہستیم
و بینیم: پس از ان ہستیم کہ در جنگ بدر حضرت پیغمبر صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم در مقابل یک ہزار کفر تنہا کہ مسلح بتمام اسلحہ جنگ بود

---

۱ شہید جاوید ص ۳۸۴ - ۳۸۵

www.kitabmart.in

برآمدن با سیصد سیزده اشخاص عادی که تنها سیزده کشتر
و دو تا اسب داشتند نظر بیجاری اسباب طبیعی امکان
پیروزی نظامی [illegible] نبوده، هیچ
پیچیدگی ندارد ؟

(۳) آیا در موقع احد، با شکست خوردن تمام ارد دور
زدن آنها از میدان قتال، ماندن حضرت پیغمبر خدا صلی الله
علیه و آله و سلم با زخمهای که بحضرت رسیده و ماندن حضرت
علی ع با نبودن کسی دیگر پیاده در میدان، مسئله
پیچیده نیست ؟

(۴) آیا بیرون آمدن حضرت علی ع برای جنگیدن با عمرو
عبد ودبا این که بهترین مردان آزموده کار می گفتند که تقابل
با این پیل ممکن نیست و این تنها با هزار مرد جنگی مقابل
است هیچ پیچیدگی ندارد ؟

(۵) آیا رفتن حضرت پیغمبر خدا بقصد عمره با چهل
بهر این آنها عوامل پیروزی در جنگ و تسخیر مکه نشده
مهیا بود و با این اسباب پیروزی ترک حق خود که در
مکه داشت و برگشتن از مکه با عقد مصالحت با مشرکین

www.kitabmart.in

که غالب همراهان آنحضرت ﷺ از آن احساس ذلت
برای جمیع امت اسلامیه می نمودند چیزی نمیدانست؟
(۶) سپس از سیرت حضرت ابوبکر بعد از وفات حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم باز ماندن از رفتن بمجلس
سقیفه بنی ساعده که پیروزی در تشکیل حکومت
که بزعم نویسنده خاص فرقه امامیه است موقوف بر آن
بود و بواسطه این تخلف این پیروزی از دست
حضرت علی بن ابی طالب رفت چه گمان ندارد؟
(۷) آیا رد نمودن حضرت اقتراح ابوسفیان را
با وعده او در نصرت و تهیه قشون چهار ده هزار
نفر از سوار و پیاده که البته ضامن پیروزی
آنحضرت می بود در مقابل مشرکین چه گمان ندارد؟
(۸) آیا سکوت حضرت بعد از اتمام حجت و استمرار
آن سکوت در عرض مدت بیست و پنج سال بدون
ادنی سعی در تهیه عده و عدد برای منقلب کردن آن
حکومت باطله امری پسندیده نیست؟

www.kitabmart.in

#

(۹) آیا سکوت حضرت بعد از اتمام حجت و آشکار
آن سکوت در عرض مدت بیست و پنج سال بدون
ادنی تعیین

(۹) آیا قبول کردن حضرت امیر عضویت مجلس شورائی را
که خلیفه دوم برای انتخاب خلیفه بعد از خود ترتیب داده
بود، بیعد گی ندارد؟!

(۱۰) آیا تمرا ہی نکردن حضرت با ثروه لشندگان در
قبال عثمان نگذ سعی در اصلاح حال و فرو کردن آتش
شورش، امری بیعده نیست؟!

(۱۱) آیا انکار حضرت از قبول حکومت بعد از عثمان تا آنکه
اصرار مردم شدت گرفت و بعد قبول آن از آنها بیعده
و باز بیعده تر نیست؟!

(۱۲) آیا خودداری حضرت از قبض برفدک در زمان
حکومت خود با تأثرات دردناک حضرت سیده عالمیان
در این باب تا آخر نفس خود، امری بیعده نیست؟!

و همین طور در سیرت هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام

www.kitabmart.in

چه نقاطی نظر می رسد که در نگاه های عادی ما
پوشیده نظر می آید پس چرا این ها همه در حوزه های
علمیه با این سبک و سیاق در سطح عالی اجتهادی (خارج)
از طرف علمای ما از اول مورد تفتیش قرار گیرد

۱۲

www.kitabmart.in

نشد و نمی شود - چرا؟

راست است که عمل امام باید مورد تأسی باشد چون با اجماع امت از حافظ کتاب احکام کتاب و سنت است و سنت عبارت است از قول معصوم و فعل معصوم و تقریر معصوم چنانکه بسیاری از افعال معصومین در ابواب طهارت و صلوٰة و حج و نکاح و میراث و غیر آن مورد بحث در کتب فقه برای استنباط احکام می شود ولی عمل معصوم که مورد تأسی می شود باید معلوم الوجه باشد و دانستن وجه فعل امام در اشکال آن مسائل تاریخیه که سابقاً بیان شده است مطالباتی در احوال سابقه و اوضاع حالیهٔ آن عمل که بسیاری از مصادر تاریخی آنرا در دست نداریم و آنچه داریم نه مفید قطع است که مبنای اعتماد باشد و نه بحد ظنون خاصهٔ است که مبنای استنباط احکام میرانند پس ناگاه کتاب تاریخی ننویسیم لابد از نظر قرائن و مقتضیات احوال

www.kitabmart.in

آرائی را راجع بآن مسائل ابداء می کنیم و گفتگو شیم که به نتیجه
برسیم و قاعدتین کلیه را برسانیم ولی نمی توانیم در دروس
خارجه فقیه آنها را مبنای حکمی از احکام عملیه قرار دهیم
و چنانکه آیاتی از قرآن کریم قبیل متشابهات
است لابد در آنها وحی آید و ثواب تلاوت بر آن مترتب
می شود و بیان اجمالی آنها جزء اسلام است و عین
طور همچنین اقوال ائمه را آیات متشابهه از قرآن ناطق
باید دانست که ذکر آنها در مجالس و استماع
البته مورد ثواب عظیم است و آثاری از قبیل نکاح و
اینها هم بر آن مترتب می شود و مورد اجر و ثواب می باشد
ولی نمی توانیم آنها را در دروس خارجیه مبنای یک فتوی
قرار دهیم که مردم بر آن عمل کنند.

www.kitabmart.in

آنچه شاگردان امام صادق علیه السلام روایت کرده اند

باید دانست که خوان نعمت علمی حضرت (امام صادق علیه السلام) چنان گسترده بود که هر کسی حسب دانست از آن مائده انعام الهی بهره گیرد و کسانیکه از آن سفره رنگین پاره ای می چیدند از شاگردان حضرت محسوب می شدند یا خود شان را محسوب می نمودند، چه دوست باشد چه دشمن، چه من باشد چه منافق.

طوریکه اصحاب حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم همه شاگردان حضرت پیغمبر محسوب می شوند ولی ما نمی توانیم قول هر یک از انها را حجت شرعیه بدانیم، بنا بر این ما فقط راوی حضرت صادق را که حافظ این عقیده عدالت شان را اخبار پیرا و رسانیده است می توانیم تماماً عدل و ثقه بدانیم پس کسیکه می خواهد ما را بلفظ "شاگردان امام صادق علیه السلام" بترساند لازم است که شخصیت آن شاگردان را از روی مروجات خود شان هم بسنجد که شیعه بودند یا نه و باز در کتب رجال

(1) شهید جاوید پیش نهاد صفحه پنج

www.kitabmart.in

نگاه کند که مرغ شیفته بودن را شیوه آنها شده است

یا نه ؟!

www.kitabmart.in

ابو مخنف و ہشام کلبی چہ کس بودند؟

ہر کسی مرویات این ہر دو را در کتب تاریخ
بیند می تواند تصدیق نکند کہ بسیاری از منقولات
ہا بہ عقائد شیعہ برمی خورد و کشف می شود کہ این
ہر دو شیعہ امامی بودند و اگر شخصا میل بجانب شیعہ
اشتہ باشند از این جہت در کتب آنہا را شیعہ
وشتہ باشند، ولی کتابہائی کہ آنہا در تاریخ نوشتہ اند
ز مرویات شیعہ جمع نیاوردہ اند بلکہ بسیاری از روایش
را از غیر شیعہ گرفتہ اند

www.kitabmart.in

تصویر غلط

وقتیکه گفته می‌شود "۲ دونفر از شاگردان برجسته امام جعفر صادق علیه السلام تالیف کرده اند" ذهن بسیاری از مردم این طور نقش می‌بندد که این کتابهای خودشان را از افادات حضرت صادق علیه السلام جمع آورده اند پس مطالب این هر دو کتاب نه تنها ارزش تاریخی دارد بلکه از ارزش دینی هم برابر است. ولی حقیقت این است که بسیاری از اشخاص که "۵۵" در کلاس درس حضرت صادق علیه السلام رسیده دو سه حدیث از احکام شنیده بودند از شاگردان حضرت محسوب شده اند ولی آنها مثلاً علاقه بموضوع تاریخ داشتند پس کتب تاریخی نوشتند یا بربط بموضوع سیر چیزی نوشته و در نسخه رجال این کتب، هیچ استفاده از حضرت صادق علیه السلام نکرده

---

۱ شهید جاوید ص ۴۰

www.kitabmart.in

دلیل بسیار قوی بر این مطلب این است که در تاریخ
سعایی یافت می شود غیر قابل حل چنانکه در کتاب
"شهید جاوید" ص ۷۷ عنوان قرار داده

"دو مشکل" در ضمن آن می نویسد *

"آنچه مسلم است مؤرخان اسلامی که در قرن دوم
هجری تازه شروع به نوشتن تاریخ نموده اند نتوانسته اند
مسلمات عقیل را بدست آورند و بنویسند ——
مؤرخان نتوانسته اند این مشکل را حل کنند"

اگر آن دو شخص صاحبان مقتل کتابهای خودشان
را همچون حضرت امام جعفر صادق نوشته بودند چرا از حضرت
حل این گونه مشکلات را نپرسیدند و اگر در این باب آنها
هیچ رابطه ای با حضرت صادق نداشتند چرا آدم باید
عبارت که "آنچه شاگردان امام صادق علیه السلام نوشته اند"
سر دهم را گول دهد؟!

* ص ۸۰

www.kitabmart.in

وبرخی در کتب رجال تفحص می کنیم تا ببینیم آیا ثابت شده
که حدیث آنها بدرجهٔ صحت برسد. علاوه بر این
آیا شخص او عیناً شاگرد حضرت صادق علیه السلام باشد
ولی یک روایتی هم از مرو یا شهرها در تاریخ منقول از
حضرت صادق علیه السلام نیست. پس از آنچه آنها
در تاریخ نوشته اند، لابد منقول از اشخاص دیگر است که
برای ما مجهول اند.

www.kitabmart.in

آیا نوشته‌های کلبی و ابومخنف سند ما میشود؟

بعد از تسالم بر این که کتابی که با اسم مقتل ابی مخنف" در دست ماست و در بازار فروش می رود، قطعی البطلان است (۱) باید قبول کرد که اصل نوشته‌های ابومخنف و کلبی سند ما نمیشود. (۲) آنچه سبب این شده که "مطالبی را که تاریخ طبری در موضوع قیام امام حسین علیه السلام نوشته از دو کتاب به نام برده نقل کرده (۳)

آرزو است اگر بالفرض ابومخنف و کلبی موثق هم باشند، باید دید که مقام طبری در اعتبار چیست؟

---

(۱) شهید جاوید حاشیه ص ۲۸۱ و ۲۸۲ لاکن به پراکنده‌ای که نام مقتل ابی مخنف معروف است و بضمیمه جلد دهم بحار چاپ شده — این کتاب است به اندرزها و افزار — محدث نوری در لؤلؤ و مرجان ص ۱۵ در باره این کتاب می گوید "این مقتل بوضوح که به ابی مخنف نسبت می دهند مشتمل است بر بعضی مطالب شگفت مخالف اصول مسلمه و البته از اغفالی و جهال بجهت پاره‌ای از اغراض فاسده در کتب وضع کرده‌اند

(۲) شهید جاوید حاشیه ص ۲۸۱ "این کتاب بغیر از آن مقتل ابی مخنف است که طبری از آن نقل کرده و آن کتاب هم اکنون موجود و کتابخانه‌ها در دسترس ما هست"

(۳) شهید جاوید ص ۴۶۹ در ضمن مدارک کتاب "مقتل مشرب ابی مخنف مجهول المؤلف

www.kitabmart.in

مقدار طبری در میزان اعتبار

طبری یکی از اجلّهٔ علمای اهل سنّت است و بنده هم کسب
و از این تاریخی هر وقت به عاشر فائل هستم و در کتب خود
بسیار از آن نقل کرده ام و می کنم. ولی مزیتی که طبری
در مقام تاریخ نویسی دارد این است که او هرچه با و
رسیده یا دیانت و امانت نقل کرده حتی چیزهای که مخالف
نزعهٔ شیعه باشد هم می نویسد و از این
که بعض متعصبین نویسندگان سنی چون می بینند که بعض
از نوشته های طبری بعقائد شان برمی خورد، بنا کرده اند
که او را بکلی آلوده کرده شیعی بوده، ولی خیلی چیزها هم نوشته
که بعقائد شیعه برمی خورد، از این جهت نمی توانیم قبول
بکنیم و حقیقت هم این است که او از ما نبوده
آیا نقل شریف رضی، یک فقره از مجلد ۱۰ است
سنی زده گانه تاریخ طبری را در نهج البلاغه کرده و از

www.kitabmart.in

پانصد صفحه دارد و بنقل شیخ طوسی در یک جا یا چند جا
از کتاب تلخیص الشافی که در مقابل سنیها نوشته شده
و باید در مقام استدلال از کتب سنیها نقل شود،
طرق مفادی را دارا می شود که مطالبه شود از علمای
ما از اول که ~~[illegible]~~ منقولات و کرار در حوزه
های علمیه برای استنباط احکام شرعیه مورد بحث
قرار دهند

www.kitabmart.in

جنبه بشری امام

صحیح است که پیغمبر و امام دارای دو جنبه هستند:

۱- جنبه ملکوتی ۲- جنبه بشری

ولی از نظر جنبه بشری هم «هم سطح مردم دیگر» (۱) نیستند و الا چرا آنها متبوع باشند و مردم دیگر تابع و چرا افعال آنها سرمشق مردم دیگر باشد؟ و چرا امیر المؤمنین علیه السلام بفرماید: انا صنائع ربنا والناس بعد صنائع لنا (۲)

پس آنها در جنبه بشری مشترک ما هستند ولی سطح بشریت آنها بالاتر و بلندی است که با مرتبه جنبه ملکوتی شان سازگار باشد

---

(۱) شهید مطهر «پیشوایان اسلام» ص ۶۰ آمده «از نظر جنبه بشری هم سطح مردم دیگر نیستند و می نوشند و می خوابند و مریض می شوند و می میرند»

(۲) نهج البلاغه نامه ۲۸ منقول در شهید مطهر «پیشوایان اسلام» صفحه ۶۰

www.kitabmart.in

نکته بیست و یکم

کیفیاتی که برای پیغمبر و امام بحسب جبلت ملکوتی ثابت است مثل آنکه

(۱) آنها مهبط ملائکه اند (۲) آنها منزل وحی و

مورد الهام اند (۳) آنها حامل علوم لدنیه اند

و و و

و افعالی که از آنها بحسب این جبلت بصدور می آید

مانند :—

(۱) اظهار معجزات — (۲) اخبار از علوم غیبیه

هیچ کدام قابل تاسی و لائق تقلید برای

عامهٔ خلائق نیست پس آنچه امر باتباع آن

شده و سرمشق برای ما قرار داده شده

همان افعالی است که از آنها بحسب جبلت بشری

بظهور می رسد پس اگر آنها بحسب جبلت بشری

هم سطح مردم دیگر باشند چنانکه نصوص ثابت شده

شهید جاوید است چرا باید افعال آنها سرمشق

ما باشد ؟!

www.kitabmart.in

علم غیب

با اقرار باینکه ائمه اهل بیت ع علاوه بر علوم الهی که دارند وارث علوم انبیاء و ملائکه و علوم خاتم پیغمبران صلی الله علیه وآله وسلم می باشند" (۱) گاهی از آن باینکه (۲) "البته علم اختصاصی خداوند از این کلی خارج" و در جاهای دیگر از این علم اختصاصی جای مردن خود یا کسی دیگر را قرار داده بحث، و ما تدری نفس بای ارض تموت" (۳)

ولی در قرآن، ما تدری نفس بارض تموت، نیامده بلکه با چیزهای دیگر است

(۱) علم الساعة (۲) ینزل الغیث

(۳) یعلم ما فی الارحام (۴) وما تدری نفس ماذا تکسب غدا (سوره لقمان ع ۳)

(۵) ما تخرج من ثمرات من اکمامها

(۶) وما تحمل من انثی ولا تضع الا بعلمه (حم کذه ۷)

(۱) شهید ثانی - شرح لمعه ص ۲۴۸ هفت

(۲) حاشیه صفحه قبل

(۳) شهید ثانی شرح لمعه جلد ۲ ص ۲۴۸

"مصلحت چنین بوده است که مکان شهادت آنحضرت بطور دقیق مشخص نباشد و ملت

www.kitabmart.in

پس اگر ما همه اینها را از آن کل خارج کنیم دیگر
آن کان و ما یکون و ما هو کائن که امام عالم
آنست حدث و چطور امیر المؤمنین علیه السلام
پیش از آنکه صد سال قبل از زمان مخولیها
او خویشتن را بیاد کشتار های آنان داده و وضع قیافه
و لباسها و اسبهای این گروه آدم کش خریده بود
پس حق این است که این همه چیزها از علم اختصاصی
خداوند باشد یعنی است که بدون عطای او برای هیچ کس
حاصل نمی شود چنانکه فرموده: لا یحیطون بشیء
من علمه الا بما شاء (آل عمران ۲۵۵)
و ما نمی توانیم بر عطای او حجر کنیم و این بخشش او
منوط بنظر حکمت اوست. گاهی حکمت وی مقتضی
اقتضای حجب می دارد و گاهی مقتضی عطای شود
پس چنانکه حکم بایجاب کلی در این باب درست نیست،

۱: شهید جاوید پیش نهاد صفحه هفت
۲: صفحه هشت

www.kitabmart.in

سلب کل هم در هیچ شعبه از شعبه های علم غیب
صحیح نمی باشد

www.kitabmart.in

عمل بمجاری طبیعی و علم عادی

بلی، راست است که امام مکلف بر عمل طبق علم غیب نیست بلکه بر طبق موازین عادی و علم طبیعی عمل می کند و تکلیف همین است بنا بر این قیام حضرت سید الشهداء ع نیز باید بر اساس موازین عادی بررسی شود و هیچ ندارد که کتابی که در این موضوع نوشته شود عمل حضرت حسین علیه السلام را از نظر مجاری عادی و با صرف نظر از معتقدات دینی ما که در باب جنبه ملکوتی و علم غیب امام علیه السلام است بررسی کند تا عمل سبط پیغمبر صلعم بتواند سرمشق مردم دیگر واقع گردد.

ولی چنانکه سابقا گفته شد، بشریت نبی و امام هم هم سطح مردم عادی نیست بلکه بمناسبت علو مرتبه ملکوتی آنان از مستوای بشریت دیگران بلند تر است. پس همچنانکه نبی و امام با اینکه بشرند، از سهو و نسیان بری اند

---

۱ شهید جاوید پیش نهاد صفحه یازده

www.kitabmart.in

طور یکه بعد از گذشتن دوره قسمتی ماین شیعه
مجمع علیه شده است بلکه باید از ضروریات مذهب
شیعه شمرده شود، همین طور بلکه بررسی احوال وعواقب
در آنها نسبت بدیگران بمراتب بلندتر از دیگران
باید باشد که نمی توان قبول کرد که آنها در اشتباهاتی
مبتلا می شوند که عواقب وخیمه از روی اشتباهات
بر آنها مترتب شود وحتی عواقبی که مردم عادی بعلوم
عادیه شان برسی رسند وی گوشند که آنها را ملتفت
کنند ولی آنها بحرفهای ایشان گوش نمی دهند وآن
عواقب را بر نمی رسند.

آیا این یعنی بجلالت قدر وعلو قدر یک هادی ملت وزعیم
مطلق خلق در دین ودنیا شایان است، تعالوا نسلم
کما تقول الظالمون.

پس برای کسانی هم که «نهضت حسینیه علی علیه السلام
را از نظر سیاسی عادی وباصرف نظر از علم غیب امام
بررسی کرده باشند زیبنده است که از علو مرتبه

شهید جاوید پیش نهاد ص یازده

www.kitabmart.in

عواقب وخیمهٔ قیام حسینی حسب نظر

نویسندهٔ «شهید جاوید»

۱- "خسارت جبران ناپذیر" که در فاجعهٔ اسف انگیز کربلا علاوه بر زیانهای مالی یک عده از شریف ترین و برگزیده ترین رجال اسلامی و ذخائر سرا ارزش ملی که دارای عالی ترین صفات انسانی و نمونه های کامل مکتب قرآن بودند طعمهٔ آتش جنگ شدند و خانواده های آنان بی سرپرست و پریشان گشتند (۱)

۲ - "ذلت مردم" که باید گفت پس از کشته شدن امام حسین مردم مسلمان در برابر حکومت یزید ذلیل تر و زبون تر شدند زیرا با کشته شدن امام آرزوهای آنان بر باد رفته و امیدها به ناامیدی مبدل گشته و خود را شکست خورده و بی پناه میدیدند (۲)

۳ - "ضربت خوردن اسلام" (۳)

---

(۱) شهید جاوید ص ۳۳۹ (۲) ص ۳۴۰

(۳) ص ۳۴۲

۲۱

www.kitabmart.in

۳- "شکست علمی" بعضاً از بزرگان فرموده اند

"در سراسر فقه شیعه حدیثی از امام حسین نقل نشده و نیز فرموده اند فقط یک حدیث از آنحضرت نقل شده است"

"یک علت اساسی اینکه از زید الشهید ۱ حدیثی در فقه نقل نشده همان کشته شدن آنحضرت بود"

۵- محیط مسموم حکومت ضد اسلامی بنی امیه نیز شهادت می داد که یاران آنحضرت را یا تبعید می کرد یا بزندان می افکند و یا بقتل می رساند (العیاذ بالله)

بدیهی است این سیاست شوم جون بوسیله دستگاههای دولتی بنی امیه و بنی عباس اجرا می شد و حوزه های حکومت اسلامی را در بر می گرفت و در قلمرو های مختلف مردم کوفه و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می داد علیه السلام بدین ترتیب محیط مسموم و محیط فکری مردم را مسموم می کرد (۴)

محیط اسلامی را که حکومت مسموم می کرد با اندازه ای آلوده شده و افکار مردم را بطوری پر

---

(۱) شهید ص ۳۴۴ - (۲) ص ۳۴۵ (۳) ص ۳۴۶ (۴) ص ۳۴۵

www.kitabmart.in

ضد امام حسینؑ تحریک گشته بود که قشرهای وسیعی از
همین مسلمانانی که بجد آنحضرت ایمان داشتند امام را
(العیاذ باللہ) از دین بیگانه می پنداشتند و تازه
باید ثابت کرد که آنحضرت از دین بیگانه نبوده است (۱)

(۱) شہید جاوید ص ۳۵۳

www.kitabmart.in

ملتفت بودن مردم عادی بابن عوانف

حسب تصریحات «شهید جاوید» مردم عادی ملتفت بابن
عوانف بوده اند چنانکه نوشته:-
«عبیدالله بن مطیع، سیاستمدار معروف که در شورشهای
ضد بنی امیه نقش مؤثری داشت وقتی که بین مکه و مدینه
امام حسینؑ را ملاقات کرد، ضمن سخنانش با آنحضرت گفت
انی هلکت لئن سرقت بعدک اگر تو کشته شوی حکومت
موجود ما را پرده و اسیر خود خواهد کرد.
زید بن ارقم سیر مردمی آنگاه که با چشم و سخن او
مجلس عبیدالله زیاد وارد شد گفت «انتم
معشر العرب العبید بعد الیوم قتلتم ابن فاطمة
امرتم ابن مرجانة
«شما که پسر فاطمه را کشتید و سر مرجانه را بحکومت پذیرفتید
از امروز بردگان حکومت خواهید بود.
آنچه عبیدالله بن مطیع و زید بن ارقم گفتند وقوع پیدا کرد
و پس از خاتمه کربلا مردم برگان دستگاه حکومت
شدند
از جمله اسحاق حسینی پرسیدند* مردم چه شدند

www.kitabmart.in

گفت ؛ حین قتل الحسین آنگاه که امام حسین
را کشتند (۱)

عبد اللہ بن جعفر ضمن نامه ای به امام حسین می نویسد
ان هلاک طفی نور الارض
" اگر آن کشته شوی نور زمین خاموش می شود (۲)

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۱ (۲) ص ۳۴۴

www.kitabmart.in

حاصل سخن

معلوم است که عبداللہ بن یقطع و مزید بن ارقم و ابو
سبیعی و عبداللہ بن جعفر، شیخ کدامشان دارای علم غ
نبوده و هرچه اینها گفته می گفتند از روی مجاری طبیعی
علم عادی بوده، مانند آنچه اینها گفته بودند همه اش
در وقت آن بوقوع پیوست پس اگر فرض شود طور
نظر شهید جاوید است که امام باین عواقب (عیاذ
ملتفت نبوده، مرتبه اش در عقل عموی فروتر از
دیگران می شود.

هر کسی که صاحب وجدان باشد می تواند ادراک نماید که
ملتفت نشود بر اینکه هر دم عادی ملتفت آن باشد
از روی اشتباهات هم خودش را در ورطه خطر نیندازد و هم
مردم را بآن عواقب وخیمه مبتلا کند، ابداً لائق نیست که عمل
در سر شیخ مردم دیگر واقع شود پس آیا باید کسی احتمال
بدهد چه برسد باین که عقیده داشته باشد که امام حسین

www.kitabmart.in

که عقلش خلیفهٔ عقل پیغمبر است" (۱) و "افق دیدش
از مردم عادی خیلی وسیع تر است" (۲) چیزهایی را نداند
که اشخاص عادی نظیر بچه‌های طبیعی و علم عادی می دانستند
از روی اشتباه (والعیاذ بالله) حدی برداری که چنان عواقب
خیمه بران مرتب نشود. "آیا چنین مطلبی را می توان
نام گذاشت بزرگترین و عاقل ترین شخصیت جهان اسلام است
داد" (۳)

---

(۱) شهید جاوید ص ۴۸ (۲) ص ۳۱۶ (۳) ص ۴۶

www.kitabmart.in

عمل امام چه گونه بود؟

کسانی که درباره قیام مقدس امام حسین علیه السلام
و برنامه آنحضرت نظریات گوناگونی بوجود آورده اند
اول باید مشخص کنند که قدمی که امام برداشته ایجابی بود
یا سلبی؟ اگر آنقدم ایجابی باشد، البته بحثی در آن
می رود که مقصودش از این عمل چه بود؟ و تعبیر از آن
باسم نهضت و ثوره و مانند آن درست است و اگر واقعا
آنقدم سلبی باشد، پس بحثی که لازم است در این است
که آخر حضرت ترک کاری که ترکش منجر شد بانجام عواقب
بعدی چرا اختیار فرمود و لازمش بحث در این است
که آخر آن کار چه عیبها و مضرتها داشت که امام برای
آن کار حاضر شد و برای گشیدن تمام آنچه بر ترک آن
مترتب شود حاضر گردید و چون آخرین نتیجه که برآ
مترتب شدنی بود کشته شدن و اسیر شدن عیال و اطف
است پس همین است که تعبیر از آن باین عبارت می شود

www.kitabmart.in

ه حضرت برای کشته شدن و اسیر شدن عائله اش حاضر شد
چون ترک آن عمل که بران این همه عواقب مترتب می شود
سبی بر رضای الٰہی است که بان متعلق است از این جهت
ی و نمود که بشاء الله ان یراني قتیلا و بشاء الله
ن یراهن سبایا. یعنی تعلق مشیت بمایکون بلا واسطه
شیت بلکه بواسطه آن امریست که منجر می شود باین
سایج و همان انکاری که بران کشته شدن حضرت مترتب
شد، چون سبب بقاء اسلام بود، از این جهت
گویم که کشته شدن حضرت سبب حیات جاودان اسلام
شد چنانکه خواجه چشت گفت؛

شاه است حسین.

www.kitabmart.in

قیام ابتدائی یا قیام دفاعی؟

خود «شهید جاوید» گفته:-

«قیام مسلحانه بردو قسم است:- ۱- ابتدائی

۲- دفاعی.

قیام ابتدائی آنست که شخصی یا جمعیتی ناراضی
باشد یا بفکر تشکیل حکومت بیفتد و بدون اینکه
آن شخص یا جمعیت از طرف دستگاه حکومت مورد تجاوز
واقع شود بر ضد حکومت موجود دست قیام و انقلاب
مسلحانه بزند برای در هم کوبیدن حکومت تمام قدرت
خود را بکار ببرد.

و قیام دفاعی آنست که شخصی یا جمعیتی از طرف دستگاه
حکومت یا دستگاه دیگری مورد تجاوز واقع شود و برای
حفظ و نگهداری خود یا مرام و مسلک یا دین و مذهب
یا شرف و حیثیت خود جنبش کند که آن تهاجم را دفع
کند.»

---

۳۰ «شهید جاوید» ص ۱۱۰ و ۱۱۱

www.kitabmart.in

بهتر این است که اینطور قیام بنام مقاومت
خوانده شود تا بر اینصورت، قیام فقط ایستادگی
در برابر تجاوز است (۱)

پس از تأمل کامل در مدارک تاریخی چنین معلوم
می شود که قیام امام با تهاجم حکومت شروع شده (۲)

" حکومت یزید با تمام قدرت سرزمین خود از امام خواسته است که
قبل از هر چیز خلافت او و تمام عاملان او را بر سمیت بشناسد و تسلیم بی قید و
شرط وی گردد و صدالبته این مطلب مقبول نیفتاد و کشمکش آغاز گردید که
حسین بن علی و معاویه حفظ ظاهر رابطه و صلح نامه را نکرده و عملاً اعلام جنگ
و قیام خود را از همینجا شروع نمود.

پس قیام امام با تهاجم حکومت شروع شده است (۳)

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۱۳ (۲) ص ۱۱۶
(۳) ص ۶

www.kitabmart.in

اشتباه

حالانکہ واقع این طور است کہ قیام امام قیام ابتدائی نبوده پس کسانیکہ قیام امام را بلفظ نهضت و نوره و مانند آن تعبیر می کنند مثل علامہ سید بہت الدین شہرستانی کہ کتابش را «نهضة الحسین» نامیده، و لو خود شان دراشتباه نباشند ولی این تعبیر دیگران را در اشتباه می اندازد و ایہام قیام ابتدائی پیدا می کند کہ خلاف حقیقت است.

www.kitabmart.in

توجه

حالا که مسلم شد که قیام امام قیام ابتدائی نبود، قیام دفاعی بود، باید فهمید که تشکیل حکومت وظیفه امام نیست والا باید حضرت در ادای وظیفه خود قیام ابتدائی نماید.

چرا باید منتظر باشند که ابتداء و تهاجم از طرف مخالف شده باشد، آنوقت حضرت در مقابل آن هر چه بتوانند بکنند حق دفاع دارند.

www.kitabmart.in

اقدام از جانب کیست؟

چون معلوم شد که قیام امام قیام دفاعی بود لازم مشخص می شود که اقدام از جانب مخالف است. حالا اگر اقدام از جانب امام حسین می بود، آنوقت بعضی حضرت را از اقدام او می بایست منصرف نمایند. ولی چون اقدام از جانب یزید بود پس باید مقصود یزید بررسی شود که او این قدم برای چه برداشت؟ آن وقت می توان فهمید که امتناع حضرت امام حسین علیه الصلوٰة والسلام از تسلیم شدن به دست یزید چه اهمیتی دارد.

بدون این ملاحظه ها هر چه گفته شده و گفته می شود در این مسئله همه بی اساس است و لو گوینده ها یش اشخاصی باشند که در دوره ازادوار ما می مراجع تقلید بوده اند.

از این نظر پیرو این نظر فراموش شده هم هست که اقدام از جانب یزید بود. پس شهید صاحب حق به حکومت یزید با یکی از سه صورت سر نپرده خود از امام خواسته است که قبل از هر چیز خلافت فرزندان یزید را بر امت بشناسد و تسلیم بی قید و شرط وی گردد و در باره این مطلب تقریری پاف بدست نیامده که امام حسین بن علی علیه

www.kitabmart.in

اقدام از جانب کیست؟

چون معلوم شد که قیام امام قیام دفاعی بود لازم مشخص می شود که اقدام از جانب مخالف است. حالا اگر اقدام از جانب امام حسین می بود، آنوقت بعضی حضرت را از اقدام او می بایست منصرف نمایند. ولی چون اقدام از جانب یزید بود پس باید مقصود یزید بررسی شود که او این قدم برای چه برداشت؟ آن وقت می توان فهمید که امتناع حضرت امام حسین علیه الصلوٰة والسلام از تسلیم شدن بدست یزید چه اهمیتی دارد.

بدون این ملاحظه ها هر چه گفته شده و گفته می شود در این مسئله همه بی اساس است و لو گوینده هایش اشخاصی باشند که در دوره ازادواری ما می مراجع تقلید بودند.

از این نظر به این نظر فراموش شده هم مسلم است که اقدام از جانب یزید بود. بین شهادت طلبی و حق طلبی یا بگیر و ببند سرشیره خود از امام خواسته است که قبل از هر چیز خلافت فرزندی یزید را بر امت اسلامی بشناسد و تسلیم بی قید و شرط وی گردد. درباره این مطلب تقریری پاف بدخت گیر داده حسین بن علی

www.kitabmart.in

معلوم می شود که این نظر با مرتکزات ذهنیه جمهور علمای شیعه برمی خورد۔ ازاین رو در خلال تکیه ارسال با وجود یکه چند تن صدر بزرگان علمای شیعه بر چه آمدند که عده زیادی از آنها از پایه گزاران اسلوب علمی و اجتهادی در فقه و اصول و تفسیر و کلام شمار می روند و دارای روش تحقیقی و اجتهادی در علوم اسلامی می باشند؟ آن نظر مورد اعتناء نه شد و حقیقت این است که این نظر فراموش نشده بود بلکه جمهور علمای شیعه او را لائق قبول ندانستند منتهی اینکه بعضی او را به عنوان وطن قرار دادند و برخی از جانب سید علم الهدی اعتذار آورده و گفتند که او در مقام مناظره با سنیها بحسب مسلمات آنها حرف زده و عقیده اش این نبود و خلاصه آقا در بندی علیه الرحمه تحت عنوان:-

ما العذر فی خروجه من مکة باهله وعیاله

بچه سبب حضرت از مکه با زن و بچه بیرون آمد

می نویسد:-

و عما ذکره السید المرتضی

آنچه سید مرتضی در توجیه آن

www.kitabmart.in

في تحقيقة انما هو على ما
عليه ديد السيد في مباحثه
واجوبته عن العويصات
والمعضلات من الزام
العامة واقحام اهل الضلال
والخلاف على بناء الامر
على ذكر المقدمات
المشتملة والقواعد و
الوجوه المقبولة عندهم

ما زمی گوید :—

المشار اليه من ظاهر كلام
المحقق المحلي ان ذلك
من السيد المرتضى انما
هو من باب ما عليه عقاده
كلا ثم كلا . حاشا ثم حاشا
ان يكون اعتقاد المرتضى
على ذلك .

ذکر نموده ، تنها برحسب عادت سید
است در مباحثات وجوابهای خود در حل
مشکلات ومسائل پیچیده در الزام شقیها
وخاموش نمودن مخالفین حق
از بنا کردن بر مقدماتی که
پیش آنها مسلم وقواعد و
اصولیکه نزد آنها
محل قبول باشد

از ظاهر کلام علامهٔ محلی
چنان نظر می آید که این
از سید مرتضی از باب اعتقاد است
بر آن اعتقاد او است . حاشا
وکلا - حاشا ثم حاشا
از اینکه اعتقاد سید مرتضی
بر این باشد

www.kitabmart.in

متقدمین با متاخرین

باید دانست که در مقام نقل اخبار متقدمین بواسطه قرب عهد، البته قوی تر است از روایات متاخرین ولی در مقام استنباط و استنتاج غالبا رأی متاخرین اقرب بصواب می باشد نسبت بآراء متقدمین و از همین جهت باب اجتهاد پیش ما مفتوح مانده و اگر شما باشد کما را کسی نرساند از اقوال بزرگان دور سابق "چون بزمان ائمه معصومین نزدیک تر بوده اند" پس باید در بسیاری از عقائد قول صدوق و قمیین دیگر را که جمله از آنها متقدم تر از صدوق بودند راجع بتجویز سهو و نسیان بر نبی و امام قبول کنیم دیگر اینکه قائل شدن بر اموت آنها از سهو و نسیان ناشی از غلو است و در فقهیات اتفاق کسانیکه پیش از محقق حلی بودند بر افضلیت جاه عملا قائلیت نداشت را نقدم داریم بر اجماع متاخرین که قائل اند بجریان کلم آب جاری بر چاه ولو آنش قلیل باشد و و و

www.kitabmart.in

و این مقتضی سد باب اجتہاد است حتی در فقہیات،
چہ برسد بباب عقیدہ و تاریخ کہ تقلید در انہا زمینہ
ندارد۔

www.kitabmart.in

بسیار عجیب بلکه از اعجب عجائب

حالا نظر مرحوم شیخ طوسی و سید مرتضی علم الهدی که بعد از ایشان تا هزار سال جلوی چندین صد از علماء و مجتهدین و [redacted] پایه گزاران اجتهاد در دین بوده و مورد تبع انها نگردیده — تا زگی یکی از نویسندگان می خواهد که حضرت امام حسین صلوات الله علیه را ملزم گرداند که او [redacted] سیصد سال پیشتر باید اتباع نظر شیخ و سید نماید چنانکه بگوید —

" رئیس فقهای شیعه مرحوم شیخ طوسی قدس سره (چنان) می نماید — واستاد شیخ طوسی عالم بزرگوار مرحوم سید مرتضی علم الهدی قدس سره (چنان) می فرماید —

" در صورتیکه شیخ طوسی رحمة الله علیه در این مطلب تردید دارد — و سید مرتضی رحمة الله صریحاً می گوید حرام است چگونه می توان بی پروا این نسبت را با امام داد "

معنی فقره اخیری این است که چگونه (امام) علیه السلام می پروا مخالفت این دو عالم بزرگوار می نماید —

شهید جاوید ص ۲۲۵

www.kitabmart.in

آیا این تصور یا تصویر از قلم یک نویسنده شیعی
مایهٔ تعجب یا اسف آور نیست؟

بر این نیز هم بس نه

حکم بر امام بنا بر فتوای آقایان

بر بنای اصول مذهب بالنصف می دانیم که بایست عمل امام مبنای فتاوای فقهاء
باشد ولی بیرد نظر و اعتراض نشده می خواهد حکم بر امام کنند بنا بر فتوای آقایان
و آن هم بچه الفاظ جسورانه که :—

"اگر امام حسین دانسته برای کشته شدن رفته باشد بنا بر قول شیخ طوسی
کار شبیه ناک انجام داده و بنا بر قول سید مرتضی کار حرامی کرده است. در صورت
نه تنها از مقام عصمت تنزل می کند بلکه از عدالت هم ساقط می شود
یعنی از حد یک امام جماعت هم پائین تر می آید".

آه! بیچاره حضرت سید الشهداء علیه السلام! حادثه نه تنها امامتش
بلکه درجهٔ عدالتش هم که بحد امام جماعت ملا شده موقوف شده بعمل بر فتوای
شیخ طوسی یا سید مرتضی. و این تصور است که تکاد السموات یتفطرن
منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ۵

---

۵۱ شبیه جاوید ص ۴۵۵

www.kitabmart.in

با نظیر شیها چه فرق دارد؟

چون می بینیم که یک گروه با انصاف از اهل سنت قیام آنحضرت را یک قیام اصلاحی غیر قابل اختلاف در برابر حکومت اسلامی دانسته و گروه دیگر از اهل سنت به حرکت امام ما چشم انتقاد و مذمت دوخته و گفته اند: حسین بن علی یک شورش ابتدائی بود که لازم بود حکومت وقت برای حفظ نظم و آرامش آنرا سرکوب کند (۱)

بعد از این دو نظر که مابین اهل سنت وجود داشته و دارد، آن نظر فراموش شده" که شاذ لی علم بر آن افراشته شده" چه خصوصیتی دارد تا علاوه بر آن دو نظر مستقلا بشمار آید؟!

---

(۱) شهید جاوید صفحه نهاد ص سیزده (۲) همین صفحه قبل از بیان آن دو نظر "نظر دیگری در حدود ده قرن پیش از طرف بزرگان عملی شده در بابت قیام امام اظهار شده که در این اواخر تقریبا فراموش شده و

www.kitabmart.in

آغاز بحث بُرنظر فراموش شده

ما موافقت بر این طریق که "بررسی و تحقیق بر اساس منطق و استدلال - دنبال گشته باشد" زیرا اگر بحث جنبهٔ تحقیق تاریخی داشته باشد و از نظر تاریخ تجزیه و تحلیل شود فائدهٔ آن عمومی تر خواهد بود و هم غیر شیعه نیز بطالعهٔ آن رغبت خواهند کرد[1] و اما

چون این نظر فراموش شده در کتب کلامیهٔ شیعه ابداء شده و آن هم در مبحث امامت پس برای سنجیدن آن در باب موقف حسینی ناچاریم که یک ملاحظهٔ کلامی در رشتهٔ حکومت با امامت و مطالعهٔ تاریخی در محیط سیاسی اسلام بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بنمائیم تا موقف حضرت امام حسین علیه السلام بر اساس موقف اسلاف شان بررسی شود

---

[1] اساس مشیعه جاوید ص ۲

www.kitabmart.in

امامت با حکومت

علمائے کلام می گویند :-

الامامۃ ریاسۃ عامۃ فی امور الدین والدنیا
نیابۃ عن النبی ﷺ

"امامت بمعنای ریاست عمومی در امور دین و دنیای نیابت از پیغمبر ﷺ"
(بحوالہ حاشیہ شرح عقائد ص ۲۱۸)

پس چون این "ریاست" نیابۃً عن النبی ﷺ است
باید رشتۂ حکومت با نبی ﷺ برسد و آنوقت حکومت
حکومت با امام راسم برسیم

قرآن در بسیار جاها امر باطاعت حضرت پیغمبر صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم فرموده :-

اطیعوا اللہ ورسولہ (الانفال ۲۰ و ۴۶)
اطیعوا اللہ واطیعوا الرسول (مائدہ ۹۲)
ومن یطع اللہ ورسولہ ویخش اللہ ویتقہ فاولئک
ھم الفائزون (نور ۵۲)

نمبر: شہید جاوید ص ۵۹

www.kitabmart.in

واطیعوا الرسول لعلکم ترحمون (نور ۵۶)

النبی اولی بالمؤمنین من انفسھم (احزاب ۶)

وما کان لمؤمن ولا مؤمنۃ اذا قضی اللہ ورسولہ

امرا ان یکون لھم الخیرۃ من امرھم ومن یعص

اللہ ورسولہ فقد ضل ضلالا مبینا (احزاب ۳۶)

ثمین وجوب اطاعت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

بعد از ان پیغمبر بود کہ از آن حکومت پیغمبر

می توان کرد۔

۱۔ حکومت حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

را من جانب اللہ بصورت نعمت حاصل شدہ بود

کہ کار خدا است۔

اللہ اعلم حیث یجعل رسالتہ (الانعام ۱۲۴)

نہ انکہ حضرت مامور شدہ باشد تشکیل حکومتی برای

خود۔ عبارت دیگر حکومت منصب الٰہی بود کہ اللہ

سپرد بہ رسول نہ سپردہ شد بہ انکہ حکم شرعی

بود کہ حضرت مکلف باشد تاسیس حکومت یا

www.kitabmart.in

تشکیل آن برای خود یا دیگران.

پس حاکم مفترض الطاعه بودن صفتی است از جانب
خدا که برای پیغمبر ثابت است و اطاعت نمودن از او
فریضه است که از جانب خدا بذمهٔ خلق عائد گردیده
و حقیقتاً این همان اطاعت خدا است.
چیز دیگری نیست چنانکه می فرماید:

ومن یطع الرسول فقد اطاع الله (نساء ۸۰)

ورای این نصوص حکومتی جز دینی نیست

وکان وجوب اطاعت حضرت پیغمبر ﷺ احتیاج
نداشت بلکه هر پیغمبری در دوره خود دارای حق مفترض
الطاعه بود چنانکه قرآن می گوید:

وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله
(نساء ۶۴)

الا لیطاع باذن الله
(نساء ۶۴)

اما هیچ کس از انبیا پادشاهی
مودودی چند مثل داود و سلیمان تشکیل حکومت نکرد.
وچون امام ریاستی که دارد به نیابت پیغمبر ﷺ است
پس رئیس دولت هم مفترض الطاعه است

www.kitabmart.in

قضای و اولی الامر منکم (نساء ۵۹) از جانب
خدا است و اطاعت او فریضه است که از جانب
خدا برای امام همانند حق عائدی شود و دیگر تأسیس
حکومتی و برای آن تکلیف شرعی و فریضه لازم نیست و
نه سعی در تحصیل آن بر امام واجب است.

و از این جهت در زیارت در باره ائمه اطهار علیهم السلام
وارد شده "و سلمتم العباد" یعنی شما زمامداران و
سرپرست بندگان هستید" (۱)

نه اینکه "و حکومتم العباد" و یا "شما زمامدار و
سرپرست بندگان شوید"

و عبارت دیگر "انتم سائسة العباد" جمله خبریه است که
دلالت بر ثبوت می کند نه وجوب و که دلالت بر طلب بکند

(۱) مشیخه حاوی ص ۵۹

www.kitabmart.in

خود امام چون می بیند که فهم شخص مخاطب بدلیل آن
کار نمی رسد، می فرماید: "شاء الله کذا
و چه کنم! مشیت الهی چنین است"
امثال این وظیفه مخصوصه "دون" هم این نیست که
علتی و مصلحتی ندارد و همانی فرمایش شان
که شاء الله، این نیست که مصلحتی در آن نیست
چون بیش ما عدلیه احکام و افعال الهی هم معلل
باغراض است پس هیچ حکم و کار او "لازاید"
مشیت او "گزاف" یعنی بی مصلحت نمی باشد
حقیقت این است که بحکم "البلاهة ادنی
الی الخلاص من فطنة بتراء" از دریچه چشم
یک فرشته ساده "زید" و "یک جمله کوتاه
بحث و گفتگو خاتمه دادن و گفتن که "حسین"
امام بود و وظیفه مخصوص داشت که باید عمل کرد
جای هیچ گونه بحث و گفتگو و چون و چرا نیست
نزد یک تربیت یافته است از نظر چنین
بزرگ که عمل امام را شبیه اشتباهات دیگران
موضوع و بررسی نکردن عواقب هزار دسیسه

www.kitabmart.in

افعال الٰہی و اعمال خلفائے الٰہی

کسی کو حق نہیں کہ باوجود خدائی و آگاہ باشد، آیا می تواند تصور کند محیطی را کہ دران اسباب پیروزی برای خدا فراہم نہ باشد؟

حالانکہ این معنی لائق تصور نیست چرا خدا داد ناقدرت بر تبدیل اوضاع مملکت خود را نشان نمود و فرعون را کہ آنہا یک مدت درازی خلق خدا را بندہ خود نگہداشتند و چرا با توانائی خود آنہا را استیصال نہ کرد؟

همین طور خلفا نے او کہ محال مشیۃ اللہ پیشند، ہیچ وقت از سازگاریہای سیاسی محیط استفادہ نمی کنند بلکہ نظر شان بمقتضیات حکم ربانی می باشد تا خدای آنہا بخواہد خاموش می باشند و سکون و سکوت می ورزند درحالیکہ فی الحقیقت قلبی و فی الواقع شکی بلکہ با تشبثین بہانہ ہم می کنند چنانکہ حضرت علی ابن ابی

---

۱۲۲ نہج البلاغہ ط مصر ص ۳۵

www.kitabmart.in

استنباط

چون امامت امام منوط بانتخاب ملت نیست بلکه بانتخاب خداوندی است پس بنا بر این صلاح نداشت که تغییر از این وضع در شورای از این جهت حضرت حسین رضی الله عنه را که وسیله تسلیم برای مردم کوفه ارسال داشت. مرقوم فرمود:

فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب والقائم بالقسط والدائن بدین الحق والحابس نفسه علی ذات الله" نیز" با اینکه عبارت دارد در ترجمه عبارات عربی اضافاتی و تغییراتی برحسب اغراض خودش نماید.

---

* مضمون آن در صدر همین نامه است که امام مرقوم فرموده: فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب والآخذ بالقسط والداین بدین الحق والحابس نفسه علی ذات الله. ترجمه اش می نویسد: اگر مسلمان با عقل می شود که بزرگان و خردمندان شما متفق گشته اند که مرا از حکومت ظالمانه بنی امیه، حکومت عادلانه اسلامی برابر عامت من تشکیل بدهند" (شهید جاوید ص ۹۵)

www.kitabmart.in

اینجا ناچار عرض کرده
دو زمامدار در رئیس حکومت اسلامی فقط کسی
است که بقرآن کریم عمل کند و بین الناس
عدالت را برقرار نماید و باین جهت الهی شود
علاقه مند باشد "
فرمود که " برای زمامداری و ریاست حکومت
اسلامی باید کسی سعی نماید که بقرآن کریم عمل کند
بلکه فرمود " کسی هست "
داعی برای حضرت نبوشتن این فقره این شد
که آنها نوشته بودند : لیس علینا امام " برسر ما کسی
نیست " — حضرت در جواب ، خطاب آنها
را در این تعبیر ظاهر فرموده یعنی چرا می گوئید که ما امام
نداریم ، اگر می دانید که من عامل بکتاب و قائم
بعدل و دانا بدین حق هستم پس من امام شما هستم
این بیان حقیقی است که ما قبلا آن را با
حدی کافی توضیح رسانیده ایم که حکومت امام معصوم
محتاج تشکیل نیست ، این حکومت برای او
ثابت است ، کار دیگران تنها شناختن و
واطاعت احکام او هست .

www.kitabmart.in

نتیجه

بحث و بررسی در موضوع حکومت

مقتضای این منصب الٰہی که نبوت و رسالت یا امامت است افتراض اطاعت مطلقه است، پس هر حکومتی که قائم شود باید رئیس آن حکومت یا خود امام باشد یا کسی که امام با و تفویض این حق کرده باشد۔ همان حکومت عادله شرعیه دینیه می باشد و هر حکومتی که بضد آن قائم شود باطل است و زمامداران غاصبِ حقِ امام است و وظیفه برداشتن از آن و تفویض امر با امام فریضه همچنان مردم است ولی بر امام واجب نیست که برای تحصیل حق خود شمشیر بکشد یا بصورت دیگری سعی نماید۔ این معنی مسقوط بنظر امام است و هیچ مفتی حق ندارد که بر امام فتوائے خویش را تحمیل کند و بگوید که بر امام سعی در تحصیل حق خود واجب است، اجر

www.kitabmart.in

ملاحظه

(از روی دین است)

چون حکومتی که بنظر ما امر ثانوی است از جانب خداوند ولیکن تا تاسیس حکومت یا تشکیل نظامی برای زمامداری مردم اصلی در شرع ندارد و تکلیفی بآن متعلق نیست، از این جهت در کتب فقهیهٔ شیعه از طهارت تا دیات کتابی باسم کتاب الحکومة یا کتاب الرئاسة یا کتاب الامارة نیست که در آن بحث شود که در چه حالات تاسیس حکومت واجب می شود و در کدام حکومتی تشکیل شود وظیفه اش چیست و چه طور باید زمامداری مردم را عمل آورد؟

بلی احکامی در فقه در باب قبول عمل از حکام جور یا عطایای آنها وارد شده است، غیر از این در این باب چیزی نیست.

سرّش همین است که حکومتی که صحیح است داخل اصول دین است و غیر از آن اساسی برای حکومت از روی دین نیست.

www.kitabmart.in

گفتهٔ ناسنجیده

کسی که می گوید :—
"رسول خدا (ص) سیزده سال در مکه مردم را
دعوت به اسلام فرمود، ولی چون سنوح حکو
آنحضرت تشکیل نشده بود موفق بتشکیل
نصیب اسلام نشد، اما پس از آنکه به مدینه هجرت
فرمود و حکومت اسلامی تشکیل یافت در ظرف عشره ای
کمتر از ده سال تقریبا سراسر جزیرة العرب را
زیر نفوذ خود آورد"

نمی دانیم مراد ش چیست؟ آیا منظور این است که بعد از هجرت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مفترض الطاعة نبود؟
بعد از هجرت نشد؟
یا آیه ای در قرآن هست که بعد از هجرت نازل شده
پس آیا آیه در قرآن هست که بعد از هجرت نازل شده
باشد و اعلان تشکیل حکومت بآن شده؟
یا آنکه در تاریخ روشن بسراغ می رسد که حضرت مجتبی

---

۱۴ ع از شهید جاوید ص ۶۰

www.kitabmart.in

فراہم آوردہ دران اعلان حکومت خود فرمودہ باشد

اگر پیش از ہجرت حکومت آنحضرت تشکیل نشدہ بود

پس رفت چشمگیری نصیب اسلام نشد" چہ طور

اسلام از حکمہ بمدینہ رسید و چہ طور این جمعیت فراہم

شد کہ بمجرد آنہا سراسر جزیرۃ العرب زیر نفوذ

آنحضرت آمد؟!

www.kitabmart.in

یک نکته

همه می دانند که امر بالمعروف و نهی عن المنکر از واجبات کفائی است. از این جهت مکلف بایین دو تکلیف عامّهٔ مکلفین نیستند و در قرآن آمده:

ولتکن منکم امّة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

و نیز: یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله

و در جای دیگر: کونوا قوامین بالعدل شهداء بالقسط

پس اقامهٔ عدل هم تکلیف عامّهٔ افراد است

اگر متنی اینها تشکیل حکومت باشد لازم نیست

www.kitabmart.in

صحت اعتقاد اهل سنت بر اینکه تشکیل حکومت وظیفه خلق است، نه وظیفه حق سبحانه و تعالی بهمین دلیل که "اجرای قوانین اسلام واجب است و تشکیل حکومت مقدمه آنست و مقدمه واجب واجب است" ۱/۲

اما بهمین دلیلست که صاحب آن نظر فراموش شده در مقام رد آن کلام محرومی را وارد کرده که صاحب مقام در بحث مقدمه واجب متعرض آن شده دم از این دو راین دو هم افتادند که سید قائل بتفصیل است بین سبب و غیر سبب که مقدمه اگر سبب باشد بوجوب ذی المقدمه واجب می شود و اگر غیر سبب باشد بوجوب ذی المقدمه واجب نمی شود پس هرگاه صاحب نظر مذکور این دلیل را ابطال می کند، چرا برو آن بزرگوار به ثبوت عامه ~~حتی دلیل تمسک نماید~~ باین دلیل برای اثبات وجوب تشکیل حکومت تمسک نماید!

۱- شهید جاوید ص ۶۰

www.kitabmart.in

گرفتن حق واجب نیست

دروغ است گفته کسی که می گوید :-
"کسی که به روح فقه اسلامی آشنا باشد می داند
که گرفتن حق (مگر در موارد خاص) واجب است"[1]
زیرا حقیقت برخلاف این است یعنی
کسی که به روح فقه اسلامی آشنا باشد می داند
که گرفتن حق (مگر در موارد خاص) واجب نیست
و آلا زوجه باید مهر را کاملاً بگیرد، زوجه حق دارد
شبی از شبهایش را بخشد صاحب دین می تواند دین را
اسقاط کند و و و
فرق مابین فرض و حق همین است که فرض بدست ما
نیست و ما نمی توانیم او را از گردن خود برافگنیم ولی
حق بدست خود ماست، هرگاه بخواهیم می گیریم
و هرگاه نخواهیم نمی گیریم، اختیار بدست ماست
پس جنگیدن برای تحصیل حق منوط بنظر امام است که

---

[1] شهید جاوید ص ۱۶

www.kitabmart.in

مشروط بظروف و احوال است. اگر امام نظر بمفاد
اجتماعی و مصالح عامه صلاح در جنگیدن بداند می جنگد
و آن وقت نصرت امام بر هر یکی از اهل ایمان واجب
است و احکام جهاد بر آن مترتب که اگر کشته شود
در نصرت امام بمرتبهٔ شهادت می رسد و اگر امام جنگیدن
را بر اساس حق خود نظر بمصالح عامهٔ اسلام و مسلمین
درست نمی داند صبر می ورزد و سکوت می کند و
تعرضی بحکومت نمی کند. ولی از سکوت و
اغماض و اغراض امام آن حکومت حکومت شرعیه بحساب
نمی رود بلکه ظالم و جائر و غاصب شمرده می شود.

www.kitabmart.in

پیشوایان دین با محیط های سیاسی

نبی یا امام تنها بر محیط سیاسی نگاه نمی کند بلکه پیروزی
ایشان در حصول اقتدار در این او ضاع چقدر راه

بازاء این فصل ناظر است شهید جاوید در آغاز
بخش اول که عنوان قرار داده «امام حسین ع و محیط سیاسی
اسلام» و زیر این عنوان نوشته: «حکومت عدالت کش و بی
اب ای سفیان با رگ و ریشه بیابان رسیده و در این محاصره هنوز
جای پای خود را محکم نکرده و بهترین فرصت پیش آمده است
که مردم آزادی خواه شیرازه های خود را متشکل کنند و خلافت
اسلامی را بمرکز اصلی خود برگردانند و در برابر قدرت خلافت اجتماع
نامسالم و نجبری را که زیر ضربات شلاق حکومت ضد اسلام معاویه
چون بیمار محتضری بوده است از چنگال ابدی ستمگران ظالم برهانند.
بدیهی است برای گرداندن خلافت بمرکز اصلی خود قبل از هر چیز
وجود رهبر لایقی لازم است که در پرتو لیاقت و محبوبیت خویش
برای این کار اقدام کند و لایق ترین شخصیتی که مورد احترام دوست و
دشمن است و حقا او باید در این موقع حساس بادر دست گرفتن
قدرت خلافت جهان اسلام را از این وضع پریشان نجات دهد
حسین بن علی است.

محیط سیاسی اسلام نشان قیام و اقدام آن و روح بزرگ
اصلاح طلب امام پیش از وقت منتظر فرصت بود که پس از

www.kitabmart.in

روشن دارد، این کار سیاستمداران دنیاست.
نبی و امام نظرش بر مصالح آفاقی و اجتماعی و عواقب
دور رسی می باشد که غالبا نگاه محدود دیگران بآن نمی رسد
پس طور کلیه احکام الهی بر بنای حکمت مطلقه ربانی لازما
مصالح و علل دارد ولی پیوسته ما نمی توانیم بآن حکمت و
علت برسیم، می گوئیم این حکم تعبدی است، یعنی شارع
این نمیخواهد که این حکم علتی و حکمتی ندارد بلکه منشاء اظهار
قصور ما است از بررسی علتش، همین طور اعتراف
قصور ما است از منتهای نظر آن رهبران دین که تغییر
از آن می کنیم باین که "امام بود و وظیفه مخصوصی داشت که
باید عمل کند"

(بقیه حاشیه سابق) مرگ معاویه اگر شرائط مساعد باشد اصلاحات
وسیعی را در زمینه تشکیل حکومت و سایر شئون حیاتی مسلمانان
شروع کند و از کشور اسیر ضربت خورده اسلام کشوری آزاد
و آباد و شاداب بسازد و چنانکه آرزوی مردم عدالتخواه است جهان
اسلام را بسوی تکامل مادی و معنوی رهبری نماید" (شهید حاوید ص ۵)

✱ در شهید جاوید ص ۱۱۱ آمده: اگر از زاویه چشم
دیگر و شیوه ساده باین حادثه نگاه کنیم ممکن است با یک جمله کوتاه بگوئیم که
گفتگو خاتمه دهیم و مثلا بگوئیم: "حسین بن علی امام بوده و وظیفه مخصوصی داشته

www.kitabmart.in

خود امام چون می بیند که فهم شخص مخاطب بدین آن
کار نمی رسد، می فرماید: "شاء الله کذا
و چه کنم! مشیت الٰہی همین است"
امثال وظیفه مخصوصه، بدون هم این مشیت
علتی و مصلحتی ندارد و خدای فرماید شاء
که شاء الله، این مشیت که مصلحتی در آن
چون بیش ما عدلیه احکام و افعال الٰہی هم معلل
باغراض است پس هیچ حکم و کار او دلالت
مشیت او "گزه" یعنی بی مصلحت نمی باشد
حقیقت این است که بحکم "البلاغة ادنی
الی الخلاص من فطنة بتراء" از دریچه چشم
یک فرشته ساده دیدن و یک جمله کوتاه
بحث و گفتگو خاتمه دادن و گفتن که "حسین
امام بود و وظیفه مخصوص داشت که باید عمل کرد
جای هیچ گونه بحث و گفتگو و چون و چرا نیست"
نزد یک تربیت یافته است از نظر چنین
بزرگ که عمل امام را نتیجه اشتباهات دشمنه
موضوع و بررسی نکردن عواقب هزار و سیله

www.kitabmart.in

افعالِ الٰہی و اعمالِ خلقائے الٰہی

کسی کو قائل بہ وجود خدای توانا باشد، آیا می تواند تصور کند محیطی را کہ دران اسباب پیروزی برای خدا فراہم نہ باشد؟

حالانکہ این معنی لائق تصور نیست، چرا خدا با قدرت بر تبدیل اوضاع مملکت اشارہ نمود فرعون را کہ آنہا یک مدت درازی خلق خدا را بندہ خود نگہدارند و چرا با توانائی خود آنہا را استیصال نہ کرد؟

همین طور خلفا نے او کہ محال مشیۃ اللہ پیشند، ہیچ وقت از سازگاریہای سیاسی بخط استفادہ نمی کنند بلکہ نظر شان بمقتضیات حکم و قانونی می باشد تا خدای آنہا بخواہد خاموش می باشند و سکوت و سکون می ورزند در حالیکہ فی الحقیقت قدری و فی الخلق شکی بلد باشند.

بہانہ ہم می کنند چنانکہ حضرت علی این ابی

۷۳

---

۱۲۱ نہج البلاغہ ط مصر ص ۳۵

www.kitabmart.in

می فرماید: اصفقت اذ اصفوا و
طرت اذ طاروا ※

و هنگامی که خدای آنها می خواهد می فرستد
کافهم بیان مرصص، و لایک نفر
هم بهمراهی ایشان نباشد.

※ نهج البلاغه طاهره

www.kitabmart.in

حضرت امیرؑ با محیط پیرامونی

حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با سر آمدی
از دنیا برفیق اعلی شتافته، معلوم است که پس از او هیچ
کس نیست که در مرکز حکومت جای پای خود را
محکم کرده باشد. حالا بهترین فرصت است که برای
باقی گذاردن خلافت اسلامی بمرکز اصلی، نیروی خود را
آنچنان متشکل کند که در پرتو قدرت خلافت، اجتماعی
را که تا حال سالم است و هیچ نیروی ندارد از خطر
شکاف حکومت رضه اسلام باشد جلوگیری کند و نگذارد
که در "جنگال این ظلم بود و چون بدینسان
برای برقرار داشتن خلافت بمرکز اصلی قبل از هر چیز
وجود رهبر لایقی لازم است که در پرتو لیاقت و محبوبیت
خویش براه این کار اقدام کند و لایق تر از شخصیتی
که مورد احترام دوست و دشمن است، و حقا او باید
در این موقع حساس با در دست گرفتن زمام خلافت
جهان اسلام را از خطری که در وضع پریشانی مسلمین

www.kitabmart.in

حضرت امام المتقین علی بن ابی طالب است، محیط
سیاسی اسلام تشنه قیام و اقدام اوست و روح
بزرگ و اصلاح طلب امام هم باید این فرصت را
از دست ندهد. آیا این بود نحوه سیاست
اسلام و این بود موقع حضرت امیر؟ و این شاید باشد
آزادی مردم؟
می شنیم که حضرت امیر این موقع سیاسی را
ولی می بینیم که حضرت امیر این موقع سیاسی را
از دست می دهد و غیر از اتمام حجت باظهار حق
خود بزبان، دیگر ادنی جنبشی هم برای مقاومت
با غاصبین و غصب کنندگان حق خود نمی کند
با حتی در مجلسی که انصار برای منتخب نمودن خلیفه
ترتیب داده بودند، حاضر هم نشد
نگاه مردمان عادی الذهن قریش بجهت اینکه با
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم در نسبت قریش
شارکت داشته با نیروی سخن رانی انصار را مجاب
کنند، حضرت امیر با آن قدرت بیان و طلاقت و
فصاحت فوق العاده که از خطبات نهج البلاغه هر

www.kitabmart.in

محبت قریب ترین خلق بودن پرسش و سوابق
شنیدن خبر و نصرت یافتن مشرف خود و لایت خلافت
بوزه
و [illegible] در عذر خواستن که مدت بر آن گذشته
بود سخن راندی فرمود ایا ممکن بود که دیگران
بیش برند و بقوا طع براهین حضرت سرمای
خود شان را نیفگنند
خوب ایل وقت اگر کسی خیال کند از ان
رجحان حضرت علی بن ابیطالب را خرد
نگرده بودند با شغولیتی که هدف حضرت محمد داشت
میتوانست آنجا شریف برد بعد ازان
همین بود که بزرگترین شخص زمین است در زمان خود
وقتی که بزرگترین شخص زمین است در زمان خود
زعامت داشت پس ابوبکر چگونه حضرت
سمت
علی ع می آید و می گوید که لا ملا تنا خیلا و جلا
ر شما برای طلب دل خود با بستید مندر کیاری شما
مدینه را از سوار و پیاده پر می کنم
احکام پیروزی را حضرت علی از دمی دیده با جاب

www.kitabmart.in

او را از خود رد می نماید

اگر کسی بگوید که چون پدر او سفیان اعتماد نداشت
از این جهت او نیز بر فرض مداد، می گوئیم که خلیفه
امام حسین علیه السلام بر مراسیل اهل کوفه کی اعتماد
داشته و اگر اعتماد داشت چرا مسلم بن عقیل را
برای مطالعه احوال شان فرستاد، همین طور اگر خلیفه
علی بن ابی طالب بر وعده ابو سفیان اعتماد نداشت باز هم
می توانست بیک نحوی اختیارش نماید و به بیند که
او در قول خود چقدر راست است نه اینکه بیکباره
تحت تاثیر قرار گیرد و اگر حالا هم با این محیط
سیاسی استفاده نمی برد بعد از این وقتی در اطراف
مملکت بواسطه منع زکوة اضطراب زیادی بود
او ما تصدیق کرده که نسبت بعضی از اخبار تاریخ
چنین ظن برده می شود که اینها مخالف اسلام نبودند از این
جهت اقامه نماز می کردند ولی این نظام حکومت را
قبول نه داشتند از این جهت منع زکوة کرده بودند

www.kitabmart.in

اگر حضرت علی بن ابی طالب با آنها اتصال پیدا می کرد
و با [redacted] ارتش آنها در قلب حکومت شیعه
می گشید و طبعا اکثر بنی هاشم با حضرت مساعد آنها
می شدند و شاید ابوسفیان هم با ارتش خود کمک
می کرد و بعید نیست که انصار هم که از زخم خورده حکومت
وقت بودند برای یاری می ایستادند، با توافق این
همه نیرو با البته امکانات پیروزی بر امری حضرت
بسیار درخشان بود

از این هم بگذریم، وقتیکه خلیفه اول از دنیا رفت
مسلوم است که دوم هنوز جای پای خود را محکم نکرده
از این جهت عوامل پیروزی برای حضرت امیر فراهم
بود و در آن شرایطی نوانست در پناه قدرت ارتش
قریش اسلام و مسلمانان ضربت خورده و اسیر شده را
نجات دهد و اینک عوامل پیروزی امیرالمومنین ع
۱- ضعف حکومت. اولین عامل پیروزی امیرالمومنین
ضعف حکومت بود زیرا حکومت دوم به چند دلیل از حکومت
اول ضعیف تر بود.

۷۹

www.kitabmart.in

۱- هر حکمی که صادر شد جانشین حکومت ساقط شده
گردد در آغاز کار تزلزل دارد و مردم بدیده تردید
بآن می نگرند و منتظرند ببینند زمامدار جدید می تواند
بر اوضاع مسلط گردد یا نه

۲- سوء سابقه گاندی ای حاضر از جهت خشونت طبع
خود را بلفظ فظ غلیظ القلب مانیز مردم موصوف و مشهور
بوده طریقه خود حضرت امیر وصف نموده -
حوزه خشونت لفظ کلما فصاحبها کرا
الصبة ان اشتوطها ولان السلوطا
پس اجتماع ناسالم رخو رد ست او و ستوجبا نکه
برده: منی الناس لعمر الله خبطا و شماس و بلوت
اعتراض (۳۳) پس در این حال اگر حضرت علی بن
ابی طالب بآن شجاعت تاریخی خود قیام نماید این
به استخاص آزادی طلب باحضرت برعلیه حکومت
می استادند
س- چگونه تاریخ نموده می داند؟ خالدین ولید

(۳۲) خطبه شقشقیه - نهج البلاغه طبع شهید صاحب دیدص ۹ و ۲
(۳۳) ایضاً خطبه مذکوره

www.kitabmart.in

یکی از برجسته ترین شخصیات عرب در تاریخ بحیث
قاضی جلیل و مستقل اسلام خود با خلیفه دوم منازعه
داشته نیز بسیار مرتب بود که این شخص
بسبب علاقه مفرط ابتدا خلافت شیروانی خود را بموافقت
حضرت علی بن ابی طالب عرض نماید
ع - آن قوه امنی که زعیم ابوسفیان اول
پیشنهاد کرد که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام گردد بود
و بحیث نظر عبد الله العلائلی همین قوه باستعمال شیروانی
و الی واعجام خلیفه دوم را ازین برده بموافقت حضرت
تصمیم می کرد که اجماع نا سالم رنجور بود که زیر ضربات
شدید رخط و شماس و تلاش و اعتراض ابن بزرگوار
از جنگال اهریمن ظلم برهاند
باز پیش برویم بعد از کشته شدن خلیفه
دوم سوم است که هیچ کس نیست که جای پای
خود را محکم کرده باشد و حضرت علی بن ابی طالب را
جزء آن مجلس شوری قرار داده اند که از خود شان
یک شخصی را باید بحیث خلیفه موسوم نمایند، حالا

www.kitabmart.in

اگر حضرت علی بن ابی طالب ؑ بجز اینها دلیل دیگری برای
برگزیدن خلافت برای خود فراهم نمی ساخت
آسان است ... در شوری غیر از او کسی نفرستند
که نبودند ... ارشد یا سزاوار بیعت خلیفه نگردد
آیا حق حضرت علی ؑ در خلافت با چنین احتجاج او را
که بود تنها یک خطبه مشتمل بر وجوه استحقاق خود برای
خلافت اسلامی در آن مجلس که ارکان حاضر برای
قبول حق نبودند و همه شان در اغراض دنیا
انقاء فرمایند
اگر حضرت علی بن ابی طالب ؑ این وقت تنها رجال بنی هاشم
را با خود می برد و خطبه را القاء می فرمود در حالیکه عشیر
گشیده در دست او می بود و دور آن منزل که جلیس
شوری در آن مرتب بود، نزدیک بنی هاشم
می بود، صورت واقعه باین نحو بظهور می پیوست که
صفی و جلیس الصفه و مآل الأخر ... مع
وهن ذلک ... این همه "خلق و صبر و سکوت"
با سطوت دست حیدر کرار با قرار ایمان و
تسلیم مبدل می شد و چون ... حضرت ؑ مسلم می

نهج البلاغه طبع ۳۹

www.kitabmart.in

آن وقت محیط مساعد می شد که اصلاحات وسیعی را
در سایر شئون حیاتی مسلمانان شروع و عاید و از کشور
اسپیر و ضربت خورده اسلام کشوری آزاد و آباد بسازد
و چنانکه از روی مردم عدالتخواه می بود جهان اسلام
را بسوی تکامل مادی و معنوی رهبری نماید
با زهد تمام مدت این خلافت از مدیریت تاریخ ا
که پیرو شیخ و جبال بود و خلیفه وقت اصلاحاتی
مشکل نگرفت و در تمام این مدت بهترین فرصت برای
کردن شیرها بود که شیر و بها الذاحه مشکل می شد تنها
مسئله استفاده کردن از آنها بود ولی حضرت علی بن
ابی طالب ع هیچ استفاده از آنها نمی کند علت فرو نشاندن
آتش خشم مردم هر چه ممکن است سعی بکار می برد و
هرگاه مساعی وی در این باب بسر حد نجاح می رسد
گوشه گیری اختیار می کند و هیچ مساعدتی با رژیم مهاجمین
نمی فرماید. حتی اینکه پیرو نظر فراموش شده ایم در
مارین آلمانی می نویسد:

"معلوم می شود در تاریخ اسلام دست وارد نموده مشکل

www.kitabmart.in

در صفحه ۱۸ می گوید "قتل عثمان بوسیله تحریکات و تبلیغات بنی هاشم انجام شده" و این برخلاف حقیقت است

اگر تشکیل حکومت را بنی هاشم که سرور آنها حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب است در صدر اسلام جایز میدانستند

بعد از کشته شدن خلیفه هم چون مردم بحضرت علی روی آوردند حضرت انکار نمی فرمود ← هر کسی می داند بفهمد که اگر تشکیل حکومت برای امام فریضه لازم باشد چه طور جایز می شود برای امام که از ادای فریضه ادنی انکاری هم بر لب آرد نه مگر ارواح مردم با نهایت بر سر انوشت خلافت قبول فرمایند

آیا با توجه باین آیات بینات از حضرت معصوم نباید انتظار داشت که از محیط های سیاسی استفاده کرده و نباید خیال کنند که اینها از محیط های سیاسی استفاده می کنند و میخواهند در صدد تحصیل حکومت بر آیند یا نه؟

۸۲

شهید جاوید ص ۳۳۳

www.kitabmart.in

حالا نظر کنید بموقف حضرت حسن بن علی
اینجا نیروهای پوشا من پیروزی باشد از اول مهتا
بود اگرچند شخص معلوم شود که با سر حکومت
مخالف بستند، چرا باید یک حکومی کار پاک
بواسطه این چنین نوشته شده
آیا در موقعیکه حضرت علی بن ابی طالب زمام
حکومت را در دست داشتند، ایشان حاضر بودند که
عنصر خیانت از انها بظهور رسیده باشد؟
حالا آنها را مجازات می کند، یا بیفرگرداری می رسانند
نه انکه بسبب چندی از اشخاص حکومت را از دست
دهد، با اینکه نیروهای را از اطراف خود داردی منظم
و سرشار موجود بود از حضرت حسن بن علی بسبب
اصرار داشتند که بر سر حکومت بماند و با صلح
نورزد. نیروهای که امدا با جماعتی از اطراف
که با شان دیرینه بود و پیمان داشتند
برای جنگیدن با حکومت شام مهیا شده

www.kitabmart.in

مقابله نمیکند، با وجود این نیرو با حضرت امام
حسن خلافت را واگذار کرد و شاید علت را
اختیار نمود و آن محیط[x] را که برای خلافت دو نفر
مهیا بود بمصالحت معاویه از خود برهم زد
حضرت امام حسین[ع] را بعد از مصالحت امام حسن بزرگترین رهبر شیعه تلقی می کردند حضرت حسن را بر حسب
ایشان بگذارید شما بایستید و ما با شما هستیم
اگر حضرت امام حسین[ع] می خواست، از این نیرو با
استفاده می کرد و همین ارتش را تا بحال برده
با خود می برد اما حضرت از این محیط سیاسی
هیچ استفاده نمی کند و صبر می کند تا بعد از ده سال که
سال از آن سالها از آن نیرو با می گذشت و آن
ارتشها را پراکنده می ساخت

www.kitabmart.in

یک گمان بی مورد

از این جا تا چند صفحه می خواهیم نگرشهای مختلف
را که در صفحه ۶۰ اشاره شده نقل کنیم که بعضی از آنها
بسط و بسیار دارد:

بعضی از صاحب نظران گمان کرده اند، علت اینکه
امام حسین پس از وفات حضرت پیغمبر ۱۰ سال معاویه
زنده بود قیام نکرد، این بود که معاویه از دین
حفاظی کرد و از این جهت خطری برای اسلام باقی نماند
تا امام حسین قیام کند. ولی چون معاویه حافظ دین بود
از این جهت حفظش برای اسلام مثل امروز لازم بود
و دلیلی بر وجوب آن نبود.

ولی نظر دیگری در اینجا هست که معاویه چون
حافظ دین بود حفظش بر امام واجب بود اگر
بیش از یزید نبود لکن هم نبود.

اینک برای اینکه روشن شود معاویه حافظ دین را
حفظ نمی کرد لازم است مختصری از اعمال و خدمات او را
که بر ضد اسلام می داد ذکر می کنیم

www.kitabmart.in

از نظر تاریخ اسلام بررسی می شود که ...
معاویه و ... از نظر کیست
و هم از نظر کیست پس از ... بزید بود
است و اینک توضیح مطلب

از نظر سیاست

معاویه بن ابی سفیان بعد از سال ... خلافت
با منازع بزرگ نظیم اسلامی بود و پس از
بیست و دو سال استانداری و حکومت شام
بود پایه و اساس سلطنت خود را گذاشت
خود کامگی و دیکتاتوری استوار بود و از
فصل تا بگذرد و دشت آورد تاریخ اسلام
و اگر چنانچه قبل از سلطنت او را بخاطر
سلطنت نگذشته بود چنانچه از زمان سلطنت
اضافه کنم راستی بیت آورد شیر انگیز است
معاویه چون به فکر بیرون از حکومت و اشاعه
غزوه های طلبی و کامیابی از لذائذ زندگی گذاشت

www.kitabmart.in

برای رسیدن بهدف حیوانی خویش از هیچگونه جرم و
خیانتی خودداری نمی کرد، چون با امیر المؤمنین
و خاندان وی دشمن بود از اینگونه ظلم و
تعدی و زشتیت نجاذان حضرت دریغ نمی نمود
اینک فهرست نسبتاً مختصری از جنایات و
اعمال ضد دینی که بی پرده انجام می داد،
از باب نمونه ذکر می کنیم :-

۱- شراب خواری (الغدیر ج ۱۰ ص ۱۰۹) (۱)
۲- پوشیدن لباس ابریشم (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۱۴)
۳- استعمال ظرف طلا و نقره (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۱۴)
۴- استماع آواز (شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۱۶۱)
۵- قضاوت بر خلاف اسلام (الغدیر ج ۱۰ ص ۱۹۶)
۶- ترک مجازات دزد (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۱۴)
۷- برسمیت شناختن فرزند زنا (شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۱۸۷)

---

(۱) چه قدر شبیه است کسی که سیره ای غیر شیعه نوشته باشد
طرفه در پیش نهاد "ملازم الاحیاء" اعلام کرده است، باز در امثال
این امور به رشیعی حوالجات (الغدیر ج) میدهد - بالبکه این خیانتها
که از کسی که خود را شیعه علی میداند در کتب تاریخ متوجه سراغ
آنها می رسد.

www.kitabmart.in

۸- جنگ با علی بن ابی طالب علیہ السلام کہ تلفات آن
۶ ہفتاد و پنج ہزار نفر نوشتہ اند (مروج الذہب ج ۳ ص
۹- اعزام سپاہیان نظامی برای قتل و غارت شیعیان
امیر المومنین ع (الغدیر ج ۱۱ ص ۱۶ و ۱۷ و ۱۸)
۱۰- قتل مالک اشتر (مروج الذہب ج ۲ ص ۴۰۹)
۱۱- اعدام حجر بن عدی و یارانش (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۶)
۱۲- اعدام عمرو بن الحمق (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۱)
۱۳- تجاوز بمصر و قتل محمد بن ابی بکر و یارانش علی ع
(مروج الذہب ج ۲ ص ۴۰۹)
۱۴- قتل عام شیعیان امیر المومنین ع (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۹)
۱۵- جعل احادیث در مذمت علی ع (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۸)
۱۶- جعل احادیث در مدح عثمان (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۹)
۱۷- امر به لعن علی ع در خطبہ نماز جمعہ (الغدیر ج ۱۰ ص ۴۵)
۱۸- قتل امام حسن مجتبی ع (مروج الذہب ج ۲ ص ۴۳۷)
۱۹- تحمیل ولیعہدی یزید (کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۴۰۵)
۲۰- اذان نماز جمعہ در روز عاشورا (مروج الذہب ج ۳ ص ۶۳)
سایر جنایات را غیر از قتل امام حسن مجتبی علیہ السلام

www.kitabmart.in

ی پرده و با کمال جرأت و جسارت انجام میداد
و کمترین پرده پوشی و ظاهرسازی در کار وی نبود.

اگر ما جنایات معاویه را قبل از سلطنت او
با جنایات یزید قبل از سلطنت وی مقایسه کنیم
جنایات معاویه خیلی بیشتر است"

(تا اینجا است مرتبا اقتباسات "شهید جاوید" از
ص ۱۴۳ تا بعد از آن می گوید ص ۱۴۴

مجموع خونهای که معاویه قبل از سلطنتش یعنی در زمان
استانداری و یا عیگردی ریخته است تا صد هزار
یا بیشتر می رسد. اینها برخی از جنایات معاویه است
که قبل از سلطنت مرتکب شده است.

ولی آلودگیهای یزید قبل از سلطنتش عبارت بود از عیاشی و
هرزگی و میمنت بازی و شکار و قوچی و قمار و شراب خواری و
اشاعه غریزه جنسی و فرورفتن در کامجوئیهای دیگر.

اگر گناهان یزید را که قبل از سلطنت مرتکب شده با اعمال
ضد اسلام معاویه قبل از سلطنتش و با صدها هزار خون که از

www.kitabmart.in

مسلمانان بیگناه را تحت مقایسه کنیم، بدون تردید جنایات
معاویه قبل از سلطنتش صدها برابر جنایاتی نیز
بوده است. این بود مقایسه جنایات معاویه در
قبل از سلطنت آن دو
اما بعد از سلطنت

(تا آنکه می نویسد)
ص ۱۶۵ اگر جنایات دوران سلطنت سبب سلب خلافت
از جنایات سلطنت سه ساله یزید مقایسه کنیم بدون
تردید جنایات معاویه بیشتر خواهد بود
(تا آخر دنباله مقایسه که تا ص ۱۶۸ طول می کشد
نتیجه اینکه ص ۱۶۹ « خلافش می کنیم (نقض خیال)
که معاویه ظاهر به دینداری میکرده است. شکی
نیست که اگر کسی در ظاهر خود را طرفدار دین جلوه دهد
ولی کارهایش مخالف دین باشد خطرش برای دین
خیلی بیشتر از کسی است که خود را بیدین جلوه می دهد
تا صفحه ۱۶۹ « معاویه چند علت خطرش برای
اسلام بیشتر بود

www.kitabmart.in

۱- حیله گر و مزور بود

۲- بنیا نگذار بسیاری از اعمال ضد دین بود

۳- مدت حکومتش طولانی تر بود، بانی سلطنت موروثی شده بود. نوه ابوسفیان زاده شد

بعد از هلاک معاویه

وقتیکه حکومت عدالت کش معاویه به ابوسفیان بارگاه وی بپایان رسید و یزید بن معاویه سنوحای پای خود را محکم نگرده و بقول شهید جاوید (۲) «بهترین وقت بیش آمده است که مردم آزادی خواه شیرهای خود را متشکل کنند و خلافت اسلامی را بمرکز اصلی خود برگردانند و در پرتو قدرت خلافت اجتماع بسالم حکومتی را که زیر ضربات شلاق حکومت ضد اسلام معاویه چون سیمار محتضری شده است از چنگال این ستمگران ظلم برهانند

---

۱ تا اینجا اقتباسات «شهید جاوید» بود

(۲) ص ۶

www.kitabmart.in

الفاتِ نظری پیرامون سیاست سابق

اگر تشکیل حکومت وظیفهٔ امام باشد باید همیشه در صدد توطئه اسباب باشند پس چرا حضرت علی بن ابی طالب بیست و پنج سال خاموش بماند تا مردم دور او را بگیرند و هجوم آورند و چرا بعد از صلح امام حسن بیست سال حضرت امام حسین خاموش ماند حتی حسب اعتراف پیروان او فراموش شده و در هیچ تاریخی دیده نشده است که امام حسین قبل از ایام تهاجم (طلب بیعت یزید) یعنی قبل از مرگ معاویه هیچگونه توطئه ای بر ضد حکومت بنی امیه کرده باشد بلکه در نامه ای که خود امام در جواب فرستاده نوشته هرگونه توطئه ای را بر ضد حکومت وی تکذیب فرموده است. معاویه بعمال سفیان با امام حسین نوشت: من رسما گزارش رسیده که تو قصد انقلاب داری، مبادا کاری بکنی که ایجاد اختلاف نمائی و مردم را در فتنه بیندازی!

www.kitabmart.in

امام در جواب معاویه نامه ای نوشت و کوشید ارسال
فرمود و در آن برخی از جنایات معاویه را برشمرد
ضمن آن نامه نوشت " گزارشی که شنیده ای دروغ
محض است، و من پیوسته قصد انقلاب بر ضد
حکومت تو نداشته ام و ما اردت لک حربا و لا
علیک خلافا و نخواسته ام بر ضد تو شورش کنم
و دست بیعت از تو بکشم (رجال کشی ص ۴۹ الامامة والسیاسة
ج ۱ ص ۱۸۶ "

با اینکه حکومت معاویه غیر اسلامی بود و جنایاتی چند
حصر دستگاه حکومت در پیش چشم امام حسین بود و تنها
یکی از جنایات معاویه تحمیل ولیعهدی یزید بر مردم
بود که باید گفت حکومت یزید یکی از سیئات معاویه
است و این نامه را آنحضرت وقتی معاویه نوشت که
قبلا ولیعهدی یزید بر مردم تحمیل شده بود و با اینکه
امام در همین نامه می نویسد " و انی لا اعلم فتنة
اعظم علی هذه الامة من ولایتک علیها " من

www.kitabmart.in

هیچ فتنه ای را برای ملت مسلمان وخیم تر
زبان نخشن تر از حکومت نمی دانم " با همه اینها
امام حسین علیه السلام جواب می دهد من هیچگاه
قصد انقلاب نداشته و هیچگونه توطئه ای بر ضد
حکومت نکرده ام .
بنابراین نامه نوشته بود امام حسین توطئه ای
بر ضد او نکرد " (۱)

آیا این کافی نیست برای فهمیدن این که انقلاب
سیاسی هیچ وقت هدف نگاه حضرت حسین بن
علی نبوده و این وظیفه امام از جانب حضرت حق تعالی
نبوده ؟

الجواز بلاک معاویه

وقتیکه حکومت عدالت کش معاویه بن ابی سفیان
با مرگ وی بپایان رسید ، یزید بن معاویه بنوزه
جای پای خود را محکم نکرده و بقول " شهید جاوید "

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۲۳ ـ ۱۲۴ (۲) ص ۹۶

www.kitabmart.in

"بهترین فرصت پیش آمده است که رزم آزادی خواه شیره های خود را متشکل کنند و خلافت اسلامی را مرکز اصلی خود برگردانند و در پرتو قدرت خلافت اجتماع سالم و نجوی را که زیر ضربات شدید حکومت ضد اسلام معاویه چون بیمار محتضری شده است از چنگال این همه ظلم برهانند."

"و لایق ترین شخصیتی که مورد احترام دوست و دشمن است وجود او باید در این موقع حساس با در دست گرفتن قدرت خلافت جهان اسلام را از این وضع پریشان نجات دهد حسین ابن علی است"

حالا که حکومت یزید پیشقدمی کرده برای جلوگیری از هر گونه جنبش اصلاحی حسین بن علی و چند نفر از شخصیتهای دیگر را تحت فشار قرار داده که با یزید بیعت کنند و حکومت او را برسمیت بشناسند

و حالا که حکومت یزید با تکای قدرت سرنیزه خود

www.kitabmart.in

از امام خواسته است که قبل از هر چیز خلافت
فرزند معاویه را برسمیت بشناسد و تسلیم بی قید و
شرط وی گردد و درباره این مطلب تعهد کتبی نیز
سخت گیری کرد که حسین بن علی را در موقع خطر باز
داشت و شاید هم کشته شدن وی را گرفت (۱)
و باید دانست که هنوز حکومت یزید در حجاز قائم
نشده است و مردم اینجا حلقه بیعت یزید در گردن
ندارند پس اگر امام مقصودش تاسیس حکومت
باشد این بهترین فرصت است برای تاسیس حکومت
و عوامل پیروزی یکی که این وقت برای حضرت امام
حسین فراهم بود هیچ وقت بعد از این فراهم نخواهد شد
(۲) دانیک عوامل پیروزی امام

۱- ضعف حکومت: اولین عامل پیروزی امام حسین
ضعف حکومت بود، زیرا حکومت یزید بچند دلیل
از حکومت معاویه ضعیف تر بود.

---

(۱) شهید جاوید ص ۲۹ تا ۳۶ (۲) شهید جاوید ص ۴۶ تا ۵۰
بعنوان تلخیص

www.kitabmart.in

۱- هر حکومتی که میخواهد جانشین حکومت ساقط شده
سابق گردد، در آغاز کار متزلزل دارد و مردم با دیده
تردید بآن می نگرند و منتظرند تا ببینند زمامدار جدید
می تواند بر اوضاع مسلط گردد یا نه؟
۲- سوء سابقه یزید و خامی و بی لیاقتی وی نیز
علت دیگری برای ضعف حکومت بود و همین سابقه
ننگین و بی لیاقتی خلیفه جدید، تزلزل حکومت
را بیشتر می کرد و بسیاری از سیاستمداران و رزیده
اطمینان نداشتند که یزید بتواند بر اوضاع مسلط
گردد و حق بجانب آنان بود

۳- رنجش مردم:-

دوم از عوامل پیروزی حسین بن علی علیه السلام
رنجش مردم از حکومت وقت بود، زیرا ستمگریهای
بی حد و حصر معاویه در دوران بیست ساله حکومتش
جان مردم را بلب آورده بود و از این حکومت عدالت
شکن و قانون شکن بشدت متنفر بودند و این جنبه منفی

www.kitabmart.in

احساسات مردم بود

۳- افکار عمومی :-

سوم از عوامل پیروزی امام موافقت افکار عمومی بود زیرا شکی نیست که بنیاد از شام در اسر کشور وسیع اسلامی افکار عمومی با طرفداری حسین بن علیؑ موافق بود و این جنبه مثبت احساسات مردم بود.

۴- لیاقت رهبر :-

چهارم از عوامل پیروزی امام حسینؑ لیاقت آنحضرت بود زیرا متصدق دوست و دشمن حسین بن علیؑ که وابسته خاندان پیغمبر بود لایق ترین فردی بود که در سراسر کشور عظیم اسلامی وجود داشت و از شرق تا غرب جهان اسلام شخصیت و لیاقت فرزند پیغمبر وجود داشت

پرتگاه ضعف حکومت

بنابراین آغاز حکومت یزید در اینجایی که امام حسین در مکه توقف داشت عبدالله زبیر در مکه شورش کرد با تجهیز نیروی نظامی آماده مقابله با قدرت حکومت شد و آنگاه که از طرف یزید برای سرکوب کردن

۱ شهید جاوید ص ۶

www.kitabmart.in

سر بار و شادوش در یک برخورد نظامی عبداللہ
زبیر شیروی دو ہزار نفری یزید را شکست داد و
فرماندہ شیروہا را دستگیر کرد و بنا بر یک نقل زیر ضربات
شلاق کشت و طول نکشید کہ نفوذ عبداللہ زبیر
در سراسر حجاز گسترش پیدا کرد و بعد از شورش
دیگری نیز بہ رہبری نجدۃ بن عامر حنفی در یمامہ
بر خواست و یزید بن معاویہ تا زندہ بود نتوانست
شورش عبداللہ زبیر را در حجاز و شورش نجدۃ بن
عامر را در یمامہ سرکوب کند (۱)

ہرگاہ ضعف حکومت یزید و نیروی امام حسین علیہ السلام
در نکہ بدی باشد کہ "ہنگامی کہ امام حسین علیہ السلام
از نکہ حرکت کرد مأمورین مسلح حاکم آنحضرت را
تعقیب کردند و خواستند بمکہ برگردانند ولی در مقابل
مقاومت شدید امام از برگرداندن عاجز شدند
و برگشتند . شیدانم کہ حاکم مکہ بشت در تعقیب
امام بود و دستور داشت آنحضرت را بازداشت

(۱) شہید جاوید ص ۲۹ - ۳۰

www.kitabmart.in

کنند و نزد یزید بفرستند و شاید هم امر کشتن او
بود و در اینصورت ضحاک باید همه نیروی خود را برای
برگرداندن کاروان فرزند پیغمبر و باز داشتن وی
بکار برد. با این وصف می بینیم از برگرداندن و باز داشتن
حضرتش عاجز بود و این دلیل بر ضعف حکومت است (۱)
این هم طرف حکومت در حالی نمایان است که
یزید در تمام حوزه اسلامی تقریباً تکمیل شده است و در تمام
اطراف مملکت چه حجاز و چه عراق و چه ایران حکومت
یزید مستقر شده است اما در آن وقتی که ولید طلب بیعت
یزید از امام کرده است هنوز خلافت یزید در
حجاز مستقر نشده بود و از بدیهیات تاریخ
است که مدینه مرکزی برای اردوی حکومت نبود.
از این جهت ابداً دشمنی اهل مدینه قلمرو حکومت یزید
از گردن شان بیرون کرده انداخته، از شهرهای که
برای سرکوب آنها آمد، از شام بوده و این وقت
که ولید بن عتبه حاکم مدینه حضرت امام حسین ع را

(۱) شهید جاوید ص ۳۰

www.kitabmart.in

برای بیعت یزید طلبیده است نشود ولید
غیر از مروان بن حکم نپذیرفت کسی دیگر نیست
و حضرت امام حسینؑ این وقت تنها نشسته بلکه
با جوانان بنی هاشم که شمشیرها در دست داشتند
تشریف برده بودند پس اول قدمی که بنظر ما
محیط سیاسی این وقت لازم بود بر داشته شود
این بود که ولید مروان را بگذشت و اعلان
بلاغت معاویه با قیام حکومت حضرت حسین بن علیؑ
بشود که "مورد احترام دوست و دشمن بود" (۱)
این وقت باز گشت شدن ولید و مروان مدینه
و سپس همه مجاری بی درنگ در تصرف امام حسینؑ
می آمد.

یک نکته

ضمناً توجه باین نکته در اینجا لازم است که در آن زمان
خود اسلحه برای همه کس آزاد بود و طرفداران حسین بن علیؑ

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۰۳ از اینجا تا آخر همه عبارات "شهید جاوید" است که در اثبات نیروی حضرت امام حسینؑ
در هنگام توجه بعراق نوشته است، همه اینها شاهد دلیل در آغاز کار
که وقت طلب ولید حاضر

www.kitabmart.in

می توانستند، اسلحه جنگی و ادوات مشابه اسلحه ای که حکومت
یزید در اختیار داشت تهیه کنند چنانکه در کوفه نیز نظر مسلم
تهیه کردند. و نیز بشیر مسلمانان بلاد تشریفاتی
کرا اسلام در باره تعلیمات نظامی کرده است بفنون جنگی
ساده آشنا بودند بنابراین شیرو های طرفداران
امام از نظر تعلیمات نظامی و اسلحه جنگی قدرت برگونه
مقابله شیرو های حکومت داشتند
تائید این نکته
همین اهل مدینه و شیکه قلاده بیعت یزید از گردن خود آماده مقابله
چند روزی بار شهای حکومت جنگیدند."

این در وقتی بود که دو سال بر استقلال حکومت یزید
گذشته و جای پای یزید محکم شده بود پس وقتی که امام
از دنیا رفته است و هنوز حکومت یزید در حجاز مستقر
نشده اگر حضرت امام حسین شیرو های خود را که از بنی هاشم
و موالی آل هاشم بود تجهیز داده در مدینه حکومت خود را
تشکیل می کرد نه تنها در مدینه بلکه هم زمان حکومت حضرت می شد و
شیرو های ایشان بر شیرو های یزید مساعدت آنها چند سال با حکومت
یزید مقاومت کرده و یزید نتوانست آنها را سرکوب کند

www.kitabmart.in

نیروهایی که در کوفه با امام بود که حسب بیان "شهید جاوید"
ص ۳۷ "در حدود صد هزار نفر بود و نیروهای بصره
نیز پشتیبان آنان می شدند و این امر امنیا بیم که لابد
با امنیا موافقت می کردند و ویژه از این جهت که شهربانو
مادر حضرت زین العابدین از ایران بود". پس آیا با این
همه نیروها بحق یک نیروی بزرگی نبود تا که یزید را
مقاومت با آنان آسان نبود؟

این هم بالای همه

صاحب شهید جاوید نظرش این است که اگر حکومت
یزید مزاحم امام حسین نمی شد، باز هم لازم بود که
حضرت برای تاسیس حکومت قیام ابتدائی نماید
ص ۱۳۱ بعنوان "یک نکته" می سراید
"از هر کسی از خود می پرسید که اگر حکومت یزید مزاحم
امام حسین نمی شد آیا آنحضرت در خانه اش
می نشست مثل زمان معاویه از فعالیتهای انقلابی
خودداری می کرد؟ در اینجا باید گفت همانطور که

www.kitabmart.in

خود امام فرموده بود: پس از مرگ معاویه در بارهٔ انقلاب
فکری خواهم کرد. و از طرفی آنحضرت حدیثی از رسول خدا
نقل کرده که فرموده است هر کس زمامداری ستمگری را
ببیند که حقوق خلق و احکام خدا را پایمال می کند وظیفه
اوست که در تغییر ظلم او بکوشد وگرنه خدا با همان زمامدار
ستمگر محشورش می کند. بنا بر این اگر یزید هم
زمام امور را در دست گیرد و برای تغییر
حکومت ظلم اقدام کند. ولی چون این تکلیف مثل همهٔ
تکالیف دیگر مشروط بقدرت است. لازم بود امام
در درجهٔ اول بررسی دارد که آیا قدرت خویش را
و در صورت امکان تحصیل قدرت کند آنگاه اگر قدرت
نظامی وی بحد کافی بود بمنظور نجات اسلام برای تشکیل
حکومت اقدام فرماید.

بنا بر این اگر حکومت یزید مزاحم امام حسین می شد
باز هم آنحضرت پس از مرگ معاویه که طبعاً حکومت
بی امنیه لرزان و ضعیف می شد بررسی اوضاع سیاسی و
از زیابی نیروی نظامی خویش می پرداخت، اگر شرایط

www.kitabmart.in

مساعد بود برای تشکیل حکومت عادلانهٔ اسلامی
و سوزاندن ریشهٔ ظلم اقدام می فرمود ــــ

آری چیزی که هست اگر حکومت با امام تهاجم
نمی کرد ممکن بود آنحضرت ارزیابی و بررسی اوضاع
سیاسی را در میان مدینه شروع کند و با این سرعت و
شتاب آنهم مخفیانه و شبانه بمکه هجرت نفرماید
و اگر لازم شد در فرصت دیگری مثل در ایام حج
بمکه مسافرت نماید تا تماسهای لازم را با مردم سراسر
اقطار اسلامی برقرار سازد و زمینهٔ کار خود را آسانتر
و مطمئن تر گرداند ، و در هر صورت مسلم بود
که تماسهای امام باید در درجهٔ اول با عراق و
بخصوص با کوفه برقرار شود چون پیشهٔ مرکزی
شیعه های آن حضرت در کوفه بود و فاصله بین
مکه و مدینه در حدود دویست و نود و سیخ است یعنی
مدینه نسبت بمکه هشتاد و سیخ یکرو نزدیکتر
است و هشتاد و دو سیخ با در نظر گرفتن وسائل
حمل و نقل در آنروز مسافت زیادی بود بنابراین

www.kitabmart.in

اگر از لطف امام بامردم کوفه از مدینه برقراری شد، شما
فرسخ راه کم می شد و ارتباط با کوفه سریع تر انجام می گ
واخبار زودتر می رسید و مشکلات در راه نهضت
کمتر می شد.

نیروهای امام بسیار کافی بود

هرگاه "نیروهای مسلح امام حسین" تنها در کوفه
در حدود صد هزار نفر بود که نیروهای بصره پشتیبان
آنان بودند" پس "بیش از صد هزار مرد شمشیر زن
در کوفه و بصره در اختیار داشت که بفرزند معمر
عشق می ورزید (۱)

واضافه کنید نیروهای مدینه را که توانست
از مسلم شدن حکومت یزید تا ارتشهای حکومت
بجنگد، ولی چون تنها بود شکست یافت. پس
اگر اینها جزء نیروهای دیگر بودند درحالیکه هنوز
حکومت یزید مسلم هم نشده بود، البته این نیروی

(۱) شهید جاوید ص ۳۷

www.kitabmart.in

بود ناچار بشنیم.

چون حضرت در مدینه حکومت خود را تشکیل می‌دهد
بعبارت "شهید جاوید" [redacted] "مردم عراق و حجاز و
خراسان و آذربایجان و سایر استانهائی که عدالت
امیرالمؤمنین ع را دیده بودند بی‌درنگ بکک فرزند پیغمبر
می شتافتند. آنگاه هیچ قدرتی در مقابل قدرت امام
تاب مقاومت نداشت (۱)

(۲) همه می‌دانند که شخصیت امام حسین خیلی عظیم‌تر
و محبوب‌تر از عبدالله زبیر بود و از اینرو تا وقتیکه امام
در حکمه بود عبدالله زبیر کمتر فشار افکار عمومی ناچار
بود بحضور آنحضرت بیاید
ولی شخصیت او از امام ضعیف‌تر
در حالیکه عبدالله زبیر
بود میتوانند در مقابل حکومت یزید بسختی مقاومت کند
در اینصورت بدون تردید امام حسین با آن شخصیت عظیم
و محبوبیت بی‌نظیر بهتر از عبدالله زبیر می‌توانست در
مقابل حکومت یزید مقاومت نماید و سرانجام حکومت یزید را

---

(۱) ص ۳۷ [redacted] (۲) از اینجا ببعد عبارات شهید جاوید
ص ۶۲ تا ۶۴ هست

www.kitabmart.in

در کام خود فرو برد و منصرف کند یا لااقل با کمال اقتدار
در برابر آن بایستد
بعد از یزید

اگرچه مرگ یزید قبلاً پیش بینی می شد ولی مقاومت
مردانهٔ حکومت حسینی در برابر حکومت یزید طلیعهٔ این
نتیجه می رسید که
پس از سه سال که یزید مرد دلگوی اشعث و برزخ
پشت سر خود گذاشت، معاویه بن یزید از خلافت
کناره گیری کرد و حکومت خاندان ابی سفیان تسلای
شد و بران حکم قطعی گرفت با عبدالله زبیر بیعت
کند در این موقع سخنان بزرگ حسین بن علی بود که می
توانست با آن درایت و کفایت و محبوبیت بی نظیر
خود زمام شورش اسلامی را بدست گیرد و
ملکت را از هرج و مرج و اشفتگی نجات بخشد
بدبختانه چنین شرائط شخصیت های دیگری مثل
عبدالله زبیر نمی توانستند در مقابل قدرت عظیم امام
مقاومت کنند و ناچار تسلیم می گشتند یا ساکت می شدند
و حسین بن علی را تنها گذاشته از اسلام پیروزمندانه

www.kitabmart.in

کشور را بسوی تکامل مادی و معنوی راهبری می کرد و
چنانکه آزادی رسول خدا بود جهان اسلام را بمدارج
عظمتی رسانید.

وحدت سیاسی

بدیهی است اگر حکومت نیرومند اسلامی چنانکه دلخواه
امام حسین بود تشکیل می شد چون زمام کشور
بدست سبط معظم می افتاد و طبعا بعد از دودمان
رسالت بودند که کشور عظیم اسلامی را رهبری می کردند
یک وحدت سیاسی نیرومند و شگفتی بوجود می آمد
و در نتیجه کاملا طبیعی بود که پس از گذشتن
نیم قرن یا کمتر سراسر جهان اسلام تابع اهل بیت
عصمت میشدند و این همان حقیقت تشیع است.
آنگاه این شکاف و اختلاف زیانبار که
منشأ اصلی آن سقیفه بود از میان برداشته
می شد و دیگر دو گروه متضاد بنام شیعه و سنی
وجود نداشت و از این راه این همه خونریزی
وارد نمی گشت و در حقیقت امام حسین زیانهای

www.kitabmart.in

سفیانی
که حکومتهای پس از حضرت خلافت خدا اسلام
در طول بیش از ۱۳ سال بر اسلام و امت اسلامی حکومت می‌کردند
پس از گذشت ۱۴ قرن یک دوره جنایی دارد
بین رفتن اختلافات ملی و مذهبی که ریشه آنها از
در حکومت و خلافت بود و از آغاز بخش و پیرا از رشد
خلافت حسینی بود (۱)

۱۱۲ (۱) تا اینجا چند صفحه پیرامون الفاظ از استفاده کرده
نقل شده و از آن نتیجه گرفته شود

www.kitabmart.in

حالا باید دید

باهمه این امکانات روشن، حضرت امام حسین مثل
بزرگان خود و مثل سیره اولیای خدا که پیش از ایشان بوده
معاویه بود این توقع فوق‌العاده را از دست می‌داد و با قدرت
خود به اعدام ولید و مروان، آنها را اعدام نمی‌کند
و حکومت خویش را در مدینه تکمیل می‌نماید تا همه
آن نتایج که نگارنده «شهید جاوید» در عبارات
حلقه کلقه خود که سبز کی سابقا درج شده است
بگردد و حسب نظر سیاسی که صد در صد نیان مکاتب
شهید جاوید بر اساس آن ترتیب داده شده
سبب آن واقعه خونین که آن را «کربلا» می‌نامند خود حضرت شده و عهده‌دار تمام
سبات آن گردیده که یکی را «شهید جاوید» بعبارات
لین خود کلوه آورده و ما آنها را هم با حفظ الفاظ «شهید جاوید»
رای که ایراد خواهیم ساخت

www.kitabmart.in

تذکر

حال آن دو دانشمند بزرگوار که بر حضرت
مسلم بن عقیل پرده گرفته اند که او چرا این زیادرا
برطبق رأی شریک کشت می فرماید،

اگر مسلم عبیدالله را کشته بود
این نقشه ها و دسائس
فلان فلان نقشه های این زیاد باطل
می شد و امام حسین علیه السلام بدون مزاحم
وارد کوفه می گشت و همه آدم آشکارا
بکمک وی می شتافتند و هر کس
در دل خواهان یاری آن حضرت
بود به نیروهای وی می پیوست
و با دشمنانش مبارزه می کرد

اعداء

ترجمه کرده شد جاویده در ص ۳۰۳ ۱۱۴
این نظر را نوشته شد
کرده در جای دیگر تفصیل این حکایت را خواهید
سرائیده :

(۱) خاندان جاوید ص ۳۰۳

www.kitabmart.in

از شریک بن اعور پسر حارث همراه که یکی از سپاهیان
معروف به از شیعیان مخلص امام حسین بود، همراه
عبید الله بن زیاد از بصره به کوفه آمده بود، عرض
شد در منزلی که مسلم بن عقیل مخفی بود، بستری
گشت خبر بیماری وی به عبید الله زیاد رسید و
تصمیم گرفت به عیادتش برود.

شریک بن اعور به مسلم گفت اگر ابن زیاد به دیدنت
می آید و برای کشتن او آماده باش، آنگاه بطور
غافلگیر بر وی حمله کن و او را از میان بردار، اگر او را بکشی
حکومت کوفه را قبضه می کنی و در قصر حاکم
بفرمان روائی می پردازی و سپس با قوای مناسب
نخواهد کرد و اگر موفق سلامت خود را بازیابی فتح بصره
برمی گردم و آن شهر را زیر فرمان تو می آورم.

شریک بن اعور "که سیاستمداری ورزیده و
راستگو است" از افکار عمومی مردم عراق بخوبی
آگاهی دارد می گوید: اگر ابن زیاد کشته شود
همه مردم کوفه مسخر فرمان مسلم خواهند شد و جنگی

www.kitabmart.in

باوی مخالفت نخواهد کرد و میگوید بصره برای
بنی عباس حکومت حسینی آنقدر آمادگی دارد که کافی است
خود او به بصره برگردد و مردم را به پیروی از خاندان
مسلم بن عقیل دعوت کند.

چنین نیست که شریک بن اعور برای خوش آمد
مسلم چنین مبالغه آمیز گفته باشد بلکه خواسته است
یک واقعیت تلخ و حقیقت تلخ را بیان کند و آن
واقعیت اینست که افکار عمومی مردم کوفه و بصره چنان
با امام حسین و خاندان حکومت آنحضرت آشنا و
با گشته شدن آن بزرگوار در کوفه و بصره و سپس همه
عراق بی درنگ در تصرف مسلم در خواهد آمد و حسین
ابن علی علیه السلام پیروزمندانه وارد کوفه خواهد شد.

یا للاسف

آه بیچاره مسلم بن عقیل که دو نفر آقایان
بزرگوار و پیروی آگاه نویسنده شهید جاوید
نام شیعه کشته شدن حضرت امام حسین و یاران
خانواده اهل بیت رسول را بر او می گزارند که دلائل

www.kitabmart.in

نمونۂ عمل برای مسلم

اینجاست که بر حضرت مسلم رضؓ ایراد گرفته اند باید
اول ببینیم ایراد را باید متوجه اسلام و تعبیر بر خود حضرت
سید الشہداء علیہ السلام بنماید که اگر حسینؑ
ولید و مروان را کشته بود، نقشه های یزید باطل
می شد و امام حسین بدون مزاحم بر سر حکومت حجاز و
عراق و یمن و ایران و سائر نقاط اسلامی عزاز دشق و
بصره تمکن می شد و همه مردم آشکارا دور او را
جمع می شدند و هر کس در دل میلی نسبت آل رسول
داشت به تیرهای دی می پیوست؛ با دشمنش
مبارزه می کرد...

ولی حضرت ولید و مروان را نکشت و سبب
شد که نقشه های یزید سر دی کار نیاید که بنا را جی
خانهٔ اهل بیت رسول و کشته شدن اولاد رسول بینی
آیا همین است مقصود تو که این نظر را داری
نگو، رسیده و رانش نبرده (بسطام) او را دیده؟!

www.kitabmart.in

پرسش و پاسخ خواه

در شبیه [illegible] ص آمده که بنام آنحضرت
با تهاجم حکومت شروع شد و امام برای نپذیرفتن
خلافت یزید بشیوه ای مقاومت کرد و بدان حضرتش
برای تشکیل حکومت اقدام کرد؟
عامی پرسیم که اگر تشکیل حکومت وظیفه امام است
چرا باید حضرت انتظار بکشد که تهاجم از جانب یزید
شود و چرا خود شان اقدام برای تشکیل حکومت نکرد؟
پاسخ این بنده نیز مد نظر قرار گرفته شده است

www.kitabmart.in

نتیجه بررسی

نتیجه بحث این است که اعمال این رهبران روحانی را نباید بر ترازوی سیاست دنیوی سنجید و آن آدم خود هم گمراه می شود دیگران را هم اسباب گمراهی فراهم می آورد.

طوری که حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام

[illegible] می فرماید

لولا ان الدین [illegible] ادهی العرب

منه شیء طریف آن را [illegible] لولا کراهیة الغدر لکنت من ادهی الناس

نظر این رهبران دین در اعمال خود همیشه بسطح

بلندی می باشد که نگاه سیاستمداران دنیا بآن نمی رسد، از این جهت خیال می کنند، بلوه می آرند که اقدامات شان از راه اشتباه است، با این که عمل آنها مبنی بر اشتباه نمی باشد بلکه اینها در اشتباه اند که مقام ایشان را نفهمیده اعمال آنها را بر مقیاس سیاست پست دنیا می سنجند.

119

نهج البلاغه ط مصر ج ۱ ص ۴۱

www.kitabmart.in

نظر فراموش شده چه ضرر دارد؟

ضرر شیعه بس است که این نظر تهمتهائی را
که با نام علیه السلام می زنند تقویت می کند
حالا ببینید شهید جاوید ص ۱۷۲ تا خلاصه صحبت
بعدی
تهمتهائی که با نام می زنند
با حال حکومت اسلامی نیز هم در آن ایامی که
فرزند پیغمبر را مورد تهاجم قرار داده بودند و هیچ کس
از شما دوست آنحضرت کوشش می کرد که او را از شر
وقتی انگیزه منفی واقدامی را از طرف
و بدنبال تحلیل دستگاه حکومت ملاحظه
خواننده حسین و خاندان پیغمبر توجیه نمایند
نظامیان حاکم چه گفتند؟
حاکم جائر در آن سال خیزان ایران از طرف
هنگامیکه امام حسین از مکه خارج شد عمرو بن سعید
حاکم حجاز که در آن سال خیزان امیر الحاج از طرف یزید

www.kitabmart.in

تعیین شده بود مأموران مسلح خود را برای برادرش
یحیی بن سعید برای تعقیب کاروان حسین بن علی فرستاد
که آنحضرت را بمکه برگردانند. آنگاه که کاروان
امام از مکه خارج شده بود نظامیان مسلح حاکم او را
تعقیب کردند و خواستند فرزند پیغمبر را بمکه برگردانند
امام از برگشتن بشدت امتناع کرد تا آنجا که زد و
خورد با طلاق هم بمیان آمد. عمال حکومت که از جلب
آنحضرت مایوس شدند بوی گفتند: اما تتقی الله
تفارق الجماعة و تفرق بین هذه الامة
(آیا از خدا نمی ترسی که از جماعت مسلمانان خارج
می شوی و در میان امت تفرقه می اندازی؟)
منطق سازمان حکومت سرچشمه اینست که حسین
ابن علی از خدا نمی ترسد و تقوی ندارد و بر خدا منیت
اجتماعی او تهمت می کند پس لازم است دولت خیرخواه
صد در صد ملی!! حسین را که عامل فتنه و آشوب
است؟؟؟ سرکوب کند.

www.kitabmart.in

با این منطق می خواهند تجاوز حکومت یزید را نسبت
بسبط رسول اکرم ص حق بجانب جلوه دهند
ابن زیاد بمسلم چه گفت؟
هنگامیکه مسلم بن عقیل را اسیر کردند با صورت و دهان
مجروح دستگیر کردند و نزد عبید الله زیاد حاکم منحوس
بکوفه آوردند او بمسلم گفت:
یا ابن عقیل اتیت الناس و امرهم جمیع و کلمتهم
واحدة و الشتت بینهم و فرق کلمتهم
"ای پسر عقیل تو آمدی تا در بین مردمی که با هم متحد
بودند تفرقه بیندازی و اختلاف ایجاد کنی"
(تا آنکه می گوید)
حاکم خبیث چه گفت

نه تنها در ایامی که امام حسین ع مورد تجاوز دستگاه
حکومت واقع شده بود بدون تحمل ناراحتی بلکه
پس از شهادت آنحضرت نیز عمال حکومت سرسپرده
سعی می کردند که اعمال وحشیانه و غیر انسانی خود را

www.kitabmart.in

حق جانب جلوه دهند و امام حسین را محکوم نشان دهند
بوجود آورنده حادثه کربلا بخوانند

در محیط حکومت اختناق و وحشت که کسی جرأت
نفس کشیدن نداشت چیره خواران دولت با کمال
بی شرمی در اجتماعات عمومی بر ضد فرزند پیغمبر ﷺ
که با شمشیر استبداد خاک خون غلطیده بود سخنرانی
می کردند و ناسزا می گفتند.

پس از کشته شدن حر در جنگ با امام
زیاد که فاتح جنگ بود خبر قتل امام را بدون یک
مسرت نخست به چیره خواران دولت گزارش داد
و از جمله نوشت بیکی این خبر را برای عبید الله بن زیاد
حاکم جها نفرستاد. حاکم جهانگیر من سیه کاران
هنگام در میانه بود اعوان نماینده یزید در میان
اجتماع مردم رفت و خبر قتل امام حسین را بطور
رسمی باطلاع مردم رسانید. حاکم دستخوان خود سعی
کرد که تن فرزند پیغمبر ﷺ را یک عمل دفاعی و ضروری که

www.kitabmart.in

حکومت یزید برای جلوگیری از تهاجم حسین بن علی انجام
داده است جلوه دهد. او ضمن سخنرانی خود در مسجد
مدینه گفته بود پیغمبر گفت من میل نداشتم این طور
پیش آمدی واقع گردد ولی نمیخواست حسین بن علی
کشته شود و مایل بودم مثل همیشه که او بدیدن من میآمد و با او
می گذشتیم این بار هم از خطای او در گذریم و آسیبی
بری نرسد ولکن کیف نصنع بمن سلّ سیفه
بریده قتلنا الا ان لا دفع عن انفسنا ولی با کسیکه
شمشیر کشود میخواهد ما را نابود کند چه کنیم ما چاره
اینکه بجنگیم ضرورت از خود دفاع کنیم و او را بکشیم
چه چاره داشتیم

با این تبلیغات می خواستند امام حسین را عامل
یک تهاجم مسلحانه بخوانند و جنبش آنحضرت را در
افکار عمومی تکوم نمایند

ص ۱۷۷ تحت عنوان :

" وهابیت چه می گوید "

۱۲۴

www.kitabmart.in

(از یک دسته از آنها نقل می‌کنند که)
"گفته اند" حسین ابن علی علیه السلام نظر به آنکه باید و شاید
در ارزیابی قدرت حکومت و سنجش قدرت قریش
دقت نکرد"
(باز می‌گوید) بعضی از آنان در خرده گیری و انتقاد (تا آنجا)
پیش رفته اند که حرکت امام را برای خود او و برای اسلام
و برای مردم مسلمان نابخردانه و زیانبار دانسته اند"
ص ۱۷۸ - ۱۷۹ گفتار ابن خلدون

ابن خلدون ضمن اینکه اهل سنت امام حسین را برای قیام در
راه عقیده مسلمان تصدیق می کند، نظر میدهد که ارزیابی
امام درباره نیروی زمان خویش دقیق نبوده است،
زیرا می گوید: وامّا الحسین فانه لما ظهر فسقة یزید
عند الکافة من اول عصره بعث شیعة اهل البیت
بالکوفة للحسین ان یأتیهم فیقوموا بامره فرای
الحسین ان الخروج علی یزید متعین من
اجل فسقه لاسیما من لدالقدرة علی ذلک

www.kitabmart.in

وظنها من نفسه باهلیته وشرکته فاما الاهلیة فکانت کما ظن وزیادة واما الشرکة فغلط

(رحمه الله فیها)

"اما درباره حسین باید بگویم او فکیک نفس نزدیک نزدیک بود از نظر ظاهر گشت پیروان اهل بیت پیغمبر در کوفه از حسین بن علی درخواست کردند کوفه برود و آنان در قیام بضد یزید یاری کنند حسین دید چون یزید فاسق است قیام بر ضد او واجب است خصوصا برکسی که قدرت بر قیام دارد وحسین بن علی گمان کرد هم اهلیت برای قیام دارد وهم قدرت و گمان وی درباره اهلیت خود صحیح بود بلکه بیش از آنچه شرط خلافت و اهلیت داشت ولی گمان وی درباره قدرت خود اشتباه بود و خیال کرد می تواند با نیروی (نظامی) خویش در قیام پیروز گردد، خدا بیش رحمت کند که

www.kitabmart.in

ص ۱۷۹ گفتار طنطاوی

شیخ محمد طنطاوی استاد دانشکدهٔ لغت عرب

در این باره می گوید:

احسن الحسین رضی الله عنه ظنه بمن التفوا حوله

الذین الحفوا فی استفزازه لقیامه بطلبهم

و لم یجب لصرامة الامر بینن وشدة شکیمتهم

حسابا و لم یعترض ما نجر به العراقیون

اباه و اخاه فیما سبق

"حسین بن علی رضی الله عنه از روی خوش باوری

با کسانیکه اطراف او جمع شده بودند دست بدست ادرا

برای قیام و نبضه کردن خلافت تحریک و تشویق می کردند

اطمینان پیدا کرد از سر دفاع کرد" - ولی از طرفی

قدرت و شوکت بنی امیه و شدت عمل و ستگاه

حکومت را بحساب نیاورده و از طرف دیگر

فریب کاری مردم عراق را که قبلا با پدر و برادرش

چه فریب داده بودند از نظر دور داشت

www.kitabmart.in

ص ۱۸۰ گفتار عبدالوہاب نجار

عبدالوہاب نجار استاد دانشگاہ الازہر مصر در رد
کلام امام حسین نظری شبیہ نظر شیخ محمد طنطاوی دارد
او می گوید :-

من الظلم ان یقال ان یزید الشخص حسینا الی
العراق فان حسینا ذهب الی العراق مختارا
بما جاءه من اهل العراق و بما یختاره لنفسه من
قرابته رسول الله

"این ظلم است کہ کسی بگوید یزید حسین بن علی را ناچار
کردہ است کہ بعراق برود زیرا حسین بن علی باختیار
خود بعراق رفت و او از دو جہت غریب خورد :-

۱- خیال کرد مردم عراق کہ دعوتش کردہ اند در
یاریش وفادار خواہند بود .

۲- خیال کرد قرابت با رسول خدا او چنان مقامی
بوی داده است کہ می تواند در این قیام پیروز گردد ،

www.kitabmart.in

ص ۱۸۱ گفتار خطیب

محب الدین خطیب مصری اظهار نظر چند نفر از کسانی را که می خواستند امام حسین را از سفر عراق منصرف کنند و کوشش رد که در این راه کردند نقل می کند آنگاه می گوید:-

فلم یفد نشیٔ من هذه الجهود فی تحویل الحسین عن هذا السفر الذی کان مشفوقا علیه وعلی الاسلام وعلی الامة الاسلامیه الی هذا الیوم والی قیام الساعة وکل هذا بجنایة شیعته الذین حرضوه بجهل وغرور ورغبة فی الفتنة والفرقة والشر

"این همه کوششی که این افراد خیر خواه برای منصرف کردن حسین بن علی از سفر کوفه کردند بی نتیجه ماند و سرانجام حسین اقدام بسفری کرد که برای خودش و برای اسلام و برای امت مسلمان تا امروز و تا قیامت زیان آور بود و همه این زیانها بسبب جنایتی بود که شیعیان وی مرتکب شدند زیرا شیعیان او بودند که از روی نادانی و غرور و حب فتنه انگیزی و ایجاد شر و اختلاف حسین بن علی را برای

www.kitabmart.in

قیام و سفر عراق بر انگیخته "

تا اینجا بود سخنان این پنج نفر که "شهید جاوید" آنها را نقل کرده و سپس سعی در اظهار نقاط ضعف در آنها بخرج داده است

نظر فراموش شده است که سرچشمه این همه سخنان

حالا صاحب این نظر فراموش شده و پیروش و اینان خودشان که اینها زده اند راضی نباشند و خواسته باشند یا حالا بخواهند که رد آنها کنند. ولی متاسفانه با آن نظر خودشان دیگران باید همین نتیجه را بگیرند و اگرچه تعبیرات مختلف است ولی روح مطلب صاحبان آن نظر همین می باشد که این پنج نفر یا هم نظرهای آنان می گویند یا بگویند یا پیش از آن عمال حکومت یزید تهمتها با هم حسین زده باشند یا حالا اتباع شان بزنند

نماینده آن نظر از اینان گله دارد که اینان تجاوز حکومت یزید را نسبت با هم از نظر دور داشته و توجه نکرده اند که عمال حکومت سر نیزه با بحضرت تهاجم کردند ——— این نویسندگان اهل سنت

www.kitabmart.in

چون تهاجم حکومت یزیدی را بحساب نیاورده اند
در درک ماهیت قیام امام و چرا انشناخته شده
و نتوانسته یا نخواسته اند تشخیص دهند که عامل
اصلی این حادثه خونین حکومت نابکار یزیدی
بوده نه حسین بن علی" (۱)

ولی این "نویسنده شیعی" را چه کنیم که حسب
موازین دستگاه حکومت و حسب موازین تروده اهل
و حسب موازین خاورشناسان در همه مراحل
تهاجمات حکومت سبیش را در تظاهرات و
محاولات و افکار و اعمال حضرت امام حسین نشان
میدهد

مثلاً در زمان قیام مکه می گوید:

ص ۱۹۳ "منظور آنحضرت این بود که خلافت تحمیلی
یزید را نپذیرد و علت نپذیرفتن خلافت یزید را
برای مردم بیان فرماید و ضمناً اوضاع سیاسی عراق و
قدرت نظامی خویش را ارزیابی کند تا در صورتیکه شرائط
مساعد باشد خلافت اسلامی را بمرکز اصلی خود برگرداند

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۸۳ - ۱۸۳

www.kitabmart.in

(خودش می گوید) بدیهی است از هنگامیکه امام حسین
از مدینه بقصد هجرت فرمود طبعاً از طرف سازمان حکومت
همه کارهای آنحضرت را زیر نظر گرفته و اوضاع و احوال وی
را به یزید گزارش می دادند و این وضع تا چهار ماه
ادامه داشت "

با این عبارت [illegible] می کند برای حکومت یزید که
چرا امام مکه بر حضرت تهاجم کردند؟ آیا عمال یزید در
حوالی مکه تهاجم بیشتر از این لازم دارند که بگویند
سیو نه نقیه دارند

شهید جاوید ص ۱۹۳ "بدیهی است شخصیت اجتماعی عظیمی که
امام در بین مردم داشت در میان ملت مسلمان خصوصا
شیعیان علی [illegible] بطوری شدیدی بوجود آمده بود که مردمی که
از اطراف کشور وسیع اسلامی بمکه می آمدند با عشق و
علاقه فراوانی بخانه فرزند معمر می رفتند و پرسشهای
از مردم درباره مسائل مورد علاقه خود سوالاتی می کردند
و جواب می شنیدند

www.kitabmart.in

این اجتماعات مرتب در مکه در حضور امام تشکیل می شد
و هر چه بر مدت توقف آنحضرت افزوده می شد توجه
مردم باین مسئله جدید یعنی امتناع امام از بیعت بیشتر
بیشتر می گشت —

خبر این جریانات توسط کاروانهائی که بمکه می آمدند
بسایر شهرستانها منتقل می شد و هر روز بیش از روز پیش
منتشر می گشت و بعنوان خبر روز در همه جا بین می گشت
و بیش از هر حادثه دیگری جلب توجه محافل سیاسی را
کرده بود "

به به — یک محامی رسمی حکومت شام در
مجمع بین المللی از جانب یزید بهتر از این چه حمایتی
می تواند بکند و بجنب این تصویری که این محامی مجانی
کرده است نتیجه بدست می آید که اگر یزید در این حال
در مکه بر امام سخت می گرفت، چه می کرد؟
آیا حکومت خود از دست می داد. بجنب قاعده
عمری و عقلائی که حکیم سعدی گفته است:

سر چشمه شاید گرفتن بیل چو پر شد نشاید گذشتن بپیل

www.kitabmart.in

این عجب نوشته است که چیزهائی را که حضرت
بطوان عذر از جانب خود پیش آورده، این شخص
انها را لباسی می پوشاند که از جانب حکومت حجت
باشد بر علیه حضرت و عذر تهاجم باشد بر آنجناب.
مثلاً در ص ۲۲۴ که خطبهٔ امام را نقل کرده در حضور حرو
لشکر اردوی هزار نفری سوارانی که با او بودند - اصل خطبه
عبارت خودش این است :-
ای مردم! من می خواهم دلیل حرکت خود را بسوی
کوفه در پیشگاه خداوند برای شما بیان کنم. من بسوی
کوفه حرکت نکردم مگر بعد از آنکه نامه و فرستادگان
شما آمدند و گفتند ما رهبر و زمامدار نداریم. تا
رهبری ما را بپذیری تا خدا بوسیلهٔ رهبری و زمامداری
تو ما را بر حق و راستی مجتمع سازد، اینک من آمدم
پس اگر شما هنوز بر همان عقیده هستید و با من
عهد و پیمان می بندید که در پناه ما باشید، در حضور
شما می آیم و اگر پیمان نمی بندید و در پناه ما
کوشا نیستید، من از اینجا برمی گردم"

www.kitabmart.in

معلوم است که این خطاب بسوی آن جماعت خصوصا نیست بلکه چون آنها اهل کوفه بودند، از این جهت "فرستادگان شما" و "شما هنوز بر همان عقیده" هستید، این همه تخاطبها بنوع اهل کوفه است و در این هیچ تردیدی برای این جماعت که جلو حضرت است و آنها نظر میان رسمی حکومت اموی اند نیست که آنها قلادهٔ اطاعت حکومت خویش را از گردن خود شان بیرون کنند و با حضرت بپیوندند ولی این دو نسبت که قلم برداشته گانه، برای اثبات دعوای حکومت یزید بر حسین "باغی است و بر ضد حکومت خروج کرده" این خطبهٔ ساده را رخت سیاست پوشانیده در حاشیه می گوید:-

"می خواهید اگر ممکن باشد حرب یزید وارد دوی او را بسوی خود جلب کند تا در مبارزه با حکومت یزید با آنحضرت همکاری کند".

اگر این طرز فکر حضرت در خطبه باشد آن مرتبهٔ فصاحت و بلاغت با شئی علوی یکی از معائب یزید را نمی شمرد

www.kitabmart.in

وفضائل خود و احادیث نبوی که اثبات حقیقت آدمی کرد
و ثواب جهاد و اجر نصرت حق را پیش می نهاد،
نه اینکه با الفاظ خشک ساده با آنها بگوید که اگر شما
بر آن کافر نیستید من می آیم و الا برمی گردم
کسی که تشکیل حکومت، مبارزه عسکری با یزید را
برای خود فرض لازم بداند آیا همین طریق را اختیار
می کند؟

ولی نویسنده "شهید جاوید" بخواهد یا نخواهد،
در دست حکومت چیزیک سندی می دهد برای جلوگیری از
حرکت حسینی که او می خواست در قشون انتشار دهد
احظارات پیدا کند و آنها را ترغیب می کرد که بر ضد حکومت
خود راه طغیان اختیار کنند و در این وقت هر مالدار
بود که برای صیانت نظام حکومت خود هرچه خواهیم بکنیم

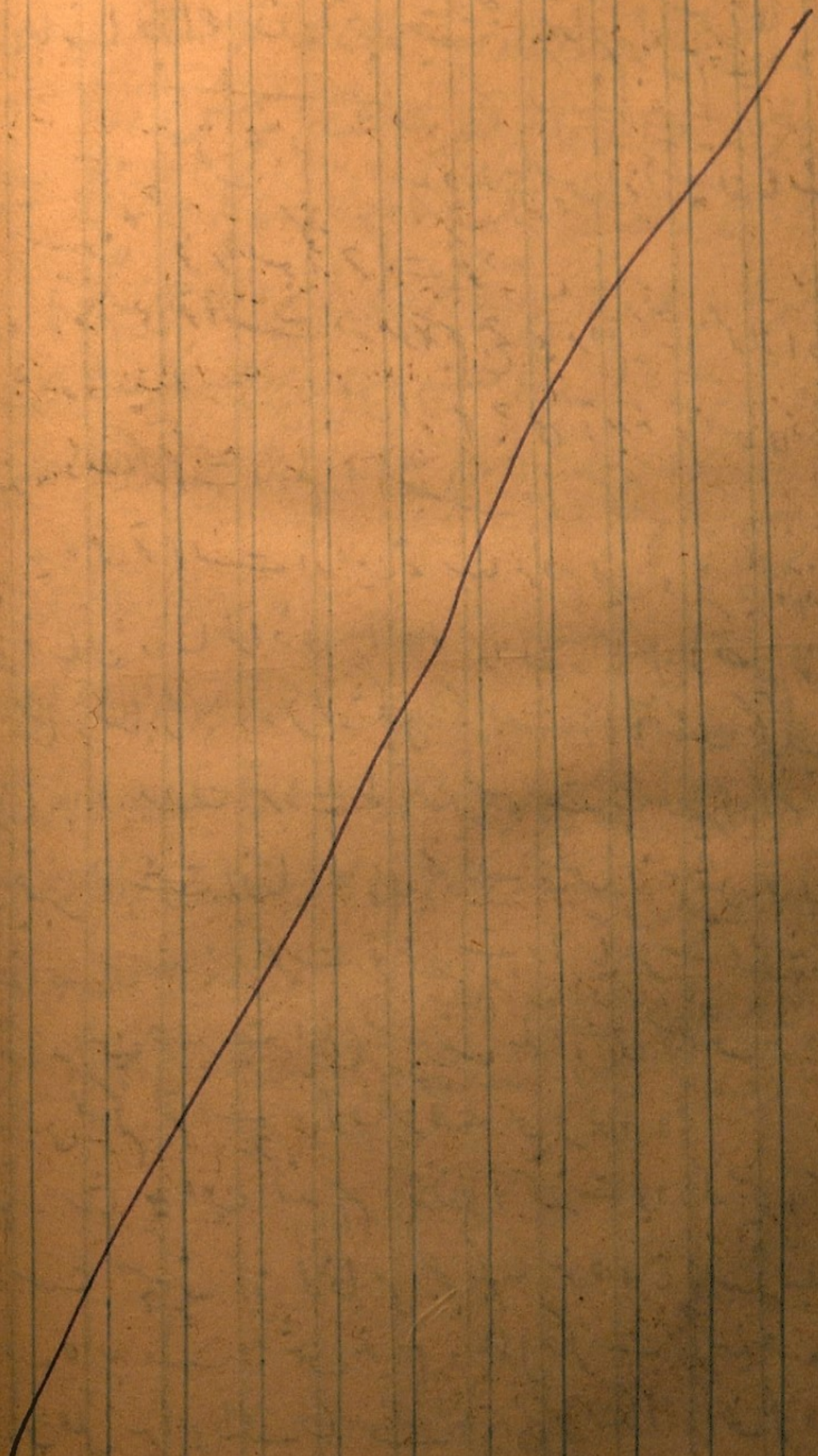
www.kitabmart.in

بازابداء عذر اجابت نمودن در تهاجم بر امام پیش از تمامیت حج

شهید جاوید ص ۲۰۶ "بدو علت پس از رسیدن نامهٔ مسلم
امام حسین ع فوراً بسوی کوفه حرکت نکرد
۱- امام می توانست در موسم حج با مردم مختلفی که از اطراف
کشور وسیع اسلامی برای انجام حج می آمدند تماسهای حاصل
کند و مذاکرات لازم را که بسود او می کمک می کرد با آنان
بنماید می توانست در این تماسها مردم یمن و افریقا و آذربایجان
خراسان و سائر اقطار اسلامی را بطور کامل از تصمیم خود
آگاه سازد و در تشکیل حکومت از آنان کمک
بخواهد و بدون تردید با آن محبوبیت و نظری که فرزند
پیغمبر داشت افکار مردم مختلف بیش از پیش بسوی او
متوجه می شد دعوت آنحضرت را با خرسندی می پذیرفتند
و در این صورت امام حسین با وضعی مطمئن تر و
موقعی محکم تر بسوی کوفه حرکت می فرمود
۲- شاید این نکته هم در نظر آنحضرت بوده که میخواسته
است پیش از انجام حج بکوفه نرود تا وسیله بدست
سوء استفاده دشمن ندهد و عمال حکومت نگویند حسین
ابن علی برای طلب حکومت از خانه خدا اعراض کرده
و از انجام مراسم حج که از شعائر بزرگ اسلامی است سر باز زده است

۳۷

www.kitabmart.in



www.kitabmart.in

نکته لائق تامل

حسب نظر فراموش شده تشکیل حکومت برای (۱)
وظیفه لازم است پس اگر امام برای ادامه این وظیفه
امسال این حج را که برای حضرت وظیفه واجبی نیست
(چون معلوم است که آنحضرت بیش از این چندین بار
بحج آمده بود) ترک میکند حسب اصل عقلائی و
موازین شرعی عیبی ندارد و نظر شان در تاریخ اسلام پیش
از این موجود است که کسانیکه تشکیل حکومت را یک
وظیفه مهم می دانستند او را بر کارهای دیگر حتی بر دین
حضرت جد اعلی صلی الله علیه و آله وسلم مقدم کردند —
ولی جناب شهید جاوید گفته اند امام خواست که پیش
از انجام حج بکوفه نرود تا وسیله تبلیغات بدست
دشمن ندهد و عمال حکومت نگویند حسین بن علی
برای طلب حکومت از خانه خدا اعراض کرده "
لازمش این است که حضرت این معنی را برای صفحه
اخلاقش یک لکه سیاه می داند که طلب حکومت را مقدم
بر حج کرده باشد — معلوم می شود که تشکیل حکومت

www.kitabmart.in

چیزی نیست که از فرائض امام باشد و هرگاه این
تبلیغ حکومتی را امام برای اخلاق بلندش نکند لکه سیاه
می داند پس کسی که می خواهد این تبلیغ بکند یا می گوید که
اصل مقصود امام علیه السلام از قیام خود تشکیل حکومت بود
آیا امام از آن راضی خواهد بود ؟!

www.kitabmart.in

شگفت آور

نویسنده گرامی در صفحه ۲۴ نوشته که امام می خواست
حرب یزید را در دی کار و ابهت خود جلب کند تا در
مبارزه با حکومت یزید با آنحضرت همکاری کنند،
در ص ۳۰ می نویسد: امام نباید صد کمتر از شش صفحه فاصله
بعد از مصاحبت با حر امام تصمیم مراجعت بحجاز
فرمود می نویسد:
"آنحضرت با این دستور حبل کرد را باره برگشت
کاروان صادر کرد با حر یزید می فهماند که امام
تمام قوای از جنگ پرهیز می کند دشمنیست
این مرد صلح و اصلاح را آزاد بگذارند و اگر خواست
مراجعت کند مزاحم وی نشوند"
حالا نسبت بکسی که سلاش مبارزه سیاسی پیش
چنین نوشته این نویسنده ظاهر شده باشد، چطور
می فهمد که حضرت با تمام قوای از جنگ پرهیز می کند؟
حل این مسئله برعهده این نویسنده است.

۱۲۴۱

www.kitabmart.in

حمایت یزید بنوع دیگر

چیز عجیبی را که سبب دفاع از حضرت سید الشهداء
است و اثبات می کند که آنحضرت خونخواه طلب نبوده بلکه
برای رضای خدا و کرد کار باخود می دکتور اقبال که از مفکرین
اہل سنت است گفته:

مدعایش سلطنت بودی اگر خود نکردی با چنین سامان سفر

— این شخص رضی می پوشاند که اینها دلیل این مطلب نباشد

چنانکه می گوید:—

ص ۲۸۲ " آنچه درباره خاندان امام می توان گفت
اینست که چون مسافرت آنحضرت بمکه بقصد توقف در
حرم خدا و ارزیابی اوضاع سیاسی و قدرت نظامی خویش
پیرو معلوم نبود که مدت اقامت امام حسین در مکه چقدر
خواهد بود برای اینکه از نزدیک از حال خاندانش آگاه
باشد در نگهداری و حمایت آنان بکوشد عائله خویش را
بمکه برد و پس از چهار ماه و پنج روز توقف در مکه و تحت
احساس خطر کردن سوی کوفه حرکت کرد و از قرائن

www.kitabmart.in

حمایت یزید بنوع دیگر

چیزهائی را که سبب دفاع از حضرت سید الشهداء است و اثبات می‌کند که آنحضرت خونخوار طلب نبود، از بردن زنان و کودکان با خود، می دکتور اقبال که از مغرضین ایرانست است گفته:

مدعایش سلطنت بودی اگر خود نکرد با چنین سامان و تجهیز این شخص رضی می پوشاند که اینها دلیل بر طلب نباشد چنانکه می گوید:—

ص ۲۸۲ ،، آنچه درباره خاندان امام می توان گفت اینست که چون مسافرت آنحضرت بمکه بقصد توقف در حرم خدا وارزیابی اوضاع سیاسی و قدرت نظامی خویش پیرو معلوم نبود که مدت اقامت امام حسین در مکه چقدر خواهد بود برای اینکه از نزدیک از حال خاندانش آگاه باشد و در نگهداری و حمایت آنان بکوشد عائله خویش را بمکه برد و پس از چهار ماه و پنج روز توقف در مکه و تکمیل احساس خطر کردن سوی کوفه حرکت کرد و از قرائن

www.kitabmart.in

یک نکته

نگارنده‌ای که رضا مدارد گفته شود که بشهادت امام حسین اسلام زنده شد و در ضمن رد این می گوید:—

"امام حسین پس از برخورد با حر بن یزید تصمیم گرفت به حجاز برگردد و وی این مطلب با فشاری زیادی گرد تا آنجا که از آن هنگام تا شروع جنگ حد اقل پنج دفعه پیش نهاد مراجعت و ترک خصومت نمود و نیز روز عاشورا، قشون دشمن را از کشتن خود برحذر داشت و برای جلوگیری از جنگ و خونریزی کوشش بسیار کرد.

آیا اینکه امام تصمیم گرفت به حجاز برگردد و چند دفعه پیشنهاد ترک خصومت کرد و نیز قشون ابن سعد را از کشتن خود برحذر داشت نمی خواست با کشته شدن وی اسلام زنده گردد؟ آیا حضرت از زنده شدن اسلام ناراضی بوده است" (۱)

بعد از یک صفحه می نویسد:—

(۱) شهید جاوید ص ۳۳۱

www.kitabmart.in

"آنچه حقیقت است اینست که مقاومت و مبارزه
مردانه امام حسین علیه السلام تا سرحد شهادت
در راه اسلام و برای زنده کردن احکام قرآن بود" (۱)
حالا باید پرسید آیا اینکه امام تصمیم گرفت به حجاز
برگردد و چند دفعه پیشنهاد ترک خصومت کرد و نیز
خون این سه را از رگهای خون خویش برخود
داشت، بی خواست با مبارزه مردانه اش تا
سرحد شهادت سودی برای اسلام شود و احکام قرآن
زنده گردد؟

جواب حلّی

جواب این مسئله از معروضات قبلی معلوم می شود.
اصلاً موقف حسینی امتناع از بیعت یزید بود هرگونه
که باشد. اگر یزید این زیاد نگذارند که در مدینه
بماند و گوشه نشین باشد امام برای این حاضر
ولی می داند که آنها بواسطه شقاوت خویش
نمی گذارند.

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۲

www.kitabmart.in

اگر بگذارند شمه ای از تعرض ملحق سازد چنانکه
در تواریخ است که امام پیش بها داین معنی کرد یا از حدود
عرب بیرون رود و در افق از آفاق دیاحتی مثل سند برود
چنانکه مابین مردم سند اشتهار دارد که حضرت
فرمود مرا بگذارید که بسر زمین سند بروم و بوسندی برای
این در کتب تواریخ سندا و تا حال بنظر نرسیده باز هم
حضرت بقاد خود سبب بقاء اسلام می شود اگر بگذارند
و امام بعقل و نظر خود که حکمه و عقل و نظر بغیر بود —
نه تنها علم لدنی بلکه ملاحظه در طبایع و شقاوت آنها
که از حال آنها ظاهر بود می دانست رنمی گذارند
پس بعد از آن همه تصمیمها امام تصمیم داشت که تا حد
آخر که مرتبه شهادت است بر همین اشتباع از سنت جده
قائم خواهد چنانکه ماند و مرتبه شهادت رسید پس سبب
بقاء اسلام شهادت حضرت شد نه بقای حضرت
بر تخت خود تا حد یکه بشهادت رسید

www.kitabmart.in

منطق بسیار انتیکه

نویسنده محترم بعنوان "شکست علمی" می نویسد
"بعضی از بزرگان فرموده اند:
"در سراسر قصه شیعه حدیثی از امام حسین نقل نشده
و بعضی فرموده اند فقط یک حدیث از آنحضرت
نقل شده است"

"اگر امام در این قیام شهید نمی شد، خلافت اسلامی
را بمرکز اصلی خود باز میگرداند در اینصورت مثل پدر
بزرگوارش در مسجد کوفه خطبه ها می خواند و برای عزل و
نصب حکام و فرمانها صادر می نمود و در پرتو شناسائی
از حقایق قرآن و اسلام پرده برمی داشت و شاگردان
فراوانی در تفسیر و حدیث و سایر علوم اسلامی تربیت
می کرد و جهانی را از علوم قرآن و حدیث پر می نمود"

(باز می گوید)
اگر امام حسین علیه السلام نیز مثل پدر بزرگوارش زمام امور را
بدست می گرفت و حداقل ده سال بر مردم حکومت
می کرد نهج البلاغه ها از وی بیادگار می ماند و آثار

www.kitabmart.in

گران بهائی بصورت خطبه ها، نامه ها، دعاها و
احادیث و اخبار اسلامی از حضرت در اختیار
مردم قرار می گرفت (۱)
بعد از این می سراید:-
"اگر در مرحله سوم قیام بهانظور که خواست
امام بود ترک حضرت می شد و سپر شمشیر بدست
برمی گشت و پس از مرگ یزید یا خلافت اسلامی را
بر کنار اصلی خود باز میگرداند و یا در وصفی شایسته وضع
حضرت سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام بسیر میرد
و در پرده و صورت آثار گرانبهائی از علوم
اسلامی از آنحضرت بیادگار می ماند. ولی
بزار افسوس که آنوجود مقدس شمشیر ظلم و استبداد
شکسته شد و جهان اسلام از فیض وجودش
محروم گشت (۲)
بشنید این منطق شگفت او را که در تمام
زندگانی حضرت امام حسین" کمتر یافتی او دقیقه
سکوت است و بعد از وفات امیرالمومنین علیه السلام

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۵ (۲) ایضاً ص ۳۴۶

www.kitabmart.in

بیست سال و بعد از وفات حضرت امام حسن در دوره
امامت خودش ده سال، در سه مدت از امام حسین
هیچ حدیثی یا بجز یک حدیثی نقل نشد که آنحضرت بیش از
بیست سال یا ده سال گفته شده بود. ولی فوراً بعد
از شهادتش از حضرت سجاد، امام محمد باقر علیهما السلام
با اینکه ایشان برسریر خلافت نبودند آثار گران بهائی
از علوم اسلامی یادگار نمی ماند -

آیا از این حقیقت نمی توانیم این نتیجه را بگیریم که
هرگاه آید کشتار شهادت حضرت امام حسین جهان
اخلاق شده بود از خلافت معاویه بوجود آمده بود که
رجوع مردم بحضرت امام حسین اینقدر کم بود اما
بعد از شهادتش چنان شد که خلق ناس از حضرت باقر
بیست پنجمبر مائل شد که از جانشینان آنحضرت که سه
سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام بودند آثار گرانبهائی
یادگار ماند

www.kitabmart.in

محصول تربیتی

در این بخش اول کتاب آنچه گفته شد از نظر تربیتی می خواند بعد گردد. بیان نظر مقبول مذاهل را جمع بقیام حضرت سید الشهداء که بعد از قرن چهارم و ماقبل قرن چهارم تا حال در میان علما شیعه مرکز اتفاق بوده و هست و نظر دیگری که در قرن چهارم هجری از یکدیگر بوده و نظر دیگری که در قرن چهارم هجری از یکدیگر آمده و گفته شد که خان بجان آوریم لاجرم سیر دیگر و نگرش دیگری اعتنائی و فراموش شدگی آمده و تا زمان ما آمده و از اذهان و ضمیر دل آورده منظر عام آورده و چه فرق است

فرق اساسی

نظر مقبول این است که حضرت امام حسین برای حیات دین جد شش ماهه خود را بمیدان جنگ فرستاد و در اول امر چون انکار نموده بود که می دانست نه تنها علم لدنی بلکه علم عادی نیز فوق انسان هم، که نتیجه این انکار چه بوقوع خواهد رسید ولی او حفظ از اساس دین را از جان و مال و اولاد و همه مقدم داشته برای نگهداری دین برای رضای خدا در این راه هر سختی بگرد خاطر بود تا آخر بران استوار ماند تا اینکه بسر حد شهادت رسید.

www.kitabmart.in

نظر فراموش شده این است که آنحضرت برای
تشکیل حکومت نامید پیروزی قیام زید دل جریان
احوال برخلاف امید شروع شد و بالاخره همین اشتباه
بود که سبب کشته شدن وی و کشته شدن اصحاب و
اقرباو اولاد و دیگر اعضای خانوادگی که خانه بعمر بود
و اسیر شدن خاندان وی گردید.

حالا هر کس عاطفه سنتی می تواند حکم نماید که جواب
او با این نظر فراموش شده موافقت دارد یا نه.

ما بفضل خداوندی در این بخش اساس این نظر دوم
را کنده خشت های او را یکی یکی از زمین در چیده دور
انداخته ایم اما تفصیل نظر اول که معقول است که
در کتاب بزرگ ما که باسم "شهید انسانیت"
در سند پاک معروف و متداول است و تا حال
چهار دفعه در لکهنؤ (سنه ۱۹۵۱) و لاهور (پاکستان)
بچاپ رسیده است معلوم می شود.

www.kitabmart.in

اگر توفیق خدا ازلی مساعد گردد پیشنهای نعمی خلاصه
مندرجات «شریف انسانیت» را برای برادران ایرانی
تهیه خواهم نوشت. والله المستعان
و علیه التکلان.

علی نقی النقوی
(علی گڑھ - ہند)
۱۳۹۴ھ
۲ر ستمبر

www.kitabmart.in

تتمه مهمه

نظر علم الهدی سید مرتضی علیه الرحمه

با نقد آن

چون عمده بنائے "شهید جاوید" بر نظر سید است که مصنف آن کتاب آن را دوتا می شمارد و می گوید: "نظری را که دو عالم بزرگ شیعه مرحوم سید مرتضی علم الهدی و مرحوم شیخ طوسی قدس سرهما در "تنزیه الانبیاء" و "تلخیص الشافی" درباره انصراف رحمت بر امام حسین علیه السلام اظهار کرده اند بتفصیل مورد بحث قرار داده تا تحقیق تاریخی دانشمندان این بزرگ شیعه با اسلوبی تازه و زنده در دسترس مردم فارسی زبان قرار گیرد. پس آنچه در این کتاب آورده ها نیست که دو عالم بزرگ نامبرده گفته اند."

(شهید جاوید ص ۴۳۸)

ولی معلوم است که تلخیص الشافی و تصنیفی مستقل از قلم مرحوم شیخ طوسی نیست بلکه اصل الشافی تصنیف مرحوم سید مرتضی است و از همان جهت عباراتی که در تنزیه الانبیاء است بعینه الفاظ آن در تلخیص الشافی درج شده معلوم است که اگر شیخ الطائفه خود تلخیص نوشته آن را مرتب باشد ممکن است که عبارت او عبارات مصنف دیگر متحد باشد.

از این جهت این نظر نظر دو نفر نیست بلکه همان نظر سید است که

www.kitabmart.in

او در دو تا از مؤلفاتش بیان یک عبارت درج نموده است
پس می خواهیم ببین نظر سید در این قضیه چه بوده تا ببینیم
که آیا به حق است یا نه

سید و انظار سید

شکی نیست که سید علم الهدی یکی از برجسته ترین
علمای شیعه در سیصد سال اخیر بوده است ولی نمی توان بسیاری
از نظریات او را بدون چون و چرا پذیرفت چه
خود او نیز یک چیز است و بررسی بحقانیت و اصابت آراء چیز
دیگری است و این حقیقتی است که از مطالعه کتب فقهیه و اصولیه
او بر هر کسی ثابت و مستدل می شود که نوع
نظریاتی که او در فقه و در اصول فقه و حتی در علم کلام نزد
محققین ابدی مورد قبول نشده و معلوم است که اینها علومی بوده
که سید متخصص در آنها بوده - چه بسا اشخاص که حتی در علمی
بابی نداشته اند چه طور نظریات و اجتهادات آنها را قبول کنیم
مجرد اینکه سید نظر داده یا گفته است رضی دلیل نیست

و اما نزدیکی زمان ایشان به معصوم علیهم السلام پس چنانکه محققین
گفته اند در نقل احادیث و روایات اعتماد بر کسانی که نزدیک از
معصومین بوده اند بیشتر است ولی بسبب اخذ نتایج و بررسی
بقایای نظریات متأخرین اقرب به واقع است از نظر متقدمین دلالة

www.kitabmart.in

باید در فقه قضاوت حنیف اسکافی و ابن عقیل عمان
را سنت نقادی شیخ از نظر و فقه و علامه بیشتر امت به سیم
و نظر ابن حنبل را و نظر ابن قبه رازی را در اصول فقه است
و نظر شیخ مرتضی انصاری را در فرائد خراسان و میرزای نائینی
و صدر است که این طریقه نقد فقها و دعا در این زمینه ها مردود و
مردود گردیده و عمده اعتماد بر افکار و آراء قرن است که در این زمینه ها
بیشتر در اعماق می رسد و این سیر در افکار و اعمال بسیار آشکار است

ایرادی که در دفع آن
سعید نظر خود را ابراز نموده

این ایراد را سعید بعبارات پسندیده بیان فرموده که شاید خود
ایراد کننده با این قوت بیان و ذلاقت لسان نمی توانست آن را
وارد کند. پس اولا ما آن اغلاطی را که در ایراد هست یکی یکی می نویسیم
سپس می رویم سر نظریه سعید ابراز فرموده و مبانی قوا که در آن است
تقدیم می نماییم و چون ما در این موضع کتابی مستقل بعربی
نوشته ایم "السبحان فی موقفیها" و هم بسیاری
از اجزاء مهم آن در کتاب "شیعه انسانیت" نوشته شده
از این جهت اینجا مجملا نگاشته می آید و تفصیل را از آن کتب می خواهیم
حالا شروع به تقریر اغلاطی که در ایراد است لازم می نماید

www.kitabmart.in

غلط اوّل

"بچہ علت روش سیاسی حسین بن علی علیہ السلام مخالف روش برادرش حسن علیہ السلام بود وچگونہ می توان روش این دو امام را یکسان دانست تا آنکہ ظاہر اینکہ یکسان نبود؟"

جواب آن

بدان علت کہ روش سیاسی حضرت پیغمبرؐ در مکہ با روش خود ش کہ بعد از ہجرت بمدینہ بود مخالف بود و روش حضرتؐ در بعد از احد و خندق و خیبر مخالف روش خود ش در حدیبیہ بود و همین طور روش سیاسی حضرت علی مرتضیٰؑ در مکہ پیش از ہجرت رسولؐ مخالف روش خود ش در مدینہ پیش از حدیبیہ بود و روش او در مدینہ پیش از حدیبیہ مخالف روش خود ش در حدیبیہ بود و روش او در زمان پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مخالف با روش او بعد پیغمبرؐ تا بست و پنج سال بود و روش او در این بست و پنج سال مخالف با روش او در پنج سال اخیری از عمر خود ش بود پس ہر گونہ روش پیغمبرؐ را در ادوار حیات وے و روش حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام را در دورہ ہای زندگانی وے می توان یکسان دانست همان طور روش این دو امام را در دو ہائے ہر یک می توان یکسان دانست تفصیلش موکول است بہمان دو کتاب نامبردہ ما کہ پیش از این ذکر نمودیم

www.kitabmart.in

غلط دوم

امام حسینؑ وقتی با خانوادهٔ خود بسوی کوفه حرکت کرد که دشمنانش بر آن شهر مسلط بودند و حاکم یزید بر کوفه فرمان می راند. با اینکه آنحضرت دیده بود مردم کوفه با پدر و برادرش چه کردند و آنان بی وفا و خائن هستند

دفع آن

حضرت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم هم با خانوادهٔ خود بسوی مدینه حرکت کرده بود در حالیکه بنو امیه بر آن شهر از حیث ثروت و قدرت مسلط بودند چون جماعتی از اهالی آن شهر آنحضرت را برای هدایت و راه نمائی دینی طلب کرده بودند همین طور جماعتی از اهل کوفه حضرت امام حسینؑ را برای همان راه نمائی طلب کردند. حضرت پیغمبرؐ هم مقصودش اقوال و بالذات از این برود ثروت و اقتدار مادی نبود که در آن شهر بودند نبود" ولی چون آنها مزاحمت در راه اصلاحات دینی حضرت نمودند از این جهت مانع آنها و حضرت تصادم واقع شد که منجر بهلاکت آنها شد، همین طور اگر اول مقصود حضرت امام حسینؑ از اول استیصال حکومت مادی یزید نبود و از این جهت جناب مسلم بن عقیل رضوان اللہ علیہ که مامور از طرف حضرت بود تعرض با نعمان بن بشیر نمود و نتیجه اش این شد که نعمان هم دستور برای مزاحمت در مقابل آنان نمی داد و کسانیکه حضرت امام را طلبیده بودند هیچ غدر و خیانتی از آنها ظاهر نشد

www.kitabmart.in

نرسیده بود و بعد هم از آنها خبری بظهور نرسید، ولی با استیلای
عبید الله بن زیاد بر کوفه او ضاع چنان تغییر یافت که آنها نتوانستند
عوام اهل کوفه را از متابعت ابن زیاد جلوگیری کنند و معلوم است که
علم امامت و لوحاوی همه این انقلابها بوده می باشد ولی
پیغمبر علیه السلام مکلف می باشند که با سباب و آثار عالیه عمل کنند
و بر پیش آمدهائی که هنوز معجزه غیب مستور است ترتیب
آثار ربوبی داخل وظیفه انبیاء نیست.

غلط سوم

چگونه نظر او با نظر به اصلی پیش مخالف بود زیرا ابن
عباس او را از رفتن کوفه پرحذر می داشت چون می دانست در این راه
بلاء است و عبد الله عمر وقتیکه با او وداع کرد گفت ترا بخدا می سپارم
اے کشته و برادرش محمد نیز مخالف بود و غیر از این عده چند افرادی
که بادی در این باره سخن گفتند با این سفر مخالف بودند.

جواب

آنها نظری که داشتند از جهات مادی بود چون آنها خیال می کردند
مقصود حضرت غلبه عسکری است و استیصال حکومت یزید و استیلاء
بر بلاد اسلام پس می گفتند که اوضاع مقتضی این معنی نیست و حضرت
هیچ وقت تخطئه نظر آنها از این وجه نکرد بلکه غالبا قصد تی خود را که
شما راست می گوئید و نظر شما درست است و بحسب ظواهر این طور

www.kitabmart.in

از این جا که شما در نظر دارید برای شما درست است ولی با این
از عزیمت خود دش منصرف نگشت . از این جا باید فهمید که نظر
حضرت از جایی که آنها در نظر داشته بارای آنها مخالف نبود ولی
جایی دیگری بنظر حضرت بود که آنها ملتفت بآن نبودند و ظرف
زمان مساعد نبود که حضرت پرده از آن جایگاه بردارد از این جهت
سر بسته اقدام خود را مبنی بر مشیت الهی و تقدیر حق سبحانه
و تعالی دانست و معنی حواله دادن بمشیت الهی همین است که
این اقدام من مبنی بر مصالحی است که شما نمی دانید پس تأمل بر

غلط چهارم

وقتیکه دانست نمایندهاش مسلم بن عقیل کشته شده چرا
برنگشت با اینکه بلوائی مردم کوفه معلوم شده بود ؟

جواب

اگر عزیمت مسلم کوفه با امید های زرین برق می بود باید بعد از
اطلاع بر کشته شدن مسلم مراجعت فرماید . ولی عزیمت بنا بر دعوت دوستان
مخلص بوده و هنوز بسبب سوانح ظاهری معلوم نیست که آنها از دعوت
خود شان منصرف شده اند ولکن است آنها منتظر قدوم حضرت باشند
و بعد از تشریف آوردن حضرت آنها در نصرت وی جدیت ننمایند و یا
اگر اوضاع مساعد هم شد و آنها نتوانند حق نصرت ادا کنند . باز هم حضرت
دعوت آنها آمده رسید باید آنچه رسید ، لابد یک آتش سوزانی

www.kitabmart.in

در دل آنها افزوده می شود که بدان شدید خان و مان سلطنت یزید را بسوزانند
چنانکه شده و همین جماعت تو آنها را وادار نمود که در مقابله حکومت یزید
جانفشانی کنند و همین بود که مختار بن ابی عبیده ثقفی بآن نهضت و با قاتلان
قاتلان حضرت امام حسین را بکیفر کردار برسانند و عراق را تصرف نمایند
و همین فرده فرده و رسید نقطه که حکومت از دست بنی امیه بیرون رفت

غلط پنجم

چرا با عده ای کم بجنگ سپاه عظیم دشمن رفت که سپاهی که
حکومت مرکزی شام پشتیبان آن بود؟

جواب

نخیر۔ امام حسین بجنگ نرفت بلکه بدعوت اهل کوفه بآن شهر
بیرون آمد تا کسی خیال نکند که بجنگ می رود و تا آخر وقت امکان سعی
فرمود که آتش جنگ افروخته نگردد، آما وقتیکه سپاه عظیم دشمن برایشان
هجوم آورد، دیگر دو مدافعت نه تنها از نفس و عیال خود بلکه از مبدأ دینی
خود که منظورش از نفس و عیال اهم تر بود در مقابله آن سپاه عظیم بحد
امکان جنگ فرمود همچنین جنگ مدافعانه مقدمه بعده همراهان
حضرت و همچنین جنگی مدافعانه که مقصود از او یک نهضت ثمر آور بود
وظیفه شخص حضرت بود چنانکه آن عده کم را هم که فراهم شده بودند در خطبه
شب عاشورا اذن داد که آنها از او جدا شوند و هر جا که بخواهند بروند

www.kitabmart.in

و معنا نیش غیر از این نیست که کار من محتاج شما نیست
بلکه من تنها این مهم را با انجام می رسانم. حالا چه عقلیست در این
مقام مسئله کثرت و قلت را در بین آورد.

غلط ششم

چرا وقتیکه ابن زیاد برادر عرض امان کرد و گفت اگر با یزید بیعت
کنی در امان هستی برای حفظ خون خود و همراهانش بیعت نکرد و خود را
به هلاکت انداخت و در حالیکه برادرش امام حسن حکومت را به معاویه واگذاشت
با اینکه کمتر از امام حسین علیه السلام گرفتار خطر بود؟
خلاصه روش سیاسی این دو برادر با خلیفه می توان یکسان دانست

جواب

اگر بیعت با یزید را حضرت امام حسین برای خود جائز می دانست چرا
در مدینه وقتیکه ولید خواست بیعت شد حضرت بیعت نمی فرمود با اینکه
آن وقت وعده های نصرت از اهل کوفه در بین نبود. از این معلوم می شود
که انکار بیعت یزید منوط با امید یاری نبود که حالا چون آن امید ها مبدل
به ناامیدی شده باید حضرت بیعت با یزید بکنند.

بعد از انکار از بیعت با یزید که حضرت در مدینه نمود، عبدالله بن عباس و امثال
او از کسانیکه سابقا در همین ایراد نظیر ایشان را مسبار مهم دانسته شده، هیچ
کدام از انها با اینکه حضرت را از رفتن بکوفه بر حذر می داشتند، نگفت که چرا بیعت

www.kitabmart.in

با یزید نمی کنی و اصل خط های که حالا در دست است همه ناشی از انکار
بیعت است پس با آن خط ها خود حضرت و هیچ کس از ارباب
نظر و سیاست بیعت حضرت را با یزید چون در اول جائز نداشت
چرا حالا جائز باشد و حقیقت این است که از اول روزی که حضرت
امتناع از بیعت با یزید فرمود برای این خط ها حاضر بود و بهمین
معنای این که حضرت خودش را کشتن داد . ولی این برای حفظ
دین و حیاتی ناموس الهی بود که هیچ گونه امام نمی تواند از آن
انحراف نماید

اما اینکه روش سیاسی این دو برادر را چگونه می توان یکسان
دانست ؟ می گوئیم از این جهت که در موقع امام حسن معاویه کاغذی
ساده فرستاده بود که هرچه خواهید شرائط مصالحه شما بنویسید من
قبول می کنم پس امام حسن شرائطی را نوشت که صیانت مبدأ اقدس
اسلام که حفظ قوانین کتاب و سنت باشد تمام معنی الکلمه می نمود و اینجا
حضرت امام حسین خودش شرائط صلح را عرضه داد و طرف دوم قبول
نکرد پس هر فرقی که هست در روش کسانی هست که مقابل هر دو برادر
بودند . در روش خود دو برادر هیچ گونه اختلاف نیست .

www.kitabmart.in

مسامحات سید در جواب آن

مسامحهٔ اول

سید انعم اگر امام ظن قوی پیدا کرد که می تواند خلافت را قبضه کند و به وظائف زمامداری بپردازد، واجب است برای گرفتن خلافت اقدام کند و اگر هم برای او مشقتی قابل تحمل دارد باید آن را تحمل نماید.

دفع آن

اولاً می گوئیم که هیچ عالمی از غیر معصومین علیهم السلام حق ندارد فتوی دهد بر معصوم که این کار بر او واجب است و این کار بر او حرام است، چه او حاوی نیست بر مصالح و مفاسدی که علم امام بر آن حاوی است پس چه حق دارد که فتوائی بر ایشان اصدار نماید.

و اگر در صورت ظن قوی بر این که خلافت را می تواند قبضه کند، تحصیل خلافت بر او واجب است، چرا حضرت امیر مؤمنان، فتنکه بعد از عثمان مردم خواستند با وی بیعت کنند اولاً امتناع فرمود؟ آیا در این امتناع خودش می خواست ترک واجب کند؟

و حضرت امام حسن، که نه تنها ظن بحصول خلافت داشت بلکه خلافت بر ایش حاصل بود؛ خلافت را بمعاویه سپرد و خود حضرت امام حسین، در وقتیکه والد ازوی طلب بیعت کرد و آن وقت والد، هیچ قوهٔ لشکری با خود نداشت حضرت

www.kitabmart.in

تمام شیران بیشه دلیری باشم با خود داشت و طبع قوی میبایست
بجهت اسباب ظاهر هم مشتاق بود که می تواند ولید و مروان را بکشد
و لازما این وقت خلافت و بر مدینه بلد تمام حجاز مستقیم می شد
و بعد از قطعی بود که عراق و ایران و یمن هم تحت تصرف او می آمد
پس چرا حضرت ترک واجب فرمود و مقدمه آن واجب را که کشتن آن
دو شخص بود عمل نیاورد؟ آیا بنظر سید را قبول کنیم که امام ترک
واجب فرمود یا بگوئیم که نظر سید درست نیست و خلافت را
قبض کردن بر امام واجب نیست.

بعد از این وقتیکه امام در مکه بود سه ماه تا نامه های اهل کوفه
بحضرت رسید چرا خاموش ماند؟
اگر قبض کردن خلافت را بر امام واجب باشد چرا باید انتظار
کرد اهل کوفه نامه ها بنویسند؟ چرا خود بین با اهل کوفه بلکه بهمه اطراف
و مکه نامه ها نه فرستاده و چرا در مکه در مدت سه ماه سخن را نهایی بیجا آورد
نفرمود و چرا اعمال یزید را از مکه بیرون کرده استیلا حاصل نکرد که باین طریق
هم تمام حجاز در دست او می شد و بعد از انکه عراقیها نامه ها بنویسند چرا نهایت
ننوشت که عمال یزید را از کوفه بیرون کنید؟ آیا امام در ادای واجب
باید محتاج بتحریک دیگران باشد و خود شرا ادای این واجب نخواهد؟
سپس وقتیکه مسلم بن عقیل را بکوفه فرستاد چرا امر نفرمود که چون
مردم در دور و بر او اجتماعی ننمایند اول حاکم کوفه نعمان بن بشیر را از
قصر بیرون کند و بر کوفه مستولی شود بعد از ان حضرت امام حسین را

www.kitabmart.in

به کوفه دعوت دهد.

اگر کسی بداند که مقصود حضرت امام حسین قبضه کردن خلافت را بود که بروی بخیال وی واجب بود بپیچ باید بگوید که از اوای واجب بروی بود نعوذ بالله معنی تهاون کردن با اشتباهای مسلسل و فرو گذاشتن هیچ عاقلی چه برسد بامام که از همه عقلای عالم باید بالاتر بود این اشتباها را نمی کند.

اما اینکه امام حسین بسوی کوفه حرکت نکرد مگر وقتیکه مردم کوفه وا داطلب نه بطور رایته لی بوی نامه نوشتند و از روی عزیمت با و عهد و قرار بستند" — می گوئیم این راست است اما وقتیکه حضرت انکار بیعت یزید فرموده بود بچه عهود و مواثیق بود وقتیکه از مدینه بمکه هجرت کرد بچه عهود و مواثیق بود؟ و معلوم است که اصل نهضت حسینی عبارت از همان انکار است. اما حرکت ایشان بسوی کوفه پس یکی از حلقه های وسطی زنجیر نهضتش بود و آن بدعوت اهل کوفه بود خود سید می فرماید:—

"ضمنا هم در زمان معاویه بعد از صلح حضرت مجتبی بزرگان کوفه حضرتش را دعوت بقیام کرده بودند و جوابهای لازم را بآنان داده بودم"

می گوئیم که اگر حالا نهضت حضرت به سبب دعوت اهل کوفه بوقوع آمد، چرا آنوقت دعوت ایشان را قبول نفرموده بود با اینکه آنوقت جماعت اهل کوفه منظم تر از حالا بود و عدهٔ ایشان هم زیادتر بود و اسلحه و اسباب هم مهیا تر بود و سهل است.

www.kitabmart.in

مسامحهٔ دوم

آنگاه که معاویه مرد و برای بار سوم مردم کوفه نامه نوشتند و اظهار اطاعت کردند و بطوری مشتاقانه از امام خواستند که دعوت آنان را برای زعامت پذیرد و آن حضرت دید حاکم کوفه ضعیف است و نیروهای دائم طلب علی براو غلبه دارند و چنین شرائطی ظن قوی پیدا کرد که حرکت وی بسوی کوفه برای تصدی زمام خلافت واجب عینی است و قصور نمی کرد که بعضی از مردم کوفه بی وفائی می کنند و بعضی دیگر از کمک امام ناتوان می گردند و آن حوادث عجیب پیش می آید

دفع آن

اگر حضرت بواسطه ضعف حاکم کوفه قیام نفرمود پس پیش از این حاکم مدینه ولید بن عقبه ضعیف تر از حاکم کوفه بود چون هیچ ارتشی از حکومت شام در مدینه نبود و از همین جهت وقتیکه اهل مدینه خلع حکومت نمودند ارتشی از شام فرستاده نشد و همچنین حاکم مکه عمرو بن سعید ضعیف تر از حاکم کوفه بود و از این جهت عبدالله بن زبیر توانست استقلالا بر مکه نماید چرا حضرت قیام در ضد آنها نفرمود و اما کوفه که از اول مستقر معظمی از ارتشهای حکومت بوده و از این جهت عسکری که با عمر بن سعد در کربلا آمده تماما از اهل کوفه بود و تصریح اهل تاریخ هیچ کس از شیعیان در آن نبود پس چرا حضرت از ضعف حاکم مدینه و حاکم مکه استفاده نکرد

www.kitabmart.in

وبر ضد حاکم کوفه قیام فرمود که چنان ضعیف نبود.

چه طور درست توان دانست این حرف را آنحضرت دید حاکم کوفه ضعیف است
دنیا پرستی و طلب مال بر او غلبه دارند" با اینکه حاکم کوفه بر قصر امارت استیلا
داشت و رؤسای قبائل و عشائر همه حلقه اطاعت او در گردن و معلوم است که
مردم قبائل همه تابع رؤسای آن قبائل می باشند. پس چطور حضرت او را ضعیف
دانست و اشعار اغالب بن علی آنچه مورخین ثبت است این است که
او آنقدر رشادت و شدت نداشت که این سبب حضرت مسلم را بکشد
و ضعف بود که دوستان بنی امیه به یزید نوشتند که "نعمان بن بشیر
ضعیف او ضاعف" یعنی نعمان در واقع ضعیف است یا اظهار
ضعف می کند. پس این ضعف ضعف مادی نبود بلکه
ضعف ارادی بود که ناشی از جبن بود یا از میلی بسوی
اهل بیت پیغمبر یا مقدمات از خوف الهی و خوف محشر.

باید دانست خبر دادن دوستان بنی امیه از ضعف یا تضعیف نعمان بن
بشیر دو سبب داشت یزید نعمان را از حکومت کوفه و مرتب ساخت
عبید الله بن زیاد و بجای او حاکم بصره و نامزد کوفه و نامزد نمود که
کلک "هیچ کدام از این چیزها از مجاری عادات دور نبود که آن را
از حوادث عجیبه شمرده شود و از افعال شیطان آنرا بحساب آورده شود
با اینکه مرتکبین عادی اینها را از اول می فهمند و بر حضرت اظهار

www.kitabmart.in

می داشتند پس چه طور امام که عصمتش مؤید فوق عقل کل باشد
آنها را (نعوذ بالله) نفهمید. با اینکه حضرت حرف بعضی را که
اینگونه پیش آمد بارا اظهار کردند تصویب فرمود و گفت که
راست می گوئی و هر چه گفتی موافق عقل گفتی ولی خداوند هر چه می خواهد
می کند. ما بنده من تابع رضای الهی هستم.
از اینها باید فهمید که هیچ یکی از این پیش آمدها برای حضرت
حادثه عجیبی نبوده و حضرت همه اینها را می دانست. با این همه
قیافه اش از روی نظر برنتابی بوده که هنوز در میدان عمل و در میان
عادی ترین زنان نتوانسته بفهمند و حضرت بجز کرد نتایج این صفت را
جزئی خود لازم می دانست.

www.kitabmart.in

مسامحه سوم

در بیان حوادث عجیب می فرماید:

وقتیکه عبید الله بن زیاد به کوفه آمد و شنیده بود که مسلم در خانه هانی بن عروه مرادی است بشریحی که در قوانین است و شریک بن اعور نیز در خانه هانی بود ابن زیاد برای عیادت شریک آمده و شریک با مسلم موافقت کرده بود تا وقتی ابن زیاد می آید مسلم او را بکشد و برای او امکان داشت ابن زیاد را بکشد ولی نکشت و به گمان ابن زیاد رفت عذر خواهی برای شریک چنین بیان کرد که مشورخدا فرمود، ایمان مانع است که مومن کسی را بطور غافلگیر بکشد و اگر مسلم عبید الله را کشته بود نقشه های ابن زیاد باطل می شد و امام حسین ع بدون مزاحم وارد کوفه می گشت و همه مردم آشکارا بگفته می شتافتند و هر کس در دل خواهان یاری از حضرت بود به نیروهای وی می پیوست و با دشمنانش مبارزه می کرد

نقد آن

می گوئیم میزان حادثه عجیبه چیست؟ این که از نظام طبیعی که غالبا عادی است خارج باشد؟ خلاصه باید دید عامل کدام تصمیم مقاصد حکومت تباهون کند معزول شود خلاف عادت است یا شیئا فشیئا و بمانند آیا اینکه

www.kitabmart.in

خلاف عادت می باشد. ؟ جوابش واضح است که معزول شدن طبیعی است و اگر باقی بماند عجیب است.

کسی که بجای او نصب می شود مانند اولی متهاون باشد، عجیب است یا نهایت سخت گیر باشد، عجیب ماند ؟ جوابش باز واضح است که چون اول بسبب تهاون معزول شد، پس دومین باید نهایت سخت گیر نباشد و اگر نباشد و مانند اول متهاون باشد، عجیب است.

شریک بن اعور که ظاهراً از اصحاب عبید الله بن زیاد بود و از این جهت بالاد از بصره به کوفه آمده بود اگر در قصر امارت نزد خود ابن زیاد رحل اقامت می انداخت یا در جای دیگر پیش یکی از رؤسای قبایل کوفه که از موافقان ابن زیاد بودند عجیب بود یا اینکه او پیش زنی بی عرضه منزل بگیرد که هانی بن مسلم بن نفیل است از اتفاقات حسنه است که از پیش نمی توان حساب آورد و کرد شود ؛ البته این دو امر از اتفاقات غریبه بود، و همچنین ناخوش شدن شریک که وقتی از بصره با ابن زیاد حرکت کرده، هیچ ناخوشی نداشته والا چرا استعفا کرد، اگرچه مانند او هیچ ناخوشی نه داشته باشد، امر غریبی نیست. ولی اینکه او نخواهد با وی منزل گرفت ناخوش شد. اینها از اتفاقاتی است که او را بی تدبیر و غریب تعبیر نمود. علاوه اگر ابن زیاد که حاکم بود در همچنین هنگام دل گرفتگی و مشغولیت عبادت شریک نبیند آیا امر غریب است یا اینکه نخواهد با وی آمد اتفاق غریبی بوده است ؟

حالا مسلم بن عقیل که پرورده سیزده سالگی بود و از نقات متعهد

www.kitabmart.in

امام معصوم بود بر حدیث رسول عمل نمی کرد و این زیاد را غافلگیر می کشت، غریب بود یا اینکه او بر حدیث چیز عمل کرد و او ندانسته کشت؟ این غریب است؟ هر کسی که بمقام تسلیم در ورع و تقوی و اتباع کتاب و سنت پیغمبر مطلع باشد عملش را بر حدیث رسول هیچ گونه شگفتی قرار نمی دهد و اگر نه کشتن مسلم ابن زیاد را عجیب باشد، پس قبل از این نه کشتن حضرت امام حسین مردان و ولید را در مدینه عجیب تر بنظر می آید و معلوم است که اگر امام در این حال مروان و ولید را می کشت نقشه های یزید باطل می شد و امام حسین بدون مزاحم حاکم حجاز می شد و آن وقت از اهل عراق هم هر کس در دل خواهان یاری آن حضرت بود، به شهر و بای وی می پیوست و با دشمنانش جهاد می کرد.

از اینها باید دانست که این بزرگان خط طی داشتند برای کار که با جبای مقدسه آنها مطابقت داشته باشد و هیچ وقت لایه ها را بدامن اتفاقات حسنه نمی زدند

باید دانست که نهضت حسینی (نعوذ بالله) مبنی بر این دو غلط اند تیها نبود که حاکم کوفه ضعیف است و نیروهای طلب طلبی بر او غلبه دارند و در حین شرائط ظن قوی پیدا کرد که حرکت وی بسوی کوفه برای قبضه کردن خلافت واجب عینی است و قصد نمی کرد که بعضی از مردم کوفه بی وفائی کنند و بعض دیگر از کمک امام ناتوان می گردند و آن حوادث عجیب پیش می آید.

www.kitabmart.in

چرا حضرت بآن ظن قوی پیدا کرد و چرا آنها را تصویر می‌کرد
با آنکه مردمان عادی این چیزها را در نظر داشتند و این همه را از اول
گوش حضرت می‌رسانیدند و می‌گفتند که مردم کوفه بی‌وفائی خواهند کرد
و بعضی دیگر از کمک ناتوان می‌گردند. اگر آنها عجب می‌بود و چرا آنها
باین خطاها ملتفت می‌شدند و طوریکه اوّلا گفتیم هیچ‌وقت حضرت
تخطئه آنها نکرد بلکه بعضی از آنها فرمود که آنچه می‌گوئی راست است
و موافق عقل است. پس چرا کسی گمان برد که چیزهائی را که مردمان
عادی می‌فهمیدند حضرت بآن جاهل باشد که باید فوق عقول
عامه باشد آنها را (عیاذاً بالله) نمی‌فهمید حاشاه عن ذلک

هرچه در آخر سنه ۶۰ هجری بوقوع آمد تا آغاز سنه ۶۱ ه با انجام رسید
هیچ‌یک از عجائب و غرائب نبود. ولی اینکه همچون سید مرتضی علم الهدی
نسبت بحضرت سید الشهداء سلام الله علیه این معنی را ملتفت نباشد که
اینها کسانی بودند که بر خطوط رضای الهی گام می‌زدند و مانند ساختمان
از اتفاقات زمانه و از این کوششها لاضیفه است و بعد قوی می‌شود استعفاره
نمی‌کردند و آلا آرتش حر را در حالیکه تشنه بود آب نمی‌داد و از
ضعفه آنها استفاده می‌کرد، لاجرم مثل سید این معانی را ملتفت
نباشد. البته از عجائب و غرائب است،

www.kitabmart.in

مسامحهٔ چهارم

می فرماید :- "منظور از ذکر این مطالب آنست که معلوم کنیم اسباب پیروی امام حسینؑ فراهم بود دلی پیش آمد نامطلوب بود که اوضاع را دگرگون ساخت و شد آنچه شد

گذارش ما

آنچه سابقاً عرض رسانیدیم منظور ما از ذکر آن اینست که ظاهر شود که پیش آمد نامطلوب که بظهور رسید، هیچ غرابتی نداشت که حضرت امام حسینؑ از پیش ملتفت آن نباشد. با آنکه مردمان دیگر آنحضرت را ملتفت هم نمودند و حضرت تصدیق آنها فرمود که راست می گویید. معلم عادی هم آنچه شد از احاطهٔ اطلاع حضرت بیرون نبود پس نهضت حضرت لامحاله برای مقاصدی بود غیر از قبضه نمودن بر حکومت اسلامیه و بر مملکت اسلامیه نحو مادی.

www.kitabmart.in

مسامحهٔ پنجم

هنگامیکه خبر قتل مسلم به امام رسید و با یارانش مشورت کرد
فکر افتاد برگردد ولی برادران مسلم نظر دادند که باید به کوفه برویم
تا انتقام خون برادر را بگیریم و یا آنچه بر سر ما هم بیاید ما هم بچشیم آنگاه
امام فهمید زندگی بدون این عموزادها ارزشی ندارد.

این یک مسامحه مجموعهٔ مسامحه ها است

۱ اولا اینکه امام با یارانش مشورت کرد از روی تاریخ درست نیست
بلکه بعض یاران خودشان خود گفتند که چون امیدی برای ما در کوفه نیست باید
برگردیم

۲ دوم هیچ شاهدی بر این نیست که امام فکر آن را کرد که برگردد بلکه حضرت
برای معارضه برای این بعض خودش بفرزندان عقیل نظر دارد که شما چه می گوئید

۳ سوم - برادران مسلم از خود نظر ندادند بلکه حضرت نظر را از آنها خواسته
از آنها خواست که به او نظر بدهند.

۴ چهارم معلوم است که اگر حضرت فریضهٔ خود را در برگشتن می دید بنظر
برادران مسلم از آن فریضه انحراف نمی جوید بلکه لازم بود که حضرت
آنها را از نظرشان منصرف نماید - لازما باید فهمید که خود حضرت
همین نظر را داشت که نباید برگشت. اما چون رأی آن اصحاب
از روی فکر و تأمل نبود بلکه از شنیدن خبر قتل مسلم تأثری و عواطف

www.kitabmart.in

آنها پدید آمده بود کلیتوان آن نظر نظیر رسید، پس حضرت خواست مقابلهٔ
آن تاثر یک نوع تاثر دیگر یکه در فرزندان عقیل پیدا شده بود بنماید. ولی
اقدام حضرت مبنی بر این تاثرات نبود بلکه بر مصالحی مبتنی بود که مردم
آن وقت نمی دانستند و الآن معلوم است زندگانی
امام و حجت حق چندان ارزش دارد که [redacted] کمتر نیست منظر چند نفر از
عمر زاد ها که تاثری از تاثر وقتی است در عوض تلف آورده شود.

www.kitabmart.in

مسأله ششم

"بعد از جنگ یزید با سربازانش رسیدند و نگذاشتند آنحضرت به حجاز برگردد"

آقای ... فرمودند که "برادران مسلم نظر دادند که باید کنیز یزید را بگیریم تا انتقام خون برادرمان را بگیریم یا آنکه آنچه او چشیده ما هم بچشیم." این گناه است و هیچ فرد زنده‌ای بدون این عمل ارزشی ندارد" و حالا می‌فرمایند که "حرب یزید با سربازانش نگذاشتند آنحضرت به حجاز برگردد" ـــــ آیا این دو حرف با هم تناقض ندارد؟ یعنی حرف اول این بود که حضرت بعد از نظر برادران مسلم دیگر نمی‌خواست بحجاز برگردد ـــ و حالا حرف دوم این است که می‌خواست به حجاز برگردد. ولی حر و سربازان او نگذاشتند؟

www.kitabmart.in

مسامحهٔ هفتم

بسیار اسفناک

در هنگامی که دید نه برگشتن باجاز میسر است و نه رفتن به کوفه، راه شام را پیش گرفت تا با یزید بن معاویه ملاقات کند. چون میدانست یزید با همهٔ خباثتی که دارد از ابن زیاد و یارانش نیست به آنحضرت مهربان تر است و امام بحرکت خود بسوی او ادامه داد تا آنکه عمر بن سعد با سپاه عظیمی آمد و شد آنچه شد که در تواریخ مسطور است

دفع آن

هیچ سندی از تواریخ در دست نیست که حضرت راه شام را پیش گرفته بود. آنچه صحت این است آن وقتی حضرت امام از مقصود حرکه گفته بود من فرستاده شده ام برای اینکه شما را نزد عبید الله بن زیاد ببرم، استنکاف نمود و فرمود این نخواهد شد و از خواسته حضرت که بحجاز برگردد، حر جلوگیری کرد و قریب بود شمشیرها کشیده شود، حر گفت من مامور نیستم که با شما جنگ نمایم، ولی حالا که شما نمی خواهید کوفه بروید و من نمی توانم شما را بگذارم که بسوی حجاز برگردید، پس راه سومی اختیار کنید که نه به کوفه رفته باشد، و نه بحجاز، تا اینکه من به ابن زیاد بنویسم و شما اگر

www.kitabmart.in

خواسته باشند، به یزید بنویسید. آنوقت حضرت خواسته او
این راه را گرفت که بکربلا رسید. اگر حضرت راه شام را پیش
می گرفت، حرچرا می گفت شما اگر خواسته باشید به یزید بنویسید
شگفت آور بلکه اسفناک است این که عالمی مثل سید نتواند
به یزید باهمه خباثتی که دارد از این زیاد و یارانش نسبت
به آنحضرت مهربان تر است!!

با اینکه حقیقت تاریخی این است که یزید پرعاملی را که از طرف
امام حسین طرف معامله اختیار نموده از حکومت معزول کرد
مثل ولید بن عقبه که نظر دوستانه را که همان وقت که حضرت در خانه
یزید بود بیعت یزید نه فوراً بود قبول نکرد
وگفت ان الذی یلقی الله بدم الحسین فخفیف المیزان
یوم القیامة (یعنی) هر کس که پیش خدا برود درحالیکه خون حسین بگردنش
باشد، نامه اعمالش بسیار سبک خواهد بود روز قیامت، او را یزید معزول کرد
چرا؟ چون حضرت امام حسین را نه کشت. نعمان بن بشیر را
که بر حضرت مسلم بن عقیل سخت نه گرفت وگفت تا اقدامی بر ضد ما
نشده من جائز نمی دانم که او را حبس کنم یا خون او را بریزم، یزید
معزول کرد، چرا؟ چون مسلم را نکشت. ولی ابن زیاد که اول
مسلم را بآن فجاعت کشت وبعد حضرت امام حسین را کشت و
خانه آل رسول را تاراج کرد وعترت رسول را اسیر کرد، او را یزید

www.kitabmart.in

تا آخر نفس از زندگانی خود معزول نه کرد. پس چه طور جائز است
کسی بگوید که یزید از ابن زیاد و یارانش نسبت به آنحضرت مهربان تر
بود. چه کاری ابن زیاد کرد که یزید نه کرد یا باو راضی نه شد؟
حتی اینکه ابن زیاد چوب به دندان حضرت زد که زید بن ارقم بخروش
آمد. یزید هم در مجلس خود همین کار را کرد که ابو برزه اسلمی در
برداشتن افسر بن مالک بخروش آمد. پس حالا چه طور می توان
گفت که یزید از ابن زیاد بر حضرت امام حسین مهربان تر بود؟

www.kitabmart.in

مسامحهٔ ششم

اسفناک تر

هنوز سیّد بر این صدمهٔ هولناک که بمقام رفیع حضرت سید الشهداء از قطرهای دور رسیده التفات نمی کند بلکه از این جلوتر رفته می فرماید۔

"آنحضرت به عمر بن سعد فرموده بود یکی از چهار چیز پیشنهاد را از من بپذیرید ۱۔

۱۔ برگردم به حجاز

۲۔ دست بدست یزید بدهم تا او که پسر عم من است نظر خود را درباره من بدهد

۳۔ مرا یکی از سرحدات بفرستید تا مثل مردم آنجا وظیفه مقررات آنان زندگی کنم"

دفع آن

این بهتان افترا ایست که اولیائے یزید بر حضرت امام بسته بودند که غلام با اختصاص خانوادهٔ حسینی عقبه بن سمعان روایت لازم دانسته گفت که من همیشه با آنحضرت بوده ام و هیچ وقت از حضرت جدا نشدم۔ هیچ وقت حضرت این حرف بر زبان نیاورده که من بروم نزد یزید و دست بدست وی بدهم و توبیخ

www.kitabmart.in

بزرگ ابن جریر طبری این رد عقبه را چنان ارزشی سنجید
که آن را در تاریخ کبیر خود آورد، و ما چه گوئیم این سید جلیل را
که از آن اغماض نموده بهتان افترا امویین را برگردن داده
در مقام استدلال ایراد می کند انا لله و انا الیه راجعون ؟

www.kitabmart.in

مسامحۂ نہم

می فرماید :-

" اما آنکہ تشخیص امام با تشخیص ہمہ ناصحان از قبیل ابن عباس و دیگران مخالف بود، برای اینست کہ بیداشتن ظن در موضوعات بوسیلہ قرائن است و گاہی نزد کسی قوی است و نزد دیگری ضعیف و شاید ابن عباس نامہ ہا و پیام ہا و میثاقہای مردم کوفہ آگاہ نبود و این قرائن از اموری است کہ حال مردم در مورد آن مختلف است و تنہا بطور سربستہ بیان می توان اشارہ کرد نہ بتفصیل "

دفع آن

اوّل آنکہ ہیچ سندی نیست براین کہ تشخیص امام با تشخیص دیگران از قبیل ابن عباس مخالف بود، چون ہیچ وقت آنحضرت ابطال نظر آنہا ننموده بلکہ در جواب بعضی تصدیق فرمود کہ آنچہ گفتی راست گفتی و بمقتضای عقل حرف زدی، ولی می فرمود کہ منظور خدا چیز دیگر است کہ من بعمل می آرم، پس چہ گونہ می توان گفت کہ نظر حضرت با نظر آنہا مخالف بود.

ثانیاً نظر آنہا بچہ قرائنی بود کہ از حضرت مخفی بود و نظر حضرت بچہ قرائنی بود کہ از آنہا مخفی باشد و اما نامہ ہا و پیام ہا و میثاقہای کہ

www.kitabmart.in

اهل کوفه فرستاده بودند پس آنها سنی نبوده و در حالیکه صدها نامه از اعیان آنها رسیده باشد هیچ طور ممکن است کسی گمان کند که آنها همه از فضل ابن عباس پوشیده بود و آنها خبر از آن نامه ها و دیباچه مهاوشی قبیله نداشتند.

اگر نفرا لکش سید رحمه الله باور کنیم که ظن آنحضرت باطن آنها مخالف بود و هم با اخره آنچه مظنون آنها بود بوقوع انجامید پس باید گفت که نظر امام (معاذ الله) خطا کرد و نظر آنها بنقطه صواب رسید.

نه می دانیم سید بزرگوار این را موافق شان امام می بیند یا خلاف شان امام. آنچه ما که عقل امام را از عقول عالم بشر کامل تر می دانیم، نمی توانیم آن را قبول کنیم.

www.kitabmart.in

مسامحهٔ دهم

این زیاد اگر دوباره انتقام نیت خیرخواهی نمی توانست بطوریکه منعم به فی الفور نعمت بزید هم نشود، نگذارد امام برای ملاقات یزید بشام برود و نیروهای نمیز همراه وی نفرستند. دل کینه هائی که از زمان جنگ بدر از مسول خداه در دل داشتند در این زمان بظهور رسید.

می گوئیم:-

بعد از آنکه آقایش از این قرار که مزبور شد با تحقیر از این زیاد و یارانش نمایان شود، حالا حواله کینه های جنگ بدر یاد آوری می نماید؟ آیا کینه های جنگ بدر در دل این زیاد و که هیچ رابطی بمقتولین بدر نداشت بیشتر بود یا در دل یزید که فرزندش بعد از مجلس خود شان را که در بدر کشته شده بودند یاد آوری نمود.

www.kitabmart.in

مسامحه یازدهم

" امکان دارد که امام در آن حال احتمال می داد یک عده از کسانیکه با وی بیعت کردند ولی از یاریش دریغ نمودند بوی بپیوندند و صبر و شکیبائی وکمی یاوران آنحضرت را تحت تاثیر قرار دهد و بخاطر دین یا لااقل وی غیرت بخرج داده باشند چنانکه عده ای چنین کردند و همیاری امام شهید شدند و همیشه در موارد سختی چنین انتظار می رود "

بعرض میرسانیم

اگر نهضت حسینی بسته بود باین که کسانی بوی بپیوندند، چرا جماعتی را که در بین راه مکه و کوفه با وی پیوسته بودند، بعد از خبر شهادت مسلم بن عقیل اجازه داد که از او جدا شوند و چرا در شب عاشور سخن رانی فرمود که در این شب تاریک هر جائی بخواهید بروید.

جناب سید ما که تضمینه را قیمتی نمی داند و شهادت شهید را شهادتی برای اسلام و مسلمانها می داند چرا اینجا تکرار کند که امام می خواست عده ای از کسانیکه با وی بیعت کردند بوی بپیوندند؟ چون اگر بالفرض عده از انها بوی می پیوستند، باز هم نمی توانستند که

www.kitabmart.in

در مقابل ارتشهای ابن زیاد پیروزی یابند - نتیجه غیر از این
نبود، که عدد شهیدان بیشتر شود. پس هر شماره که بکشته شدن
شهیدان براسلام و مسلمین وارد می آید زیادتر می شد، لکن اینکه
برطبق رای سید باید گفت همانیکه چنین کردند و در یاری امام
شهید شدند (هیهات هیهات) کار خوبی نه می کردند چرا آنها تعداد شهیدان
را افزون می کردند پس صدمه باسلام و مسلمین بیشتر می رسانیدند

www.kitabmart.in

۱۲

مسامحهٔ دوازدهم

«۱» در بارهٔ اینکه روش امام حسن و امام حسین علیهما السلام با هم موافق بود یا نه؟ باید گفت روش این دو امام بطور واضح با هم موافق بود. زیرا حضرت مجتبی وقتیکه دید یارانش برای خیانت کردند برای جلوگیری از فتنه و حفظ جان خود و خاندان و شیعیانش تسلیم شد و امام حسین وقتیکه نظر قوی پیدا کرد که کسانیکه با وی مکاتبه نمودند یارش خواهند کرد دید بطوری طرفداران حق قوی و طرفداران باطل ضعیف هستند که واجب است (برای تسخیر کوفه) حرکت کند پس آنگاه که نشانه های بیوفائی ظاهر گشت و حوادث نامطلوب اتفاق افتاد تصمیم گرفت برگردد و دستور برادرش حکومت را به نگران واگذار کند ولی عمال حکومت قبول نکردند.

وجوهی از فساد

۱/ اول اینکه از اکثر اصحاب حضرت امام حسن مثل حجر بن عدی و قیس بن سعد بن عباده و امثال آنها بهیچ ظهور خیانتی نشده بود و اینها اصرار داشتند بر مداومت حرب و ظهور خیانت از بعضی موجب نمی شود برای اینکه امام از حق خود دست بردارد بلکه بسبب

www.kitabmart.in

نظر سید رد در اداء وظیفه خود که بقاء بر حکومت است تهاون نماید
با این که انصار شان بحسب عدد و عُدد بیشتر از اصحاب
حضرت امام حسین بوده اند.

دوم اینکه حضرت امام حسین بهیچ کس از کسانیکه در این
باره با حضرت صحبت کردند و اظهار بی اعتمادی بر اهل کوفه نمودند
نه فرمود که من ظن قوی دارم که اینها یارم خواهند کرد یا
اینکه طرفدارانم قوی اند و طرفداران یزید ضعیف هستند
بلکه حضرت روی هم رفته بعنوان تقویت خصوص طرف آنها
فرموده نهضت خودش را مبتنی بر امر الهی قرار داد پس
پس سید ما چرا می فرماید که حضرت ظن قوی پیدا کرد که کسانیکه
باو مکاتبه نمودند یارش خواهند کرد
سوم اینکه حقیقت امر آنست که چون نشانه های بی وفائی
ظاهر و مسلم و بارزی نگشته شده باز هم حضرت تصمیم برگشت
نه گرفت بلکه در همان راه جلو رفت تا آنکه حر بن یزید ریاحی با
ارتش ابن زیاد رسید و خواست حضرت را بقصر و قهر بکوفه ببرد و
آن وقت حضرت تصمیم برگشت گرفت چون نه می خواست بنحو
اجباری کوفه برود یا

www.kitabmart.in

نتیجهٔ آخرین

بلی بلا شبهه است که روشن این دو امام یکی است. ولی نه بطوریکه آقای سید تقریر فرموده بلکه بنحویکه ما در کتاب "السبطان فی موقفیهما" تقریر نموده ایم. و خلاصه اش آنکه در مرحلهٔ حضرت امام حسن سلام الله علیه معاویه کاغذی فرستاده بود که هرچه می خواهید از شرائط در این کاغذ بنویسید من قبول دارم و آنحضرت شرائطی نوشت که معاویه بسبب آن متقید گردید که موافق مطلب حضرت اتباع کتاب و سنت بنماید. پس فی الحقیقه حضرت با معاویه بیعت نکرد بلکه از او بیعت گرفت که بر طبق رضای ایشان عمل می کند و در مرحلهٔ امام حسین یزید از ایشان می طلبید که بی شرط و قید فرمان روائی او را قبول کنند و این چیزی بود که اگر بر حضرت امام حسن عرضه می داشتند او هم ابا و انکار می ورزید و همان صدمتی که حضرت امام حسن با معاویه مصالحت فرمود، اگر یزید هم آن حضرت را به پیشگاه حضرت امام حسین عرضه می داشت، ایشان هم مثل برادر خود مصالحت می فرمود پس روشن این دو امام یکی است و هیچ گونه اختلافی ما بین آنها نیست والسلام خیر ختام

۳۰ رمضان ۱۴۰۰ (علیزاده) علی فقی النعوس

www.kitabmart.in